

به بهانه توپ به روایت پول

اسکناش

روایتی از اسکناش های ۳۲ کشور حاضر در جام جهانی قطر





انتشارات راه پرداخت

برای دانلود نسخه کامل به وبسایت
فروشگاه انتشارات راه پرداخت مراجعه کنید
w2pshop.ir

نسخه نمونه

بسم الله
الرحمن
الرحيم



The mark of
responsible forestry
FSC® C009732

سرشناسه: قربانی، رضا، ۱۳۶۳ دی -

عنوان و نام پدیدآور: اسکناس / به اهتمام رضا قربانی

ویراستار ارشد: مینا والی

ویراستار ادبی: یلدا شایسته‌فر

بازبینی نهایی متن: علی ورامینی

مشخصات نشر: تهران: راه پرداخت، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص: مصور (رنگی)، عکس (رنگی)، نقشه (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۲-۹۵-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: اسکناس - تاریخ، Bank notes - History

رده‌بندی کنگره: HG۳۳۹

رده‌بندی دیویی: ۳۳۲/۴۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۰۹۱۱

به بهانه توپ به روایت پول

اسکناش

روایتی از اسکناش های ۳۲ کشور حاضر در جام جهانی قطر



عنوان: اسکناس
ناشر: راه پرداخت
به اهتمام: رضا قربانی
ویراستار ارشد: مینا والی

ویراستار ادبی: یلدا شایسته‌فر
بازبینی نهایی متن: علی ورامینی
صفحه‌آرا: علیرضا کیوان

ناظر چاپ: قادر شهبازی
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۷۷۰۲-۹۵-۸
تلفن: ۰۲۱-۴۴۴۳۹۶۶

۲۶
قاجاریه به روایت اسکناس
دولت مقتدر در غیاب مردم

۳۰
عصر پهلوی به روایت اسکناس‌ها پیش
مدرنیزاسیون بدون مدرنیته

۳۴
نگاهی به ایران پس‌انقلاب به واسطه اسکناس‌ها
از اسلام ایرانی تا ایران اسلامی

۴۴
آرژانتین به روایت اسکناس ۱۰۰ پزوپی
پیروزی به هر قیمتی

۴۸
آلمان به روایت اسکناس ۱۰۰ ماریکی
موسیقی کلاسیک با کوک غرور ملی

۵۲
اروگوئه به روایت اسکناس ۲۰ پزوپی
افسانه سرزمین پدري

۵۶
اسپانیا به روایت اسکناس ۱۰۰۰ پزو تایی
چهره ژانوسی فوتبال

۶۰
استرالیا به روایت اسکناس ۵۰ دلاری
کار کارستان اوتاپیون

۶۴
اکوادور به روایت اسکناس ۱۰۰ سوکره‌ای
رومیناوی: اسطوره‌ی واقعی

۶۸
آمریکا به روایت اسکناس ۱ دلاری
اسکناسی که به اندازه پای سیب آمریکایی است

۷۲
انگلستان به روایت اسکناس ۵ پوندی
رازددایی از نهاد سلطنت

۷۶
برزیل به روایت اسکناس ۱۰ رئالی
پناه به فوتبال

۸۰
بلژیک به روایت اسکناس ۵۰ فرانکی
واپسین امید برای ملت بودن

۸۴
پرتغال به روایت اسکناس ۵۰۰/۰۰۰ اسکودویی
اراده معطوف به قدرت یک مردم

۸۸
تونس به روایت اسکناس ۱ دیناری
مستعربه استثنایی

۹۲
دانمارک به روایت اسکناس‌های کرون
از قربانی تا مسئولیت‌پذیری

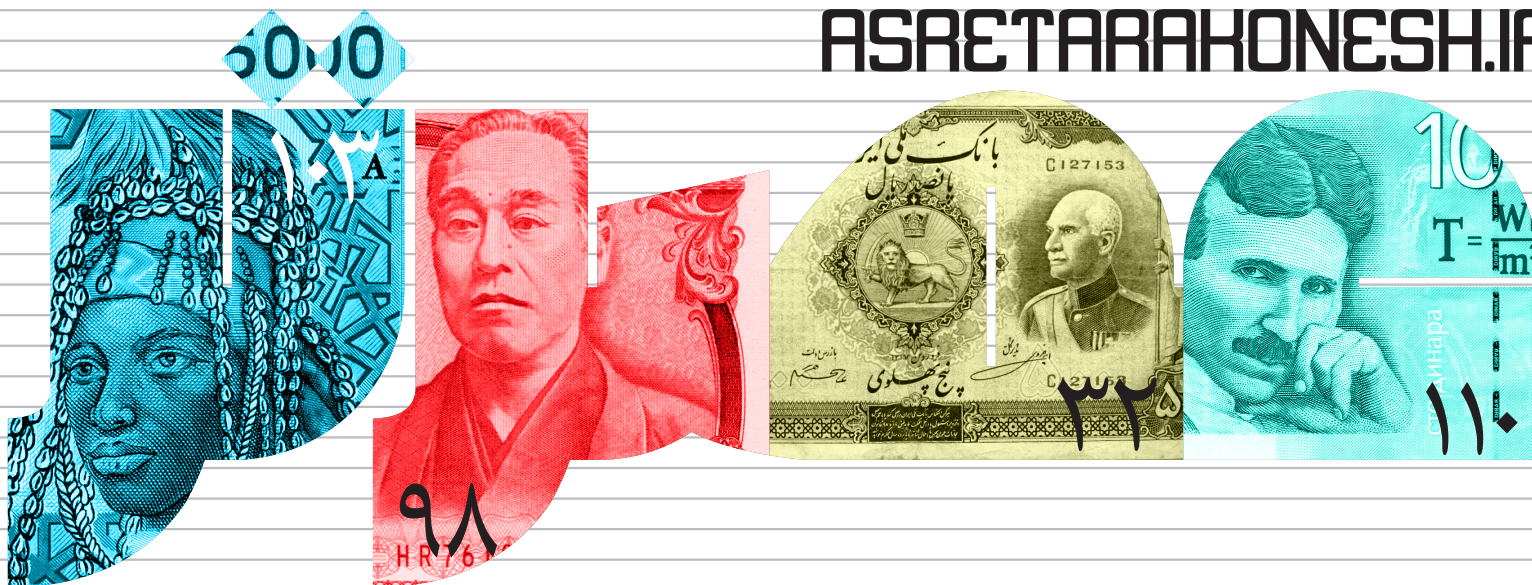
۹۶
ژاپن به روایت اسکناس ۱۰۰۰ یینی
معبد برابری

۱۰۰
سنگال به روایت اسکناس ۵۰۰۰ فرانکی سی‌اف‌ای
هم‌نشینی مسالمت‌آمیز سنت و مدرنیته

۱۰۴
سوئیس به روایت سری نهم اسکناس‌های فرانک
فقط یک کره زمین داریم

۱۰۸
صربستان به روایت اسکناس ۲۰ دیناری
در پی ملت

ASRE TARAKHONESH.IR



۱۲۰
فرانسه

۶۰
استرالیا

۹۲
دانمارک

۸۸
تونس

۴۴
آرژانتین

۱۱۲
عربستان

۱۵۶
مکزیک

۱۴۸
لهستان

۷۲
انگلستان

۳۴
ایران

۶۸
آمریکا

۱۶۴
ولز

۱۲۴
قطر

۶۴
اکوادور

۱۰۰
سنگال

۱۶۰
هلند

فروشگاه انتشارات راه پرداخت نشانی: تهران، جنت آباد جنوبی، خیابان لاله غربی، روبه روی پاساژ سمرقند، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸

@way2paypress Way2Pay.press @way2paypress

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «انتشارات راه پرداخت» محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه (چاپی، صوتی، ویدئویی، دیجیتالی و...) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

دورنگار: ۸۹۷۸۴۹۰۲
ایمیل: publisher@way2pay.press
وبسایت: way2pay.press
لیتوگرافی: هنر اشکان
چاپ و صحافی: واژه

۱۷۵
درباره کتاب «پول؛ داستان واقعی یک چیز الکی»
افسانه دوست داشتنی

۱۷۶
درباره کتاب استاندارد بیت کوین
بازگونی ایده پول

۱۷۷
درباره کتاب پایان پول
نظام مالی جایگزین؛ چگونه؟

۱۷۹
درباره کتاب پول نقد دیجیتالی
«وجه رایج»

۱۸۰
درباره کتاب کریپتوکارنسی
چرا باید به پول دیجیتالی اهمیت بدهیم؟

۱۵۲
مراکش به روایت اسکنا ۱۰۰ درهمی
سلطان، صحرا و اصلاحات

۱۵۶
مکزیک به روایت اسکنا ۲۰۰ پیوپی
از استعمار تا توسعه

۱۶۰
هلند به روایت اسکنا ۱۰۰۰ گیلدری
بازسازی برند پرشکوه گذشته

۱۶۴
ولز به روایت فوتبال
مارا «کوچک» بخوانید

۱۷۲
معرفی چند اثر مهم درباره پول
به روایت کتاب

۱۳۲
کامرون به روایت اسکنا ۱۰۰۰ فرانکی سی افای
پرتره یک زن عاصی

۱۳۶
کانادا به روایت اسکنا ۱۰ دلاری
علیه تبعیض نژادی

۱۴۰
کره جنوبی به روایت اسکنا ۲۰۰۰ وونی
مردم، ورزش و بیرنگهبان

۱۴۴
کرواسی به روایت اسکنا ۱۰۰۰ کونایی
شمایل پدر ملت

۱۴۸
لهستان به روایت اسکنا ۵۰۰ زلوتی
ناجی کشور و مذهب

۱۱۲
عربستان سعودی به روایت اسکنا ۵ ریالی
ملک و نفت

۱۱۶
غنا به روایت اسکنا ۲۰ سدی
آمریکای آفریقا

۱۲۰
فرانسه به روایت اسکنا ۲۰۰ فرانکی
بازخوانی روح روشنگری

۱۲۴
قطر به روایت اسکنا ۵۰۰ دیناری
قوش بازان بلند پرواز

۱۲۸
کاستاریکا به روایت اسکنا ۱۰ هزار کولونی
ساعت صفر



۸۴
پرتغال

۱۱۶
غنا

۵۲
اروگوئه

۱۴۰
کره جنوبی

۷۶
برزیل

۱۰۸
صربستان

۱۰۴
سوئیس

۱۲۲
کامرون

۸۰
بلژیک

۱۳۶
کانادا

۱۵۲
مراکش

۱۴۴
کرواسی

۵۶
اسپانیا

۱۲۸
کاستاریکا

۹۶
ژاپن

۴۸
آلمان

درباره ایده ویژه نامه اسکناس های ۳۲ کشور جهان به بهانه جام جهانی فوتبال قطر

نقش چیزهای کوچک در زندگی جمعی ما



رضا قربانی
مؤسس
کارخانه نوآوری
رسانه راه کار

گنج و باستان شناسان روانه این محل های قدیمی شدند. در طول تاریخ یکی از اشیاء و چیزهای روزمره و به بیان دقیق تر ابزارهایی که کمتر دیده شده اند، پول و مهم ترین مصداق آن اسکناس است.

پول اگر انتزاعی ترین ابزار ساخته شده توسط بشر نباشد، حتماً جزء انتزاعی ترین هاست. به سختی می توان ابزاری مانند پول یافت که این همه خلاق و انتزاعی و البته کاربردی در زندگی روزمره باشد. این در حالی است که پول تا همین اواخر کمتر مورد توجه جامعه شناسان، فیلسوفان، روان شناسان و حتی مورخان بود. با اینکه تاریخ پول فراتر از تاریخ بانکداری، بورس و بیمه است، ولی حجم محتوایی که درباره پول وجود دارد، کمتر از حجم محتوای مرتبط با بانکداری است. با این همه امروز پول و بانکداری چنان عجین شده اند که تصور پول بدون بانک برای ما سخت و دشوار است. شاید اگر بیت کوین و دیگر رمزارزها خلق نشده بودند و در عمل نمی دیدیم که می توانیم پول بدون بانک داشته باشیم و حتی عملیات مهم بانکداری را هم بدون بانک ها انجام دهیم، این حرف ها بیش از حد انتزاعی به نظر می رسید. همین امروز هم که مصداق ها را دیده ایم و انقلاب بلاکچین در حال دگرگونی در تمام زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، هنوز به قدرت بانک ها ایمان داریم و پول بدون بانک را مانند زنبور بدون عسل می دانیم!

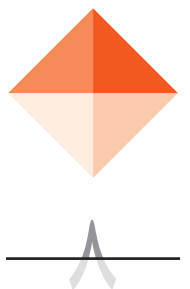
مهم ترین مصداق فیزیکی و شیءواره بودن پول، حتی در دوران دیجیتال ما، سکه و اسکناس است. همیشه هم بوده اند کسانی که به سکه و اسکناس به عنوان یک موضوع کلکسیونی نگاه کرده و پول های کاغذی دوره های گوناگون کشورهای متفاوت جهان را نگهداری کرده اند. شاید این ادعای بزرگی باشد که اسکناس مهم ترین چیزی است که خلاصه تاریخ یک کشور در آن منعکس می شود؛ یا حداقل این طور بگوییم که خلاصه تاریخ کشور از دیدگاه حاکمان فعلی آن در پول (به طور خاص



ما اطلاعات
زیادی درباره
اسکناس های
کشورهای دیگر
نداریم. تصور
می کنیم می دانیم،
ولی در واقعیت چیز
زیادی نمی دانیم؛
حتی کشورهایی
مانند آمریکا و
اسکناس های دلار
هم برای بسیاری
از ما در اسکناس
یک دلاری و
صد دلاری خلاصه
شده

بعضی ایده ها بسیار ساده اند و دم دستی؛ اما اجرای آنها سخت است و دشوار. ایده هایی که چنان ساده اند که بسیاری تصور می کنند به فکر خودشان هم رسیده، ولی هیچ گاه نتوانستند یا نخواستند زمان بگذارند و آن را اجرا کنند. به همین دلیل ساده فرار از سختی راه، افراد کمی در جهان چیزهایی را که برایشان جالب است، در یک نظم مشخص جمع آوری و نگهداری می کنند. کلکسیونرها ایده ساده ای را دنبال می کنند؛ جمع کردن مرتب و منظم همه آن چیزهایی که دوست شان دارند. این چیزها می توانند بی ارزش ترین اشیاء عالم از نظر مادی باشند تا جواهراتی گران قیمت یا تابلوهای نقاشی ارزشمند. به عنوان نمونه تمبر ارزش مادی چندانی ندارد، ولی وقتی یک کلکسیونر در یک نظم مشخص آنها را جمع می کند، این ترکیب دارای ارزش معنوی و احیاناً مادی فراتر از جمع ارزش تک تک آن تمبرها می شود. تمبر و بسیاری از چیزهای دیگر بخشی از زندگی روزمره ما را می سازند که در جریان هیجان و سرعت زندگی توجهی به آنها نمی کنیم که این می تواند زیباترین جلوه هنر باشد. هنر راستین با زندگی عجین می شود و ما هر روز از آن استفاده می کنیم. هنر راستین جایش گوشه موزه ها و زیر نور چراغ ها نیست. هنر راستین می تواند مجسمه ای باشد که در میدانی نصب شده و هر روز آن را می بینیم. شهر می تواند مصداق یک اثر هنری باشد، مانند ونیز و بارسلونا. به همین سیاق بسیاری از چیزهای زندگی ما می تواند مصداقی از یک اثر هنری باشد.

کیفیت زندگی جمعی ما تابع دقیقی از همین جزئیاتی است که ممکن است به آنها توجه نکنیم. با این وجود اشیاء در نگاه بسیاری از پژوهشگران انسانی اهمیت چندانی ندارند. شاید برخی باستان شناسان به دنبال اشیاء قدیمی بگردند و برخی از سوداگران گنج به سودای ثروتمند شدن جست و جو کنند. به عنوان نمونه داستان های زیادی خوانده ایم که وقتی اشیایی قدیمی در اهرام مصر پیدا شدند، چگونه سوداگران



اسکناس) روایت می‌شود. اسکناس‌ها می‌توانند اثری هنری باشند و قاعداً واجد همه آن نمادهایی که برای یک کشور و مردم آن مهم هستند. در طول زمان و با دگرگونی‌های سیاسی ممکن است طرح اسکناس‌ها تغییر کند، ولی با توجه به دشواری تغییر در اسکناس‌ها قاعداً پول (به‌طور خاص اسکناس) از ثبات مطلوبی برخوردار است. به‌عنوان نمونه چند سالی است که در ایران ایده حذف صفر از اسکناس‌ها مطرح شده و بانک مرکزی به‌صورت آهسته در حال ایجاد تغییرات جزئی در پول‌هاست، ولی تغییر یکباره پول امری سخت و زمان‌بر است. یا به‌عنوان مثالی دیگر بعد از فوت ملکه الیزابت این سؤال مطرح شد که حالا تصویر چه کسی را باید روی پول انگلستان چاپ کرد! در سال‌های گذشته نوآوری‌های زیادی در زمینه اسکناس‌ها انجام شده و حتی برخی کشورها به سراغ مواد پلیمری برای ساخت پول رفته‌اند. بسیاری از کشورها به اسکناس‌هایشان به مثابه اثری هنری نگاه می‌کنند و برای آن از بهترین طراحان جهان کمک می‌گیرند و از بهترین فناوری‌های چاپ برای خلق اسکناس بهره می‌برند. اسکناس مهم‌ترین و پرتکرارترین تصویر در زندگی روزمره مردم یک کشور است. آن قدر تکرار می‌شود که به مرز فراموشی می‌رسد. کمتر کسی آگاهانه در هر بار استفاده به طرح یا نقش‌ونگار پول توجهی می‌کند و این توجه‌نکردن به حدی زیاد است که تقریباً اگر بخواهیم پول‌های در گردش خودمان را هم یادآوری کنیم، گاهی برایمان سخت و دشوار می‌شود.

ما اطلاعات زیادی درباره اسکناس‌های کشورهای دیگر نداریم. تصور می‌کنیم می‌دانیم، ولی در واقعیت چیز زیادی نمی‌دانیم؛ حتی کشورهایی مانند آمریکا و اسکناس‌های دلار هم برای بسیاری از ما در اسکناس یک‌دلاری و صد‌دلاری خلاصه شده و اسکناس‌های دیگر کشورها هم حتی در همین حد شناخته‌شده نیستند.

با گسترش فناوری‌های دیجیتال و حتی رواج رمزارزها، شاید مرور اسکناس‌های کشورهای گوناگون امری عجیب به نظر برسد، اما همین امر عجیب دریچه‌ای است برای درک جهانی که فراموش می‌کنیم کنار ما زندگی می‌کند. اسکناس هر کشوری معمولاً مهم‌ترین نمادهای آن کشور را در یک چیز کوچک کنار هم جمع کرده و با نگاه به اسکناس یک کشور می‌توان به این رسید که درون آن کشور چه خبر است.

ایده این شماره ماهنامه عصر تراکنش هم از اینجا آمد که می‌خواستیم به مناسبت جام جهانی فوتبال ویژه‌نامه‌ای داشته باشیم که درباره ۳۲ کشور جام جهانی باشد. چهار سال پیش این راه را به شیوه دیگری رفتیم و این بار ایده‌های زیادی روی میز بود. در نهایت به ساده‌ترین ایده که در اجرا سخت‌ترین آنها بود، رسیدیم. به این رسیدیم که ۳۲ کشور جام جهانی را از دریچه اسکناس‌های آنها مرور کنیم؛ ایده‌ای که ظاهراً ساده است، ولی در اجرا



**فلسفه کلی
حاکم بر این پرونده
مفصل، اهمیت اشیا
در زندگی روزمره
است. این پرونده
و مطالب آن به ما
کمک می‌کنند جهان
را از زاویه به ظاهر
بی‌اهمیت‌ترین
چیزهای زندگی
ببینیم. اگر تاریخ
فلسفه ۲۰۰ سال
گذشته را بررسی
کنیم، نام‌هایی را
می‌یابیم که تأملاتی
درباره زندگی اشیا
داشته‌اند، ولی
کار بزرگ «گئورگ
زیمل» آلمانی در
حوزه جامعه‌شناسی
به عنوان فلسفه
پول یکی از جالب
توجه‌ترین
دیدگاه‌ها درباره
زندگی‌اشیاست**

پیچیدگی‌های زیادی بر ما تحمیل کرد. این شماره عصر تراکنش نگاهی متفاوت است به ۳۲ کشور جهان. اسکناس‌های این کشورها را مرور کرده‌ایم و حتی نگاه کردن به این اسکناس‌ها هم تجربه لذت‌بخشی است. البته این تازه ابتدای راهی است که در آینده می‌توان آن را به شیوه‌های دیگری کامل کرد.

محور اصلی ایده این شماره اسکناس است و تصور می‌کنیم اسکناس فرصتی است برای شناختن کشورهای گوناگون جهان.

فلسفه کلی حاکم بر این پرونده مفصل، اهمیت اشیا در زندگی روزمره است. این پرونده و مطالب آن به ما کمک می‌کنند جهان را از زاویه به ظاهر بی‌اهمیت‌ترین چیزهای زندگی ببینیم. اگر تاریخ فلسفه ۲۰۰ سال گذشته را بررسی کنیم، نام‌هایی را می‌یابیم که تأملاتی درباره زندگی اشیا داشته‌اند، ولی کار بزرگ «گئورگ زیمل» آلمانی در حوزه جامعه‌شناسی به عنوان فلسفه پول یکی از جالب توجه‌ترین دیدگاه‌ها درباره زندگی اشیاست. هرچند مطالعه زندگی اشیا، تاریخ بسیار کوتاهی دارد، ولی اکنون ما در جهانی زندگی می‌کنیم که اشیا نقش مهمی در آن دارند. البته زندگی اشیا را نباید با بت‌وارگی اشیا اشتباه بگیریم. ما اینجا قرار نیست مروج ناانسانی شدن روابط انسانی باشیم؛ بلکه می‌خواهیم بر انسانی شدن روابط انسان‌ها از دیدگاه اشیا نگاه کنیم.

در سال‌های اخیر و با خلق رشته‌هایی مانند مطالعات فرهنگی مادی می‌توانیم امیدوار باشیم که رابطه میان افراد، اشیا و سایر چیزها دقیق‌تر مطالعه شود. همه اینها در بستر اقتصادی رخ می‌دهد که آن را اقتصاد روایی می‌خوانیم؛ این روایت‌ها هستند که زندگی ما را معنادار می‌کنند و حتی گاهی بر شاخص‌های آن اثر جدی می‌گذارند. در این میان اسکناس‌ها یکی از بهترین دریچه‌ها برای شناخت روایت‌های حاکم بر جهان امروز هستند.

در پایان لازم است از همه آنهایی که این ایده را به چنین ویژه‌نامه‌ای تبدیل کردند تشکر کنم و امیدوارم راهی که اینجا شروع شده، ادامه پیدا کند و بتوانیم در زمینه مطالعه چیزهای به‌ظاهر ساده و دم‌دستی فراموش شده که آنها را نمی‌بینیم، کاری هرچند کوچک انجام دهیم و چیزی به یادگار بگذاریم.

از علی ورامینی و همکارانش که سردبیری مهمان این شماره ویژه‌نامه را بر عهده داشت، تشکر می‌کنم و از همه همکاران در کارخانه نوآوری رسانه راه‌کار ممنونم که اگر یاری همدلانه آنها نبود این «چیز» شکل نمی‌گرفت. امیدوارم در میان انبوه هیجان‌های روزمره زندگی این کارها تأثیری هرچند کوچک در بهبود کیفیت زندگی همه ما داشته باشند ♦

چرا به بهانه جام جهانی فوتبال به سراغ اسکناس کشورها رفتیم؟

نمادها و روایت‌ها



مینا والی
مدیرمسئول



در صحنه‌ای از فیلم «اسپنسر»، در حاشیه مراسمی که در آن لنز تمام دوربین‌ها روی «پرنسس دایانا» متمرکز بود، ملکه الیزابت که تاب چنین توجهی به دایانا نداشت، به او گفت: «مهم اینه که عکس کی روی اسکناس‌ها چاپ میشه.» گویی نقش بستن تصویر ملکه انگلستان روی اسکناس بیش از تمام داشته‌هایش می‌ارزد. در واقع اسکناس‌ها و تصویر نقش بسته روی آنها بیش از آنچه تصور می‌کنیم، مهم هستند.

مطالعه تصاویر چاپ شده روی اسکناس یک کشور حقایق جالب توجهی را درباره آن ارائه می‌دهد. اینکه چرا در جایی از دنیا، برای نقش روی اسکناس، تصویر هنرمندان را انتخاب کرده‌اند، در جایی دیگر تصویر سیاستمداران یا مکان‌ها را، خود تحلیلی از شرایط فرهنگی و سیاسی آن ارائه می‌دهد. اسکناس‌ها روایتگران خاموشی هستند که تاریخ، فرهنگ و سیاست یک ملت را بازگو می‌کنند. روایتگران بی‌ادعایی که در هر زمان و در هر مکان، در کیف پول مان همراه ما هستند. اسکناس‌ها و سکه‌ها قرن‌هاست به نمود ارزش در جوامع تبدیل شده‌اند. قدمت این ابزارها از بسیاری از ابزارهای امروزی ما بیشتر است و فقط طی تاریخ و با تغییر جوامع جنس و طرح آنها تغییر کرده است؛ طرح‌هایی که مطالعه آنها مطالعه تاریخ، سیاست، جامعه و فرهنگ یک ملت است. اسکناس‌ها حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، اما آن قدر وجه ارزش آنها غالب شده که کم پیش می‌آید از این زاویه به آنها نگاه کنیم. اسکناس‌ها راوی تحولات تاریخی یک ملت‌اند و جزء اولین مظاهری که با تحولات به‌روز می‌شوند.

با اینکه شکل‌های جدید پول ظهور کرده‌اند، از کارت‌های بانکی تا رمزارزها، هنوز هم اسکناس و سکه کاربرد خود را از دست نداده‌اند. گرچه برای ما در ایران این ابزارها به تدریج در دست مردم کم شده‌اند و با سرعتی فوق‌العاده به سمت جامعه بدون پول نقد حرکت کرده‌ایم، اما هنوز هم در دنیا و حتی کشورهایی که برنامه‌ای برای حذف آن داشته‌اند، اسکناس ابزار مهم انتقال ارزش است. برای ما اسکناس‌ها و سکه‌ها دیگر کاربرد گذشته را ندارند؛ نه اینکه با برنامه‌ای دقیق و از پیش تعیین شده به سمت حذف آن حرکت کرده باشیم، بلکه عوامل گوناگون دست در دست هم داده‌اند تا با هزینه زیادی اسکناس و سکه را کنار بگذاریم.

اهمیت اسکناس‌ها در ماهیت آنهاست و چیزی که نمادش هستند، یعنی پول. اغراق نیست اگر بگوییم پول مهم‌ترین ساخته دست بشر است؛ به هر شکلی که طی قرن‌ها درآمده، جایگزینی ارزش با چیزی که خود ذاتاً ارزشی ندارد، دستاورد بزرگی است که انسان را از اسارت در دست کالاها نجات داد و ذهن را فراتر از آنچه لمس می‌کرد، هدایت کرد.

گسترش علم، شکل‌گیری شهرها، توسعه صنایع و فناوری، همه و همه مرهون ابزاری به نام پول هستند که اجازه داد ذهن انسان فراتر از زمان و مکان حرکت کند. پول، این مفهوم انتزاعی پیچیده، همان چیزی است که به انسان اجازه داد فراتر از زراعت و صنعت بپنیدیشد و افق‌های جدیدی روی انسان گشود.

پول که پایه و اساس اقتصاد را شکل می‌دهد، مفهومی پیچیده است که درباره ماهیت و کاربرد آن بسیار گفته شده است. ما هم در رسانه‌های خود یعنی راه پرداخت، عصر تراکنش و کتاب‌های انتشارات راه پرداخت تلاش کرده‌ایم به این موضوع مهم بپردازیم. طی این سال‌ها به شکل‌های گوناگون درباره پول گفته‌ایم و خصوصاً در انتشارات راه پرداخت چندین کتاب با موضوع پول منتشر کرده‌ایم؛ از جمله کتاب‌های پول نقد دیجیتال، پول، فلسفه پول و مالی، پول چگونه کار می‌کند، استاندارد بیت‌کوین، پایان پول و نفرین پول نقد که هر کدام از زاویه‌ای به موضوع پول پرداخته‌اند. در حال حاضر نیز کتاب‌های دیگری در دست انتشار داریم که به موضوع پول پرداخته‌اند. در دنیا آثار مهمی درباره پول منتشر شده که ما نیز خود مخاطب این آثار هستیم و معتقدیم پول آن قدر موضوع پیچیده، مهم و پویایی است که هیچ‌وقت انتشار آثاری در این زمینه پایان نخواهد یافت و ما نیز در ادامه راه خود آثار دیگری را تقدیم مخاطبان خواهیم کرد.

ویژه‌نامه‌ای که در دست دارید نیز یکی از محصولات کارخانه نوآوری رسانه راه کار است که این بار به بهانه جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ به مطالعه اسکناس ۳۲ کشور حاضر در این تورنمنت بزرگ ورزشی پرداخته است. هر طور که فکرش را بکنید، نمی‌توانیم چنین تنوعی از کشورها را در یک جا جمع کنیم و چه موقعیتی بهتر از حضور در این میدان برای زوم شدن روی یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی دنیا؟ و چه میدانی زیباتر از میدان فوتبال برای نگاهی عمیق به تاریخ کشورها؟

فوتبال و اسکناس، این پدیده‌های به‌ظاهر نامرتب، اتفاقاً شباهت‌های زیادی به هم دارند. فوتبال نیز همچون اسکناس به شدت تحت تأثیر فرهنگ یک کشور است. فوتبال هر کشوری آینه‌ای از فرهنگ و سیاست آن کشور است و حتی تیم‌های محلی با بازیکنان محلی هم سبک خاص خود را دارند؛ مگر نه اینکه اسکناس‌ها هم آینه‌ای از فرهنگ و سیاست یک کشورند؟ کدام ورزش در دنیا به اندازه فوتبال بُعد سیاسی دارد؟ کدام ورزش در دنیا به اندازه فوتبال تحت تأثیر جنگ‌ها و اختلافات میان کشورهاست؟

حافظه تاریخی ضعیف ما شاید یاری ندهد، اما نگاهی به تاریخ فوتبال ما نشان می‌دهد که این ورزش بارها و بارها در کشورمان تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرار گرفته و به‌واقع مردم از کدام تیم ورزشی به اندازه فوتبال انتظار کنش سیاسی و اجتماعی دارند؟

یکی از مهم‌ترین اتفاقات فوتبال ایران متأثر از تحولات سیاسی بعد از انقلاب بود که برخی آن را مظهر رژیم شاهنشاهی می‌دانستند. سال ۱۳۵۸ زمانی که تیم ملی فوتبال برای شرکت در مسابقات آسیایی در اردویی در بوشهر بود، تظاهرات گسترده‌ای علیه آن برگزار شد. شعار آن روزها این بود: «اردوی تیم ملی، خیانت است به ملت». تظاهراتی که سبب شد اعضای تیم ملی خیلی بی‌سروصدا ساک‌هایشان را جمع کنند و به تهران برگردند. همین تیم ملی خائن تیمی بود که در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه در میدانی که تیم ملی آمریکا را شکست داد، به قهرمان ملی تبدیل شد. تیم‌های فوتبال نیز همچون اسکناس‌ها به نمادی تبدیل شده‌اند که با هر تحول سیاسی در کشورها دستخوش تغییرات زیادی می‌شود؛ از اولین نمادهایی که هر قدرت حاکمی می‌خواهد به سلیقه خود آن را بیاراید. ما این شباهت‌ها را در این ویژه‌نامه کنار هم قرار دادیم تا از زاویه‌ای که تا به حال کسی در ایران به آن نپرداخته، به تیم‌های حاضر در جام جهانی فوتبال بپردازیم. چهار سال پیش هم برای جام جهانی روسیه کاری متفاوت برای ۳۲ کشور انجام دادیم، اما این بار با تمرکز بر اسکناس‌ها راوی داستان کشورها شدیم. امیدواریم در آینده بتوانیم این کار را برای کشورهای دیگری که شانس حضور در جام جهانی را نداشتند، ادامه دهیم. ♦

تا خاموش نشویم ناگاه



علی ورامینی
سردبیر مهمان



یادداشت

بسیاری از کسب و کارها تعطیل شدند و... چیزهای دیگر که همه می دانیم.

هر بار اما خود را جمع می کردیم، هم برای اینکه به میانجی کار کمی از بار دنیا و خبرهای همه تلخش وارهییم و هم اینکه به این باور داشتیم که شاید یک روز خوب بیاید؛ روزی که دغدغه ما هم بحث های این چنینی نباشد و اگر این روزها را هیچ کاری نکرده باشیم، هم پیش خودمان شرمند ایم، هم بالاخره وقتی را که می شد کاری کنیم، به بیکاری گذرانده ایم. در نهایت بد هم نشد. تاریخ خواندیم. با اسکناس ها به کشورها و تاریخ شان سفر کردیم. برایمان بیش از پیش مسجل شد که «این نیز بگذرد». از اسکناس ها یاد گرفتیم که اگرچه تاریخ را همیشه قوم غالب روایت می کند، اما آن که کار نیک کرده و برای مردمان و سرزمینش گامی برداشته، بالاخره روزی ارج می بیند و بر صدر می نشیند. به قول حافظ «پری رو تاب مستوری ندارد...».

از اسکناس ها مسیر کشورهای توسعه یافته را یاد گرفتیم. دیدیم که دغدغه اصلی مسئولان و تصمیم گیران هر کشوری که عمدتاً روی اسکناس هایشان بازتاب داده شده، تا چه میزان بر دیروز و اکنون شان تأثیرگذار بوده است. جز اسکناس به سیاست و فوتبال کشورها هم سر زدیم و چه جالب که این سه چطور در پیوند وثیقی با هم قرار دارند. کشورهایی دیدیم که برای ۵۰ سال فوتبال شان برنامه ریزی دارند، همان طور که می دانند کدام پول در چند سال آینده به گردش درخواهد آمد و برای هر دو سیاست گذاری های دقیقی کردند. چه کشورهایی هم دیدیم که فوتبال پناه شان است. پناه مردمی برای جهیدن از دام فقر و بیچارگی، پناه مردمی که جایی جز استادیوم ندارند تا بتوانند بدون ترس و یک صدا شعار بدهند و پناه مردمی که با برد و باخت فوتبال باخت های مدام شان را سر می کنند. شاید این گزاره خام باشد، اما تقریباً کشورهایی که اقتصاد باثباتی داشتند و اسکناس های با پشتوانه تر، فوتبال کمتر برایشان حیثیتی بود و ورزشی بود که برای آن ذیل سیاست های کلیشه شان طرح و برنامه داشتند، اما هرچه کشورهای بی ثبات تر و با تاریخ معاصر ملتهب تر را بررسی کردیم، فوتبال بیشتر برایشان حیثیتی بود. البته شاید شما با ورق زدن صفحات پیش رو چیز دیگری استنباط کنید. در آخر از رضا قربانی و مینا والی تشکر ویژه می کنم؛ آدم هایی که فارغ از شأن حرفه ای و مدیریتی شان، به عنوان دوست در سخت ترین روزها اطراف شان را گرم می کنند، در دل رفقای شان حتی شده کورسوی امیدی روشن می گذارند، تا خاموش نشویم به ناگهان



از اسکناس ها
یاد گرفتیم که
اگرچه تاریخ را
همیشه قوم
غالب روایت
می کند، اما آن
که کار نیک کرده
و برای مردمان
و سرزمینش
گامی برداشته،
بالاخره روزی ارج
می بیند و بر صدر
می نشیند. به قول
حافظ «پری رو
تاب مستوری
ندارد...»

روزهایی بود که در فکر بودیم چطور ویژه نامه ای برای جام جهانی داشته باشیم که هم بی ربط به ماهنامه تخصصی عصر تراکنش نباشد و



هم اینکه حرفی جدید بزنیم. به خصوص دوره قبل جام جهانی، عصر تراکنش ویژه نامه ای مفصل درباره کشورهای حاضر در جام جهانی وقت منتشر کرده بود و در آن به ابعاد بانکی و فین تکی آن کشورها پرداخته بود. در همین اثنا، صبح روزی رضا قربانی زنگ زد و گفت «یافتم». دقیقاً به سبک ارشمیدس که از حمام جهیده بود بیرون و گفته بود «آره کا». انصافاً هم خوب یافته بود. ایده نابش را گفت و ما هم با یک حساب سرانگشتی و این به آن و آن به این گفتیم که «حله آقا». و ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد.

یاران راه را خبر کردم، از محسنین محمودی و آزموده گرفته تا سپهر خرمی و مسعود شاه حسینی. گفتیم دوستان بیایید که کار داریم بسی سهل؛ به آسانی کندن پوست نارنگی. آنها هم آمدند، بی آنکه بدانند همراه من به چه بیابان بلایی قدم می گذارند. سخن کوتاه کنم، آنچه در دو ماه گذشته بر ما گذشت تا ببینم فلان کشور حاضر در جام جهانی کدام اسکناس را دارد، با کدام اسکناس می توان آن را روایت کرد و پشت و روی اسکناس هایش اشاره به چه چیزی دارد، دشمن نبیناد و دوست نشنود. همه اینها که تمام شد به ویراستار پرحوصله رسیدیم، یلدا شایسته تر که هر متن بارها و بارها عوض شد و از نو ویراستاری کرد. تا رسیدیم به گروه هنری و مدیریت صفحه آرایی که با علیرضا کیوان باحوصله بود که اگر جای علیرضا هر دیار دیگری بود، قطع به یقین امروز مشغول نوشتن این خطوط نبودم و خیلی پیش تر به دست جنون آتی کشته شده بودم. کار که به روح الله گیتی نژاد رسید و طراحی جلد نفس راحتی کشیدیم همگی.

شاید سؤال شود که همه این دو ماه بی خوابی، استرس و زحمت زیاد می ارزید؟ فارغ از ماست بندی و ترش و شیرین بلی می ارزید. چالش اصلی اما این نبود؛ چالش بزرگ تر از این زحمت، رنجی بود که برای این روزهای ایران مان متحمل می شویم. در کوران همه آن روزها دائماً از خود می پرسیدیم که اصلاً ویژه نامه جام جهانی منتشر کنیم؟ اصلاً به جام جهانی می رویم؟ اصلاً «چه می شود؟» آن هم برای اکوسیستم مدنظر، اکوسیستم فناوری های مالی که اصل و اساس کارشان یعنی اینترنت دچار مشکل شده است.

زبان ناطق روزگاران



محسن
آزموده

روزنامه نگار و
پژوهشگر تاریخ



اسکناس این روزها ارج و قرب سابق را ندارد. روزگار پست مدرن است و همه چیز مجازی و اینترنتی و الکترونیکی شده. دیگر کسی پول کاغذی را دوست ندارد؛ جز قدیمی ها که بلد نیستند با اپلیکیشن اینترنتی و خودپردازها و «پوز» ها کار کنند. گذشت زمانی که آدم پولدار کسی بود که جیبش از اسکناس های درشت باد کرده بود و نماد ثروتمندی، کیف سامسونی پر از دسته های اسکناس تلقی می شد؛ روزگاری که پول شمردن یکی از مهارت های کسانی بود که زیاد با پول سروکار داشتند و آنها که نمی توانستند یک دسته صدتایی هزاری را تند و سریع و دقیق بشمارند، دست و پا چلفتی تلقی می شدند. حالا اسکناس داشتن و اسکناس ردوبدل کردن، به ویژه در جامعه ما که پولش روز به روز ارزشی نزولی می یابد، چندان افتخار تلقی نمی شود. حتی نانوائی ها و تاکسی ها که مبالغ دریافتی شان نسبت به دیگران کمتر است، ترجیح می دهند اسکناس نگیرند و ندهند. می گویند اسکناس کثیف و آلوده است، هزاران بار دست به دست شده و معلوم نیست از چاپخانه بانک مرکزی، تا جیب ما چه مسیری را طی کرده است. خلاصه کاربرد روزمره اسکناس در حال منسوخ شدن است و دیگر کسی به این تکه کاغذهای پرنقش و نگار علاقه ای ندارد.

اسکناس در روزهای اولی هم که داشت جای سکه را می گرفت، وضعیت بی ثبات کنونی را داشت. مردمی که برای اولین بار با این اوراق بهادار مواجه شدند، با خودشان فکر کردند، سکه نقره یا طلا یا حتی برنج، فی نفسه ارزشمند است، اما چرا باید به ارزندگی این تکه کاغذها اعتماد کرد؟! اما با توسعه علمی و صنعتی، گسترش ارتباطات تجاری، پیشرفت سرمایه داری و افزایش بی سابقه مبادلات مالی و اقتصادی دیگر نمی شد مثل قدیم سکه ضرب کرد و سکه ردوبدل کرد. خیلی زود، دولت-ملت های مدرن، به عنوان مهم ترین بازیگران عرصه سیاست نظارت خود را بر عرصه اقتصادی با انحصاری کردن چاپ و انتشار اسکناس های معتبر در قلمروهای سیاسی اعمال کردند. در نتیجه اسکناس جایگزین سکه شد و سکه های رایج، به عنوان پول خرد، تنها در مبادلات بسیار کوچک دست به دست شدند. اما آیا سکه ها، به ویژه سکه های قدیمی به طور کلی بی ارزش شدند؟ قطعاً خیر. بسیاری از آنها، مخصوصاً آنها که دیگر ضرب نمی شدند، غیر از ارزش مادی شان به دلیل فلز به کار رفته در ساخت شان، ارزش کلکسیونی پیدا کردند. برخی نیز به موزه ها راه یافتند و همزمان تخصص یا مهارتی پدید آمد تحت عنوان سکه شناسی که به مطالعه انواع و اقسام سکه ها و ویژگی های آنها می پرداخت.

سکه شناسی بیش از هر چیز ذیل باستان شناسی تعریف شده و در ابتدا برای شناخت دوره های تاریخی بسیار قدیمی کاربرد داشت. یک علت اهمیت سکه برای دوره های مذکور،

فقدان منابع مکتوب تاریخی از آن روزگاران است. اما در دهه های اخیر، با اهمیت یافتن منابع مادی و غیر مکتوب، سکه شناسی در تحقیقات تاریخی مربوط به دوره های جدیدتر هم اهمیت یافت. اسکناس در مقایسه با سکه بارها اطلاعات بیشتری در اختیار مورخ می گذارد. جزئیات و ریزه کاری های آن به مراتب بیشتر است و دسترسی ما به آنها فراوان تر. رواج اسکناس در مبادلات مالی و اقتصادی جهان جدید از اواخر سده هجدهم و اوایل قرن نوزدهم آغاز شد، اگرچه پیش از آن نیز در برخی تمدن ها همچون چین و ایران، نمونه هایی مشابه پول کاغذی کاربرد داشته است. این فاصله زمانی نزدیک موجب می شود که اکثر اسکناس های کشورهای مختلف در دو سده اخیر، در دسترس باشند و بتوان آنها را بازبینی کرد، ضمن آنکه ما به خوبی در مورد شرایط چاپ و نشر این اسکناس ها، پدید آورندگان آنها و ارزش اقتصادی و سایر مسائل شان آگاهی داریم. برای نمونه نخستین اسکناس ها در ایران در عصر ناصرالدین شاه قاجار توسط بانک شاهنشاهی چاپ شد. بانک شاهنشاهی که امتیاز تأسیس آن توسط «بارون روتر» انگلیسی از ناصرالدین شاه اخذ شد، اولین بانک مدرن در ایران بود. با یک جست و جوی ساده اینترنتی می توان بیشتر این اسکناس ها را در فضای مجازی دید و سیر تحولی آنها را بررسی کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، ممکن است سؤال شود اگر همه چیز را در مورد دوران خلق اسکناس های جدید می دانیم، دیگر چه فایده ای دارد که آنها را بررسی کنیم؟ واقعیت این است که بر خلاف دوره های قدیم، در روزگار جدید، مخصوصاً بعد از اختراع ماشین چاپ، ما در اغلب کشورهای متمدن و پیشرفته، در بررسی های تاریخی با کمبود منابع مواجه نیستیم، بلکه کثر منابع را سراغ داریم، هم منابع مکتوب مثل کتاب های تاریخی دست اول و اسناد مالی و اداری و آثار ادبی و علمی و مکتوبات و نامه نگاری ها و... هم منابع غیر مکتوب مثل سکه ها و اسکناس ها و ابنیه تاریخی و دستاوردهای فناوری و اختراعات و... در این وضعیت، تاریخ نگار ناگزیر است روایت خود را بر مجموعه کثیری از داده ها و اسناد استوار کند و صرفاً به روایت های رسمی و مشهورات تاریخی بسنده نکند. برای این کار اسکناس ها یکی از بهترین و گویاترین اسناد تاریخی هستند. اسکناس صرفاً اطلاعات اقتصادی و ارزش پولی یک دوره تاریخی را بیان نمی کند، بسیاری اطلاعات ارزشمند دیگر را هم در خود دارد، مثل آگاهی های سیاسی درباره دولتی که حق انحصار چاپ اسکناس را داشته و مهم تر از آن ایدئولوژی و عقاید سیاسی و ترجیحات فکری آن دولت. به عبارت دقیق تر، یک اسکناس، نمادی کوچک و گویا از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی یک جامعه است. با نگاه به آن می توانیم نوع نگاه زیبایی شناختی مردمان آن عصر را دریابیم. اسکناس ها در کنار سایر منابع تاریخی، تصویری دقیق تر و درست تر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور و نسبت دولت و جامعه در آن را به ما نشان می دهند. جنس و فناوری به کار رفته در آنها و میزان ظرافت و جزئیات شان، سطح پیشرفتگی و توسعه اقتصادی و علمی در یک جامعه را آشکار می سازد.

امروز شاید دیگر کسی به اسکناس ۲۰۰ ریالی دهه ۶۰ به لحاظ اقتصادی هیچ وقعی نگذارد. همان که روی آن تصویر مسجد جامع یزد و پشتش تصویری از جهادگران سازندگی نقش شده است. واقعیت این است که این اسکناس هنوز برای کلکسیونرها و موزه داران نیز جذابیتی ندارد، اما همین یک برگه کوچک ناچیز، برای یک مورخ، گویای تاریخ پرفراز و نشیب سیاسی و اجتماعی جامعه ای است که انقلاب سیاسی تمام عیار را پشت سر گذاشته و در جنگ به سر می برد. رمزگشایی از تک تک عناصر نوشتاری و بصری این برگه کوچک، برای یک متخصص تاریخ، روایت دهه ای پرافت و خیز است؛ روزگاری که همبستگی اجتماعی بسیار زیاد بود، گفتمان مذهبی شیعی باقراستی سیاسی و ایدئولوژیک بر کشور حکم فرمایی می کرد، کشور درگیر جنگ بود، مردم به فکر سازندگی و خودکفایی و استقلال بودند و فکر برابری و برادری به سادگی تحقق پذیر می نمود. ارزش اقتصادی این اسکناس در دهه بعد، تا حدی افت کرد که دیگر کسی به عناصر شعاری بصری روی آن توجهی نکرد و حالا هم که کاملاً از چرخه اقتصادی حذف شده است. آیا این بدان معناست که شعارها و باورها هم تمام شده؟

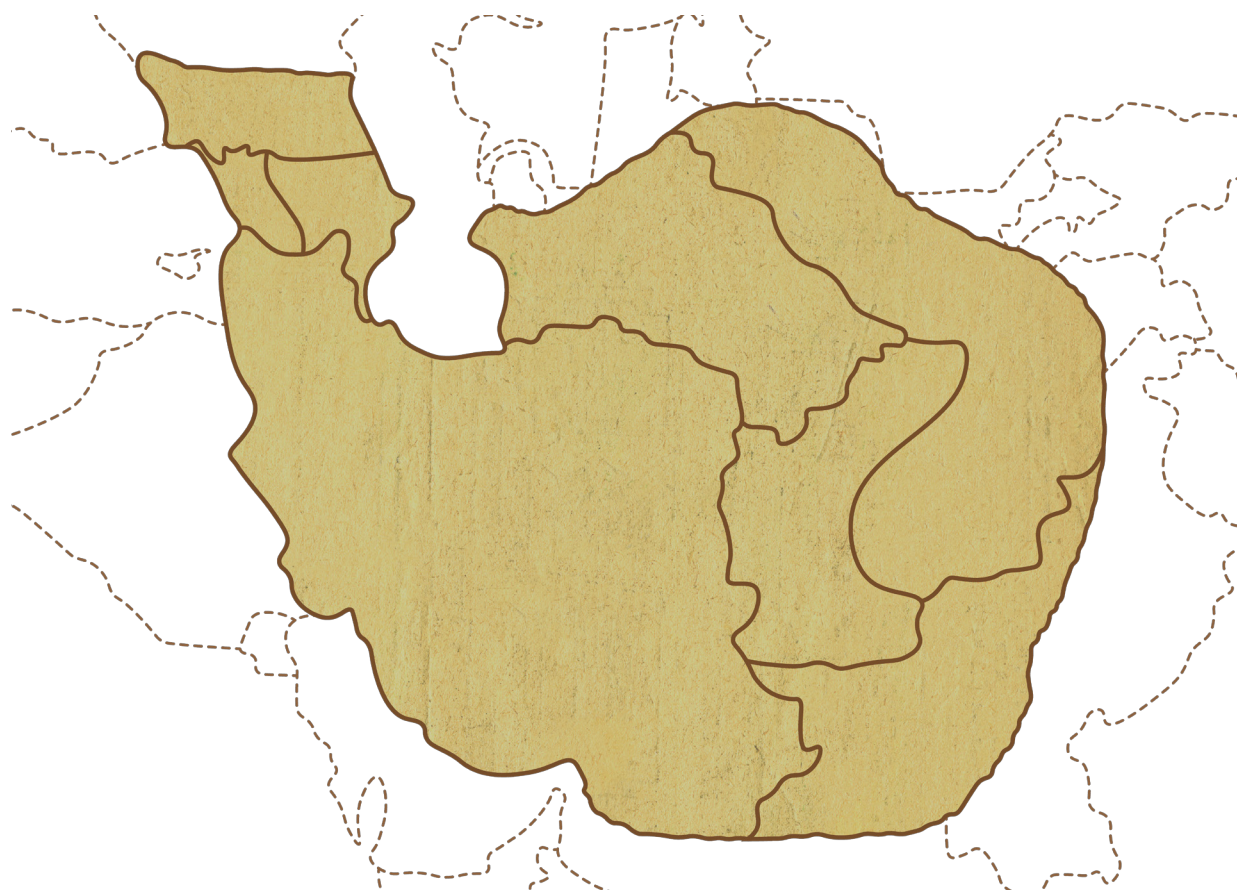


معاصران به روایت اسکناس



اسکناس بیش از ۱۵۰ سال است که در جیب و کیف ایرانیان جا خوش کرده و برای دادوستدهای اقتصادی دست به دست می شود؛ تکه کاغذی پر نقش و نگار و در مقایسه با سایر برگه ها و کاغذها؛ عجیب و غریب! با هر تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، شکل و شمایل این اوراق بهادار تغییر می کند، اما کمتر کسی به این تحولات توجه می کند و می کوشد رمز و راز آنها را دریابد. اسکناس تنها کاغذی معتبر برای مبادله اقتصادی و نشانه ثروت و دارایی نیست، بلکه در شکل و هیئت فیزیکی آن هزار نکته نهفته است و با دقت در آن می توان به فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یک دوره راه یافت. در نوشته های پیش رو با همین هدف کوشیدیم از رهگذر تماشای اسکناس های ایرانی به بازخوانی ادوار گوناگون تاریخ سیاسی معاصر این مرز و بوم بپردازیم.

ایران
معاصر



قاجاریه به روایت اسکناس

دولت مقتدر در غیاب مردم



۲۶

قاجارها بدنام هستند. نام‌شان که بر زبان‌ها جاری می‌شود، معمولاً صفات مذمومی چون ناکارآمدی، فساد، بی‌مبالائی، تنبلی، زورگویی بی‌حساب و کتاب، دزدی، دغل‌کاری، چاپلوسی، تملق، خیانت‌پیشگی، وطن‌فروشی و... به ذهن متبادر می‌شود. همه از شهوت‌رانی و بی‌لیاقتی و تن‌پروری شاهان قاجار قصه‌ها شنیده‌اند. علت اصلی روشن است. تاریخ‌نگاری مدرن ایران در دوران حکومتی شکل گرفت که از مرده‌ریگ قجرها سر برآورده بود و خود را در تقابل و تعارض با آنها تعریف می‌کرد. پهلوی و مورخان‌ش باید هم قاجارها را می‌کوفتند و کوچک و حقیر بازنمایی می‌کردند. تأثیر این تاریخ‌نگاری سوگیرانه تا به امروز هم باقی مانده، به خصوص که نظام سیاسی بعدی، اصولاً دچار ضعف شدید تاریخ‌نگاری است و روایت‌هایش از گذشته از سوی جامعه چندان جدی گرفته نمی‌شود؛ بگذریم که در تصویرپردازی از قاجار شدیداً تحت تأثیر کلیشه‌های تاریخ‌نگاری پهلوی است.



روایت‌های کُزتاب

هر گونه مخالفتی، نمی‌دانند یا یادشان می‌رود که همین سردار باهوش و زیرک، ایران تکه پاره شده را از وضعیت آشفته‌ای که در قرن پر آشوب هجدهم داشت، نجات داد، کشور را متحد کرد، نظم و امنیت را - تا سرحد امکان آن روزها - در همه جا برقرار کرد و هوشمندانه تهران را به عنوان پایتخت برگزید.

در همین روایت‌های کُزتاب و سوگیرانه، وقتی به

پهلوی‌ها در یادآوری نام آقامحمدخان قاجار، بنیان‌گذار قجرها، معمولاً اصرار داشتند که بر نقص جسمانی او تأکید شود. هنوز هم همه اصرار دارند که حتماً «آقا» را «آغا» بنویسند، به نشانه تحقیر و تصغیر. هم‌زمان در سفاک بودن و خشونت بی‌حد و حصر او در آغاز کار تأکید می‌ورزند، انگار همه سلسله‌های دیگر با سلام و صلوات به قدرت رسیده‌اند. فراموش می‌کنند که برجسته‌نمایی خشونت، گذشته از آنکه یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی است، روشی برای ارباب و وحشت‌افکنی هم هست؛ سیاستی برای بر سر جای نشاندن

فتحعلی شاه می‌رسند، اولین مطلبی که می‌گویند، زنان بسیار و حرمسراهای اوست و از شکست‌های ناگزیر ایران در برابر روس‌ها به عنوان نشانه‌ای بر بی‌لیاقتی دولت مرکزی یاد می‌کنند، انگارانه‌نگار که فتحعلی شاه در بسیاری از جنگ‌ها رأساً حضور داشته و اصولاً این میل جامعه و به خصوص مذهبیون بوده که بر تنور جنگ می‌دمیده است. در طول سی و اندی سال حکومت او، اساس و پایه دولتی باثبات در منطقه مضطرب و ویران خاورمیانه ریخته شد. ترکمانچای و گلستان، قراردادهای ننگینی بودند، اما باید دید در چه شرایطی به امضا رسیدند و اگر به توافق نمی‌رسیدند و خام‌دستانه و بدون توجه به امکانات، بر سیاست جنگ با قدرتی جوان، مهاجم و زیاده‌خواه چون روسیه پافشاری می‌کردند، چه فجایعی رخ می‌داد. آنها نادیده می‌گیرند که غیر از نهاد دربار و روحانیت، اساس بسیاری از نهادهای دیگر در ایران نوین در دوره فتحعلی شاه پایه‌گذاری شد.

◀ بانک شاهنشاهی و انحصار پول

این قصه‌پردازی‌ها از ناصرالدین شاه و نیم‌قرن حکومت پرفراز و نشیبش به سادگی می‌گذرند و قتل او توسط میرزا رضای کرمانی را نتیجه قتل امیرکبیر می‌دانند. آنها به تلاش‌های مداوم و با افت و خیز اصلاحات در این نیم‌سده توجهی نمی‌کنند و تعدد آفراموش می‌کنند که بنیاد تجدد و مشروطه ایرانی، در روزگار ناصری پی‌ریزی شد. اسکناس‌های دوره ناصری نمادی از این تجدد است. با تأسیس بانک شاهنشاهی با موافقت ناصرالدین شاه توسط رویتر انگلیسی، نخستین اسکناس‌هایی که به نمونه امروزی شباهت داشت، در سال ۱۲۶۹ شمسی در خارج از کشور چاپ و در ایران منتشر شد. نفس تأسیس بانک و استقرار نظام‌های سامان‌یافته پولی اهمیت بسیاری داشت. تاپیش از آن، در دادوستدها معمولاً سکه مبادله می‌شد و صراف‌های پراکنده، کار نقل و انتقال امور مالی و اعتبارات را بر عهده داشتند. برخی تجار تخانه‌های معتبر سندی امضا شده و معتبر به نام بیجک را به کار می‌بردند و شماری از بازرگانان از اسکناس‌های خارجی مثل اسکناس‌های روسی و عثمانی در شمال و اسکناس‌های هندی در جنوب کشور استفاده می‌کردند.

با تأسیس بانک شاهنشاهی، نه فقط چاپ اسکناس به عنوان پول رسمی کشور انحصاری شد، بلکه بانکداری جدید ایران نیز تأسیس شد. البته استفاده از اسکناس در بدو امر با مقاومت روبه‌رو بود و حتی در سال‌های آغازین جنگ جهانی، یعنی ربع قرن بعد از چاپ اسکناس‌های جدید، بسیاری تمایل داشتند اسکناس‌های خود را با سکه‌های نقره معاوضه کنند، زیرا اسکناس را کاغذی بی اعتبار و بدون پشتوانه تلقی می‌کردند. اما با وجود همه مخالفت‌هایی که معمولاً با مظاهر جدید صورت می‌گیرد، به تدریج اسکناس چند تومانی، به عنوان پول کاغذی دارای ارزش و اعتبار به رسمیت شناخته شد و در مبادلات اقتصادی به کار می‌رفت. این اسکناس‌ها، به عنوان وجه رایج مملکت، دقیقاً همان کارکردی را داشته و دارند که سکه‌ها در

دوره‌های پیش از آن؛ یعنی نشانه و سندی آشکار برای تحقق مفهوم دولت به معنای دقیق وبری آن، یا نهادی مدعی اعمال زور مشروع در قلمرو معین. همان‌طور که در گذشته سکه‌ها و طرح و نقشه‌ها و نوشته‌های پشت و روی آنها، نشان‌دهنده حضور یک قدرت سیاسی رسمی و انحصاری در قلمرو مشخص بود، حالا شکل و چهره اسکناس در کنار کارکرد رایج و روزمره همان کارایی را دارد.

◀ اسکناس‌ها و غیاب مردم

روی این اسکناس‌ها، به خط ثلث و به تقلید از خط رسمی امپراتوری عثمانی، در بالا با قلم مشکی نوشته شده بانک شاهنشاهی ایران و زیر آن به همین خط، اما درشت‌تر، مبلغ پول به حروف درج شده، مثلاً یک تومان، دو تومان، سه تومان یا... تا هزار تومان. البته روی این قلم مشکی ارزش اسکناس، به رنگی دیگر و با اعداد هم نوشته شده، همچنان که در چهار طرف پشت و روی اسکناس، ارزش آن به صورت عددی درج شده است. بالای اسکناس، کلمه «طهران» نوشته شده و در پشت آن که به زبان انگلیسی است، آمده: «PAYABLE AT TEHRAN ONLY». احتمالاً نشانه آنکه دادوستد اسکناس تنها در پایتخت صورت می‌گیرد و هنوز در سایر نقاط کشور رواج نیافته است. این امر از سویی شاهی بر مقاومت جامعه در برابر دولت است و از سوی دیگر توان محدود و اندک دولت برای متقاعد و مجبور کردن جامعه در خارج از مرزهای پایتخت را نشان می‌دهد.

اما جالب توجه‌ترین بخش اسکناس‌های قجری، تصاویر روی آن است. سمت راست روی این اسکناس‌ها، در قابی بیضی، محصور در نقش‌های ایرانی-اسلامی، تصویر سهرخ ناصرالدین شاه، مقتدرترین شاه قاجار درج شده؛ در دوران اوج قدرتش، مصمم و جدی، با تاجی بر سر و سینه‌ای ستبر در لباس شاهنشاهی که با نگاهی نافذ و سیبیل‌های مرتب اما از بناگوش دررفته و روبه‌بالا، به افق می‌نگرد. سمت دیگر، به قرینه نشان شیر و خورشید به چشم می‌خورد؛ شیر نری ایستاده روی سه دست و پا و شمشیر به دست راست که به تماشای می‌نگرد و خورشیدی از پشت کمرش در حال طلوع است. این نشان که تلفیقی از سنت‌های کهن ایران، عرب، ترک و مغول است، در طول تاریخ مهم‌ترین نشان هویت ایرانی با انواع و اقسام فرهنگ‌ها و قومیت‌ها تلقی می‌شود و حضور آن بر اسکناس‌های قجری، نشان از هوشمندی طراحان دارد. کمی بالاتر از این نشان، تاج کیانی مصور شده که نشانه‌ای از تفوق و برتری شاه بر این هویت است. پشت اسکناس که به زبان انگلیسی است، تنها در وسط تصویر شیر و خورشید به چشم می‌خورد، البته همچنان تحت کنف تاج شاهنشاهی!

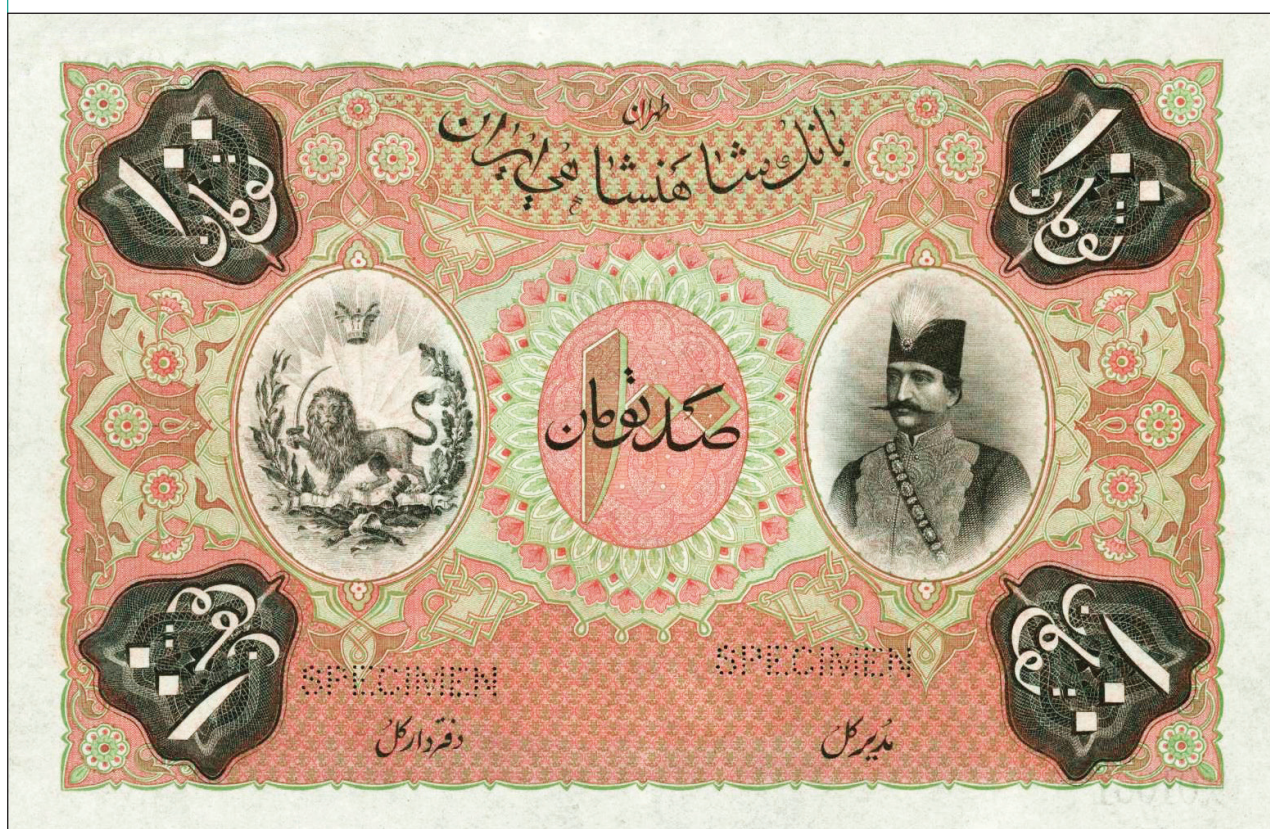
اسکناس‌های شرح داده‌شده، با تفاوت‌هایی تا سال‌های آغازین حکومت پهلوی اول، وجه رایج مملکت بودند؛ اوراق بهاداری که نشان حضور یک دولت مرکزی مقتدر و روبه‌جلو را داشتند. در آنها نشانگانی از مردم و ملت نبود، فقط اسم بانک «شاهنشاهی» بود؛ بر خلاف دوره پهلوی که این بانک ملی بود که اسکناس چاپ می‌کرد. مردم کماکان رعیت بودند و هنوز جنبش مشروطه و تلاش برای شهروند شدن اتباع دولت، به ثمر ننشسته بود. در اسکناس‌های قجری، نشانه و نمادی از دین و دیانت هم به چشم نمی‌خورد، جز همان طرح‌های ایرانی-اسلامی زمینه؛ یعنی حکومتی سکولار بر مردمان حکمرانی می‌کند. البته تاج کیانی بر فراز شیر و خورشید، یعنی شاهنشاهی مقدر است و از سوی خداوند بر شاه عرضه شده است.

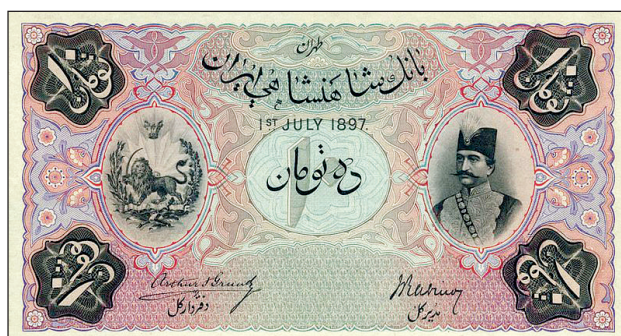
◀ شاه شهید نوستالژیک

قاجاریه به گواه همین اسکناس‌ها، یک دولت اقتدارگرای مسلط بود که می‌خواست زمینه‌های نوجویی و نوخواهی را، ولو در سطح دیوانسالاری و اداره کشور ایجاد کند. همین هم شد، بعد از ناصرالدین شاه و با به قدرت رسیدن شاهی نسبتاً ضعیف و بیمار همچون مظفرالدین شاه، جنبش مشروطه‌خواهی در ایران پیروز شد و حتی محمدعلی شاه مستبد و خشن هم نتوانست از پیشروی زمان جلوگیری کند. سال‌ها بعد از مرگ ناصرالدین شاه، همچنان مردم به یاد روزگار خوش ثبات «شاه شهید» قصه‌سرایی می‌کردند. این یادآوری نیک از گذشته، اگرچه خصلت عمومی آدمیزاد نوستالژیک است، اما از یک واقعیت هم پرده برمی‌دارد؛ نه در میان مورخان که دست‌کم بین مردم، ناصرالدین شاه، حاکمی عادل (عدالت در مفهوم سنتی یعنی حافظ نظم [ولو استبدادی] موجود) بود. بی‌دلیل نبود که در پی آشوب پس از مشروطه، بار دیگر همه به دنبال شاهی قدرقدرت چون او می‌گشتند و تا سال‌ها پس از برقراری نظم نو، همچنان اسکناس‌هایی منقش به تصویر او در جیب مردمان بود



۲۸







عصر پهلوی به روایت اسکناس هایش

مدرنیزاسیون بدون مدرنیته



عمده‌ترین تحول ایران در بیش از نیم قرن حکومت پهلوی، گذار از جامعه‌ای روستایی-ایلیاتی به جامعه‌ای شهری است. این تغییر کوچکی نیست و خود در حد یک انقلاب تمام عیار اجتماعی و اقتصادی قابل توجه است. بی دلیل نیست که این جراحی اقتصادی نسبتاً سریع با یک انقلاب سیاسی به پایان رسید. بذرهایی که در دوران قاجار در خاک ایران کاشته شد، به مدد نفت آبیاری شد و در نیمه نخست قرن چهاردهم خورشیدی به ثمر رسید. اما ذهنیت دولت (State) به عنوان نهاد نهادها تغییر چندانی نکرد. این عدم تغییر به مدد انقلابی بود که ۲۰ سال پیش از به قدرت رسیدن پهلوی، در ابتدای سده بیستم، بنیادهای سلطنت مطلقه یا به تعبیر دقیق تر استبداد ایرانی را سخت لرزاند و در نوع خود در منطقه، پیشتاز و پیشرو شد؛ انقلاب مشروطه.



◀ دوران عقب افتادگی

عقب افتادگی نظام سیاسی را به خوبی می توان در تصویر اسکناس های عصر پهلوی باز نمود. دولت پهلوی در سال ۱۳۰۴ تأسیس شد، اما تا سال ۱۳۱۱ همچنان اسکناس های قجری با تصویر ناصرالدین شاه و نشان شیر و خورشید منتشر می شد. سال ۱۳۰۷ بانک ملی تأسیس شد و حق انحصاری انتشار اسکناس را به خود اختصاص داد. در بهار ۱۳۱۱ خورشیدی، نخستین اسکناس های چاپ این بانک با

تصویر رضاشاه منتشر شد. بدین ترتیب برای نخستین بار یک بانک ایرانی عهده دار چاپ و نشر اسکناس شد، بر خلاف بانک پیشین یعنی شاهنشاهی که بریتانیایی ها تأسیس کرده بودند. اسکناس های دوره پهلوی را -با وجود تفاوت ها و

تنوع‌ها- می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد؛ دسته اول اسکناس‌های دوره رضاشاه است که تا سال ۱۳۲۳، یعنی سه سال بعد از سقوط او و بر سر کار آمدن پسرش محمدرضا پهلوی منتشر می‌شد و بر اساس شکل به تصویر کشیدن شاه، کلاه‌دار یا بی‌کلاه‌بودن او و اندازه این کلاه به چند زیردسته تقسیم می‌شود.

دسته دوم اسکناس‌های دوره محمدرضا شاه است که خود به دو دوره کلی تقسیم می‌شود؛ از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۴۰ که بانک ملی عهده‌دار انتشار اسکناس بود و از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ که با تأسیس بانک مرکزی، انحصار چاپ و نشر اسکناس به این نهاد محول شد. در تمام این ۳۴ سال، تفاوت عمده و اساسی در شکل و چهره اسکناس‌ها رخ نداد، تنها چهره محمدرضا شاه، به تناسب سن و سال او تغییر کرد.

◀ ناسیونالیسم باستان‌گرا

اولین ویژگی متمایزکننده اسکناس‌های دوره پهلوی با اسکناس‌های قجری بانک شاهنشاهی، تغییر واحد پول از تومان و قران به ریال در سال ۱۳۰۸ بود که روی اسکناس‌ها هم بازتاب یافت. کلمه «ریال» از Real پرتغالی و Royal انگلیسی به معنای «شاهی» یا «شاهوار» یا «سلطنتی» گرفته شده است. دومین ویژگی بصری، تغییر خط نوشتاری از ثلث به نستعلیق بود. سومین ویژگی تمایزبخش، شکل و چهره شاه بود. در اسکناس‌های دوره پهلوی، هم در دوره پدر و هم در دوره پسر، شاه چهره‌ای اساطیری و متمایز، با لباسی متفاوت نیست؛ اگرچه چهره‌ای باصلابت دارد، به‌ویژه در اسکناس‌های دوره اول رضاشاه، موسوم به «کلاه‌کوچک» که در آنها عکس تمام‌رخ رضاشاه پهلوی خیره به دوربین نقش شده، با هیبتی مقتدر که وجه مشخصه او در تمام روایت‌هایی است که بر جای مانده است. این نکته نیز گفتنی است که رضاشاه همواره در دوران سلطنتش لباس نظامی به تن داشت.

اما از اینها مهم‌تر بازتاب یافتن ایدئولوژی ملی‌گرایی باستان‌گرای پهلوی‌ها روی اسکناس‌هاست. نشان مشهور شیر و خورشید، در بسیاری از اسکناس‌های دوره پهلوی دیده می‌شود. البته هرچه به انتهای این دوره نزدیک می‌شویم، میزان کاربرد آن کمتر و کمتر می‌شود و تنوع بیشتری در طرح‌ها و عکس‌های ملی‌گرایانه روی اسکناس‌ها دیده می‌شود. ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی دوران پهلوی، به‌عنوان ضرورتی برای تشکیل و تکوین دولت-ملت مدرن ایرانی، در تداوم ایدئولوژی باستان‌گرای میانه‌قاجار، به برجسته‌سازی تاریخ و فرهنگ ایران پیش از ورود اسلام می‌پرداخت و می‌کوشید سلطنت پهلوی را احیاکننده شاهنشاهی‌های هخامنشی و ساسانی معرفی کند.

در این ایدئولوژی توجه چندانی به ایران دوره اسلامی نمی‌شد؛ البته اگر نگوئیم تعمداً نادیده گرفته می‌شد یا تحقیر می‌شد. در برخی خوانش‌های

تندروانه نیز اصولاً مشکل انحطاط ایران به حمله اعراب نسبت داده می‌شد. این ناسیونالیسم باستان‌گرا، به‌وضوح در اسکناس‌های دوره پهلوی بازتاب یافته است. در نخستین اسکناس‌های عصر رضاشاه پهلوی، در کنار عکس کلاه‌دار او، برخی نمادهای ملی‌گرایانه مثل تصویر کوه دماوند (در اسکناس ۵۰۰ ریالی)، چهل‌ستون اصفهان (در اسکناس ۵۰ ریالی) و تخت جمشید (در اسکناس ۱۰۰ ریالی) به چشم می‌خورد. پشت همه این اسکناس‌ها به شیر و خورشید با تاج کیانی بر فراز آن منقش است.

در اسکناس‌های سری‌های بعد، این وجه ایدئولوژیک پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال در اسکناس ۱۰۰ ریالی در کنار تصویر سه‌رخ رضاشاه، یکی از دیوارنگاره‌های تخت جمشید که نبرد شهریار با شیر را به تصویر می‌کشد، دیده می‌شود. پشت این اسکناس، نماد مشهور فروهر به چشم می‌خورد.

اسکناس‌هایی که در نیمه دوم حکومت رضاشاه پهلوی چاپ شده، علاوه بر تصاویر ملی‌گرایانه مذکور همچون پاسارگاد (اسکناس ۵۰۰ ریالی)، بعضاً اقدامات عمرانی رضاشاه را نیز به تصویر کشیده‌اند، مثل کشتی سلطنتی در اسکناس ۱۰۰ ریالی و تصویر راه‌آهن سوادکوه، در اسکناس ۲۰ ریالی و بنای بانک ملی در اسکناس ۱۰۰ ریالی. اسکناس ۵۰ ریالی از سری هشتم اسکناس‌های عصر پهلوی اول که با تصویر بدون کلاه رضاشاه به چاپ رسیده، نمادی کامل از ایدئولوژی حکومت پهلوی اول را به نمایش می‌گذارد.

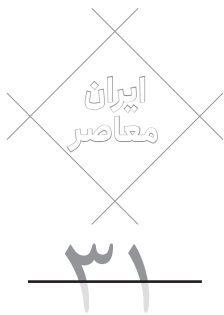
تصویر شاهی مقتدر در کمال پختگی که هیچ‌گاه لباس نظامی را از تن به در نمی‌آورد، در برابرش نماد فروهر و در چشم‌اندازش کوه دماوند. پشت اسکناس هم نمایی از ویرانه‌های تخت جمشید به چشم می‌خورد. در بخش پایینی روی این اسکناس این جملات تحکم‌آمیز به چشم می‌خورد که نشانه بارزی از قدرت مطلقه و استبدادآمیز پهلوی اول، به‌ویژه در سال‌های پایانی حکومتش است: «هر کس اسکناس بانک ملی ایران را جعل کند یا با علم به جعل و تزویر استعمال یا داخل مملکت نماید، طبق ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی به حبس با اعمال شاقه تا پانزده سال محکوم خواهد شد!» یعنی دولت با هیچ‌کس شوخی ندارد و تمایل دارد زور عربان خودش را به‌صورت روزمره به ایشان نمایش دهد.

در اسکناس‌های دوره پختگی و اقتدار محمدرضا پهلوی، این عبارات تهدیدآمیز حذف شد، اما نمادهای باستان‌گرایانه مثل طاق بستان و اژدهای بالدار (۱۰ ریالی)، سنگ‌نگاره شیر گاووشکن (۲۰ ریالی) و سنگ‌نگاره پیشکش آوران (۵۰ ریالی) از آثار تخت جمشید، کاخ داریوش کبیر در تخت جمشید (۱۰۰ ریالی) همچنان به چشم می‌خورند.

با پیشروی مدرنیزاسیون پهلوی دوم، به‌تدریج تصاویری از اقدامات عمرانی و ساخت‌وسازها به روی اسکناس‌ها و در کنار تصویر شاه راه می‌یابند، مثل پالایشگاه آبادان (۱۰۰ ریالی)، تونل کوهرنگ و سد آن (۵۰ ریالی)، سد کرج (۱۰ ریالی)، فرودگاه مهرآباد (۲۰۰ ریالی)، اصول انقلاب سفید و اصلاحات ارضی (۵۰ ریالی)، میدان شهید (۲۰۰ ریالی) و....

◀ نوسازی آمرانه

با مروری بر تصاویر مجموعه اسکناس‌های مذکور، غیاب مردم و جامعه به‌وضوح در آنها به چشم می‌خورد. همین غیبت وجه عقب‌افتاده حاکمیت پهلوی است؛ به‌ویژه در قیاس با تحول عظیمی چون انقلاب مشروطیت که پیش از بر سر کار آمدن پهلوی به وقوع پیوسته بود. در اسکناس‌های پهلوی‌ها؛ ملت، جامعه، مردم، ساکنان سرزمین و هر آنچه نشانی غیر از شاه و افکارش باشد، حضور ندارند. یک بار هم که در سال ۱۳۵۰ در دو اسکناس یادبودی ۵۰ و ۱۰۰ ریالی مردم به اسکناس‌ها راه می‌یابند، هدف نشان دادن اقدامات «گهربار» و «ارزشمند» دولت یعنی اصلاحات ارضی و اعزام سپاه دانش و سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی است. این ویژگی سرشت نوسازی آمرانه یا از بالای پهلوی را عیان می‌سازد؛ مدرنیزاسیونی بدون مدرنیته یا چنان که برخی محققان گفته‌اند، تجدد آمرانه. اسکناس‌های پهلوی می‌کوشند با ناسیونالیسمی باستان‌گرا و مردسالارانه، ایدئولوژی شاهنشاهی تاریخی را موجه و مشروع جلوه دهند، حال آنکه جامعه همسو با جهان متجدد، سال‌ها از آن عبور کرده بود. این ناهمسازی و تضاد میان دولت و ملت، خود را در انقلاب ۱۳۵۷ نشان داد





۳۲





نگاهی به ایران پسا انقلاب به واسطه اسکناس ها

از اسلام ایرانی تا ایران اسلامی



انقلاب ۱۳۵۷، یک قیام مردمی بود. البته این روزها و به واسطه آنچه پس از آن اتفاق افتاده، بسیاری از قدیمی ترها، تلاش دارند نقش خود را در آن انکار کنند یا پیروزی آن را به عوامل بیرونی مثل قدرت های جهانی منتسب کنند؛ یک راه خوب برای فرار کردن از زیر بار مسئولیت. اما تقریباً همه روایت های رسمی و دانشگاهی و محققانه، حاکی از آن است که این انقلاب همچون سایر جنبش ها و خیزش های چند سده اخیر در ایران، تقریباً خیزش یا قیام همه اقشار و گروه های اجتماعی علیه دولت بود. با سهم هر یک از گروه ها و میزان اثرگذاری شان کاری نداریم و قرار نیست وزن کشی کنیم. در ماه های آخر سال ۱۳۵۷ یک نوع ائتلاف بین همه گروه ها و اقشار اجتماعی برقرار شد و همه مردم علیه دولت ایستادند و آن را ساقط کردند، اگرچه این ائتلاف مثل موارد پیشین، چنان که «جان فورن»، پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی نشان می دهد، شکننده بود و بعد از اسقاط نظم کهنه، اتحاد مذکور هم به سرعت چندپاره شد و از میان گروه های مؤثر، اسلام گرایان اصول گرا به رهبری امام خمینی^(۵) و روحانیان تقریباً جوان پیرو او، با اتکا به انبوه توده ها توانستند باقی جریان ها را تحت حاکمیت خویش در آورند و به آن مهر انقلاب اسلامی بزنند. این روند را به خوبی در اسکناس های منتشر شده در سال های نخست انقلاب می توان مشاهده کرد.



◀ دوران سوشارژی

لازم برای پرداختن به ریزه کاری ها و جزئیات وجود ندارد، از سویی حکومت انقلابی باید به همگان نشان بدهد که نظم پیشین فروریخته و اسکناس های مستعمل در دستان مردم (منقش به تصویر شاه)، هرچه زودتر باید جمع شوند. در چنین وضعیتی بهترین کار استفاده از

نخستین سری اسکناس های بعد از انقلاب، سوشارژی هستند، یعنی همان اسکناس های قبلی هستند، با مهری روی آنها. روشن است که در شرایط پرتنش انقلابی بین سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰، هنوز تنش میان گروه ها و جریان های سیاسی بالاست، اوضاع کشور تا حدودی آشفته است، انقلابیون در امر سیاستمداری و دیوان سالاری بی تجربه اند و ثبات



سوشارژ اسکناس‌های پیشین است، با مهرهایی که روی آنها نام نظام جدید، یعنی «جمهوری اسلامی» حک شده است. نکته جالب توجهی که باز نشانگر وضعیت انقلابی است، اشتباهاتی است که در سوشارژ و مهرزدن رخ می‌داد، به گونه‌ای که در مواردی، مهر دقیقاً روی عکس شاه سابق نمی‌نشست یا آن را نمی‌پوشاند یا کمرنگ‌تر از آن بود و باعث می‌شد چهره زمامدار پیشین مشهود باشد و اسکناس مذکور را برای کلکسیونرها یکه و ارزشمند سازد.

◀ اسکناس‌های انقلابی دهه ۶۰

با تثبیت نظام جمهوری اسلامی و کنار رفتن سایر گروه‌ها و مدعیان، نظام جدید فرصت یافت که اسکناس‌های جدید با نگاه و رویکرد خود را چاپ و منتشر کند. بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ اسکناس‌های موسوم به بارگاهی منتشر شدند که روی آنها تصویری از بارگاه امام رضا^(ع) در مشهد، جایگزین تصویر محمدرضا شاه پهلوی شد؛ پیامی روشن بر تفوق و برتری اسلام شیعی یا چنان که «هائری کربن»، شیعه‌شناس فرانسوی می‌گفت، «اسلام ایرانی» در عرصه سیاسی و دولت که توان چاپ اسکناس دارد. پشت این اسکناس‌ها نیز همچنان برخی تصاویر قبلی شامل آرامگاه علمایی مثل ابن سینا (۲۰۰ ریالی) و حافظ (۱۰۰۰ ریالی) یا ابنیه‌ای چون مدرسه چهارباغ (۱۰۰ ریالی) به چشم می‌خورد.

همچنین در دهه ۶۰، سری اسکناس‌های انقلابی منتشر شد که به وضوح نشانگر عناصر ایدئولوژیک حاکمیت مسلمان انقلابی بود و گرایش خاص ایشان را در کنار جریان‌های سیاسی اسلامی معاصر نشان می‌داد؛ روی جلد یکی از این اسکناس‌ها (۱۰۰ ریالی) تصویر سید حسن مدرس، روحانی سیاسی شیعه و از مخالفان سرسخت رضاشاه پهلوی به چشم می‌خورد، در ۲۰۰ ریالی، مسجد جامع یزد دیده می‌شود، ۵۰۰ ریالی تصویری از نماز جماعت مسلمین انقلابی به امامت یک روحانی در نماز جمعه تهران واقع در دانشگاه تهران را نشان می‌داد، ۱۰۰۰ ریالی مدرسه سنتی و اسلامی فیضیه قم را به تصویر کشیده بود و ۲۰۰۰ ریالی، رزمندگان جنگ را نشان می‌دهد که مشغوف از

«آزادسازی خرمشهر» جلوی مسجد جامع مشهور این شهر به ردیف ایستاده‌اند و در حالی که عکسی از امام خمینی^(ع) را در دست گرفته‌اند، شعار سر می‌دهند.

روی ارزشمندترین (از نظر اقتصادی) اسکناس‌ها در این دوره یعنی ۵۰۰۰ ریالی و ۱۰۰۰۰ ریالی، تصویری از تظاهرکنندگانی پیش‌رونده به چشم می‌خورد که به وضوح روحانیون شیعی پیش‌تاز ایشان هستند و عکسی از امام خمینی^(ع) را بالای سر روی دست گرفته‌اند و پشت آن به ترتیب این شعارها روی پلاکاردها یا پارچه‌هایی در دستان تظاهرکنندگان دیده می‌شود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «ما همه سرباز توایم خمینی». نکته جالب در نقاشی تظاهرکنندگان حضور زنانی همگی چادری و محجبه است که در کنار یا پشت سر مردان حرکت می‌کنند.

تصاویر و نقش‌های پشت این اسکناس‌ها هم بسیار گویاست؛ ساختمان مجلس شورای اسلامی (۱۰۰ ریالی)، تلاش جهادگران سازندگی در حال ساخت راه یا عملیات عمرانی با بیل و تراکتور (۲۰۰ ریالی)، سردر دانشگاه تهران (۵۰۰ ریالی)، قبه الصخره در بیت المقدس (۱۰۰۰ ریالی)، کعبه (۲۰۰۰ ریالی)، بارگاه حضرت معصومه^(س) در قم (۵۰۰۰ ریالی) و بارگاه امام رضا^(ع) در مشهد (۱۰۰۰۰ ریالی). ایدئولوژی و رویکرد سیاسی و فکری منتشرکنندگان این اسکناس‌ها به وضوح مشهود و بی‌نیاز از توصیف و تشریح است. غیاب عنصری ملی و ایرانی به معنای باستان‌گرایانه، چنان که در اسکناس‌های دوره‌های پیشین دیدیم، از ویژگی‌های بارز این اسکناس‌هاست و برعکس عناصر مذهبی و جهان‌روایانه آشکار است. البته در همان عناصر اسلامی هم عمده‌تأ اسلام ایرانی یا شیعی مطابق خوانش حاکمیت رسمی به چشم می‌خورد.

◀ واقعیت‌ها و الزامات

بعد از جنگ و درگذشت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، در دهه ۱۳۷۰، همزمان با جایگزینی چهره او روی همه اسکناس‌ها به جای تصاویر رویی پیشین، تصاویر انقلابی پشت اسکناس‌ها، مثل تصویر تظاهرکنندگان یا تصویر جهاد سازندگی یا تصویر آزادسازی خرمشهر حذف شد، از شمار تصاویر مذهبی هم کاسته شد و به جای آنها تصاویری از بناهای تاریخی، مثل خانه آقازاده ابرکوه (پشت ۲۰۰۰ ریالی) و آرامگاه شاعران برجسته ایرانی مثل حافظ (۱۰۰۰۰ ریالی) و سعدی (۱۰۰۰۰ ریالی) چاپ شد؛ نشانه‌ای آشکار از فاصله گرفتن نظام از شعارهای انقلابی و نزدیک شدن به ایران اسلامی یا چنان که در گفتار رسمی شنیده می‌شود، تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی.

در اسکناس‌های جدیدی که با کمرنگ‌کردن و حذف چهار صفر از جلوی رقم ارزش اقتصادی منتشر شده و نیز در اسکناس‌های موسوم به ایران چک یا تراول یا چک پول، همین رویه ادامه یافته است. پیروزمندان انقلاب ۱۳۵۷، روحانیون نواندیش جوان و جوانان اسلام‌گرا و چپ‌گرایی بودند که به رهبری کاریزماتیک امام خمینی^(ع) و پشتیبانی میلیونی توده‌ها از او توانستند پس از سرنگونی رژیم پهلوی، در رقابت با سایر مدعیان موفق شوند و اسکناس‌هایی منقوش با نام و افکار و باورها و آرزوها و آمل خود چاپ کنند. این افکار، باورها، خواست‌ها و آرزوها اما چنان که دیدیم، ثابت و یک‌شکل باقی نماند و ناگزیر متناسب با شرایط زمان و مکان و به خصوص همسو با اندیشه‌ها و خواست‌های جامعه، تغییر یافت. اگر در دهه نخست، ایدئولوژی سیاسی-مذهبی شیعی می‌کوشید عناصر ملی و ایرانی را به نفع و جوه جهان‌روایانه اسلام نادیده انگارد، در دهه‌های بعد به ناگزیر در یافت که دست کم در روزگار سلطه دولت-ملت‌های مدرن، آرزوی تأسیس امت اسلامی مثل سده‌های میانه چندان واقع‌بینانه نیست؛ بنابراین به الزامات عمل تن داد و مدعی اسلام ایرانی در محدوده مرزهای ایران اسلامی شد؛ اگرچه کماکان رؤیای هلال شیعی را در سر می‌پروراند و تداوم حضور نمادهایی چون مسجدالاقصی در اسکناس‌ها از این منظر قابل ارزیابی است.

◀ مردمی که حضور ندارند

تحول بارز دیگر در تصویر اسکناس‌ها، حذف مردم، ولو همان مردم انقلابی اسلام‌گرای طرفدار امام خمینی^(ع) و دنباله‌روی روحانیون از اسکناس‌هاست. نگاهی گذرا به تصویر اسکناس‌های دیگر کشورها از آمریکا و انگلیس و فرانسه گرفته تا روسیه و چین نشان می‌دهد که در آنها به تفاریق، تصاویری از مردم به چشم می‌خورد. این حضور نمادین مردم روی اسکناس‌هایی که هر روز در جیب‌شان هست، حتی اگر سیاست‌ورزانه و با هدف جلب رضایت آنها باشد، نشانگر حضور حاکمیتی است که به اندازه نقش روی یک اسکناس به آنها توجه دارد. اهمیت این موضوع در نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه از این جهت است که نظامی برآمده از انقلابی مردمی است و در پیروزی آن همه مردم حضور داشتند

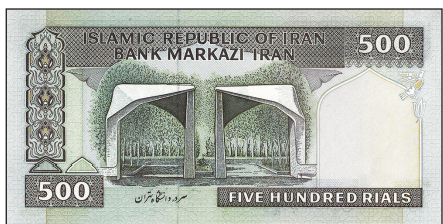
ایران

- قاره: آسیا
- واحد پول: ریال
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۶
- نماد: IR
- کوچک‌ترین واحد: ریال
- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- GDP: ۱۸۷۳ تریلیون دلار (بیست و یکمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۱۸۳۳۲ (شصت و ششمین در جهان)

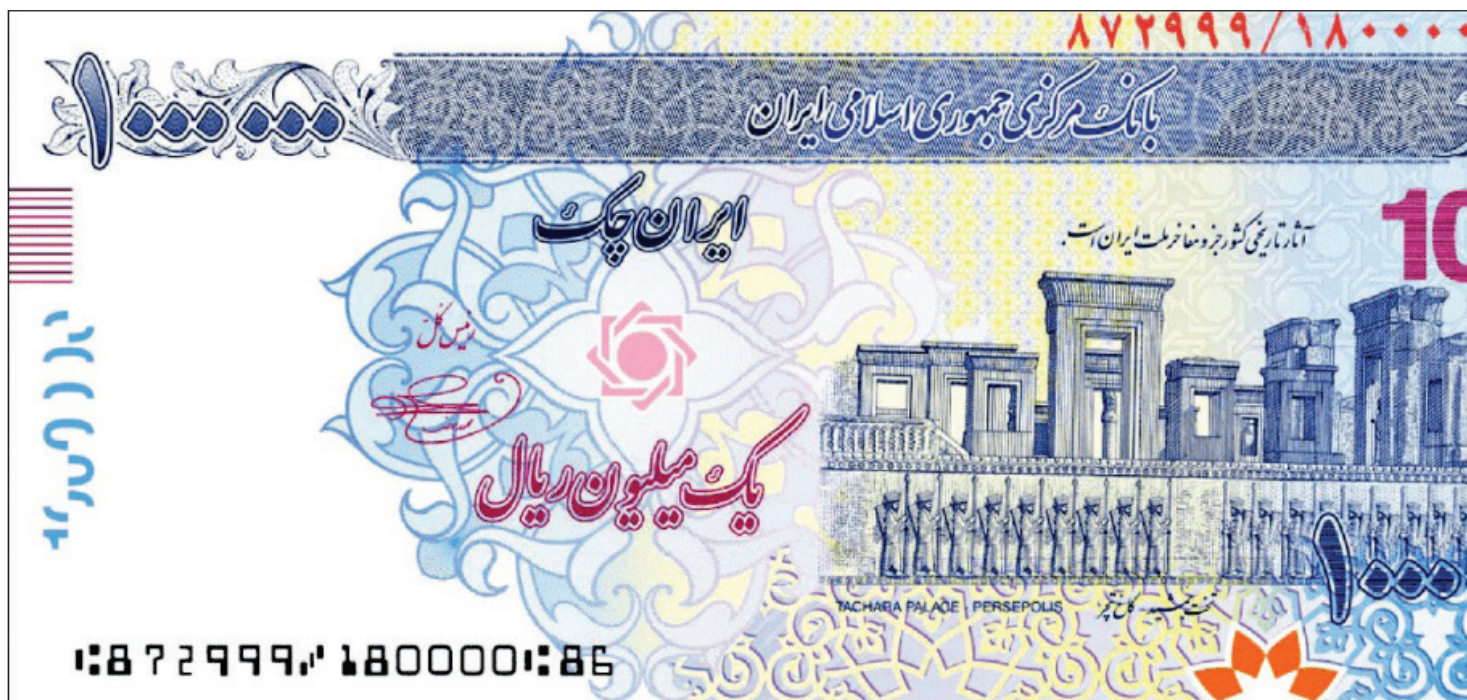




۳۶







اسکناس‌ها روایت می‌کنند



چه چیزی را در جهان سراغ دارید که به اندازه پول متناقض باشد؟ همیشه همراه ماست و زندگی بدون آن عملاً امکان‌پذیر نیست، اما معمولاً آدم‌ها به تصویرها و نمادهای اسکناس‌ها چندان توجه نمی‌کنند، انگار نوعی وسوسه پایان‌ناپذیر برای خواستن و نخواستن همراه پول است که حتی در عمیق‌ترین لایه‌های خودآگاه و ناخودآگاه ما بازتاب می‌یابد. اگر همین الان کیف پول خود را باز کنید، چه کسانی را آنجا می‌بینید؟ بدون اینکه تابه‌حال نشسته باشید و جدی به آن فکر کرده باشید، شما همیشه در حال حمل جدی‌ترین سند روایت تاریخ هستید؛ سندی روایتگر داستان انقلابی‌ها و محافظه‌کاران، جمهوری‌خواهان و سلطنت‌طلبان، فاشیست‌ها و پارتیزان‌ها، خلاصه اشک‌ها و لبخندها، بیم‌ها و امیدها، برنده‌ها و بازنده‌ها و دوستان و دشمنانی که مدام جایشان عوض می‌شود. اما آیا تابه‌حال از خود پرسیده‌اید که چه کسانی واقعاً باید روی اسکناس باشند؟ حالا مجموعه‌ای بکر و دیدنی برای شما فراهم کرده‌ایم تا بگوییم اسکناس‌ها از چه چیزهای سخن می‌گویند.

جهان

کیف پول به مثابه ایدئولوژی



محسن
محمودی

مترجم و
پژوهشگر
تاریخ و سیاست



دیگر عملاً جنگ تمام شده بود... حالا دیگر کاتالونیا زیر چکمه سربازان فرانکو بود... تلفات ما به حدی بود که حتی نمی‌شد شمارش کرد. با یک حساب سرانگشتی هم نمی‌شد تعداد کشته‌ها را حساب کرد... در دهکده‌ای بی‌نام‌ونشان منتظر سرنوشت بودیم. شب‌هنگام که کنار آتش کیف پولم را در آوردم تا شاید برای واپسین بار صورت ماریسا و کاندلارا ببینم، چیزی دیدم که حسابی شوکه‌ام کرد؛ تمام مدت جنگ عکس فرانکوی حرامزاده روی پزوتا، کنار صورت عزیزانم بود... چطور می‌شود از پول متنفر نبود...

◀ سیسیلیا کانتو، روایت‌های شفاهی جنگ داخلی اسپانیا

اگر همین الان کیف پول خود را باز کنید، چه کسانی را آنجا می‌بینید؟ احتمالاً به افرادی نگاه می‌کنید که در کشور شما تاریخ‌ساز شده‌اند. بدون اینکه تابه‌حال نشسته باشید و جدی به آن فکر کرده باشید، شما همیشه در حال حمل جدی‌ترین سند روایت تاریخ هستید؛ سندی روایتگر داستان انقلابی‌ها و محافظه‌کاران، جمهوری‌خواهان و سلطنت‌طلبان، فاشیست‌ها و پارتیزان‌ها، خلاصه اشک‌ها و لبخندها، بیم‌ها و امیدها، برنده‌ها و بازنده‌ها و دوستان و دشمنانی که مدام جایشان عوض می‌شود. اما آیا تابه‌حال از خود پرسیده‌اید که چه کسانی واقعاً باید روی اسکناس باشند؟

جواب این سؤال در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. در برخی کشورها، هنرمندان، از جمله نقاشان، نویسندگان، مجسمه‌سازان و بازیگران، عناصر ثابت اسکناس‌ها هستند، در شماری دیگر، سیاست‌مداران حضور حداکثری دارند، در بعضی‌ها شخصیت‌های تاریخی و قهرمانان اسطوره‌ای جا خوش کرده‌اند و در تعدادی دیگر تنوع زیستی و انسانی بازتاب یافته است. اگرچه در بعضی کشورها، اکثریت مردم حتی در اسکناس هم نصیبی از قدرت ندارند و جز رهبران «به‌زور متبسم» سهمی در «بازتاب مشارکت سیاسی در قالب تصاویر اسکناس‌ها» ندارند، اما در برخی کشورها تصاویر اسکناس‌ها بازتاب حقیقی «خودآگاه جمعی» و «روح ملی» آنها محسوب می‌شود. در ادبیات ناسیونالیسم، تقریباً اغلب نویسندگان به

ابزارهای فرهنگی از قبیل سکه‌ها، تمبرها، پرچم‌ها و اسکناس‌ها به مثابه متونی برای گسترش ملی‌گرایی نگریسته‌اند. به‌ویژه پول حامل نمادها و نشانه‌هایی است که در راستای تولید و بازتولید دولت-ملت ساخته شده‌اند.

«اریک هابزبام» از پول به منزله جهانی‌ترین شکل از تصویرسازی عمومی نام می‌برد که همزمان با فرایند ایجاد دولت-ملت خلق شده است. در واقع، همه کشورها از چاپ پول و ضرب سکه در راستای افزایش مشروعیت خود استفاده می‌کنند.

حکومت‌ها از اسکناس‌ها به عنوان ابزارهای ایدئولوژیکی برای تثبیت و تقویت روایت‌های خاص از هویت ملی سود جستند. بنابراین پول ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به ساخت قدرت دولتی بوده است.

در نوشته حاضر که مقدمه‌ای برای پرونده «اسکناس‌ها روایت می‌کنند»، به‌شمار می‌رود، به دنبال مطالعه و بررسی «چیزهایی هستیم که اسکناس‌ها به ما می‌گویند»؛ چیزهایی در مورد تاریخ، سیاست، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و به‌ویژه فوتبال. اما نکته اساسی این است که از طریق کاوش در عناصر و المان‌های بازتاب‌یافته در اسکناس‌ها، می‌توان به «روایت‌های برجسته‌شده» از یک سو و «روایت‌های حذف، طرد و لاپوشانی‌شده» از دیگر سو پی برد. اسکناس‌ها نقش مهمی در برساخت هویت ملی و احساس توده مردم در مورد شخصیت‌های ملی بر عهده دارند.

ما می‌خواستیم این تجزیه و تحلیل تا حد امکان جامع و مانع باشد، بنابراین سراغ تک‌تک ۳۲ کشور حاضر در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر رفتیم و از رهگذر روایتی تاریخی-سیاسی به نمادپردازی اسکناس‌های این کشورها پرداختیم. از مجموع اسکناس‌های بررسی‌شده ۳۲ کشور حاضر در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، ۲۴۱ اسکناس به افراد منحصر به فرد تعلق داشتند.

در این میان تصویر ۵۱ اسکناس (۲۱ درصد) به شخصیت‌های زن اختصاص داشت و تصویر ۱۹۰ اسکناس (۷۹ درصد) متعلق به شخصیت‌های مرد بود.

علاوه بر این، نویسندگی رایج‌ترین شغل در بین زنان و دومین شغل رایج برای مردان بود. در واقع، ۱۹ درصد از افرادی که روی اسکناس‌ها نشان داده شده‌اند، نویسنده هستند (۴۵ نفر از ۲۳ کشور).

برخی چهره‌های برجسته در این رده عبارت‌اند از: «ایچیو هیگوچی»، «فوکوزاوا یوکیچی»، «شین سایم‌دنگ»، «برادران گریم»، «آنتوان دوست اگزوپری»، «رابرت برنز»، «چارلز دیکنز»، «ویلیام شکسپیر» و بسیاری دیگر.

نویسندگان می‌توانند مکان، زمان و فرهنگ را به گونه‌ای بازتاب دهند که حس هویت مشترکی در بین شهروندان القا شود و شاید به همین دلیل است که آنها را به انتخابی محبوب برای نمایش روی اسکناس‌ها تبدیل شده‌اند. از این رو، ملاک انتخاب یک نویسنده، بیش از آنکه با برنده شدن نوبل ادبیات یا شهرت داخلی و جهانی او در پیوند باشد، با نزدیکی او به «گفتمان رسمی» و به‌ویژه نقش آن در برساخت هویت در ارتباط است.

اگرچه نویسندگان برای قرارگرفتن روی اسکناس انتخاب مطمئنی به نظر می‌رسند، اما می‌توانند جنجال ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، حمایت از برده‌داری، تنفر از رنگین‌پوستان، دفاع از نسل‌کشی بومیان، توجیه استعمار و زن‌ستیزی در میان پاره‌ای از این نویسندگان دیده می‌شود. این استدلال که در گفتمان و زبان رسمی در قرون گذشته اصطلاحاتی



چون «کاکاسیاه»، «ضعیفه»، «اسکاتلندی دندان‌گرد»، «یهودی طماع» و... لزوماً توهین‌آمیز نبوده‌اند، امروزه چندان پذیرفته نیست. در نتیجه، هرازگاهی انتشار تصویر نویسنده‌ای روی یک اسکناس جنجالی می‌شود، به گونه‌ای که معمولاً در سری‌های بعدی طراحی و چاپ اسکناس‌ها جایگزین می‌شوند.

دومین حرفه متداول به رئیس دولت-رهبر، رئیس جمهور و نخست‌وزیر بازمی‌گردد. در اینجا نیز شمار مردان به هیچ‌وجه با زنان قابل مقایسه نیست. در واقع، تعداد سیاستمدار زن روی اسکناس‌ها از انگلستان یک دست هم تجاوز نمی‌کند. در این میان، چهار تن از این زنان نقش خاصی در دولت داشتند؛ «ملکه الیزابت دوم»، «اوا پرون»، «اگنس مکفیل» و «ادیت کوان»، اولین زنان منتخب پارلمان، به ترتیب در کانادا و استرالیا.

در هیچ کشوری که مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم، زنی وجود نداشت که بنیان‌گذار ملت خود به حساب آید. در عوض، زنانی که در جنگ‌های استقلال شرکت داشتند، اغلب «قهرمانان ملی» یا انقلابی نامیده می‌شوند.

از آنجا که سران دولت، سیاستمداران، بنیان‌گذاران و پادشاهان همگی به شکلی در حکومت دخالت دارند، بنابراین می‌توان آنها را با هم حساب کرد. با انجام این کار، ۱۰۳ فرد منحصر به فرد در این دسته شناسایی می‌شوند. به عبارت دیگر، ۴۲ درصد از تمام افرادی که تصویرشان روی اسکناس‌ها قرار دارد، عموماً نقشی در حکمرانی ایفا کرده‌اند. از لحاظ فراوانی، نویسندگان در رتبه دوم قرار می‌گیرند. به علاوه، فقط ۱۲ پادشاه روی اسکناس‌ها وجود دارد و تنها یک نفر از آنها زن است؛ ملکه الیزابت دوم.

نکته جالب توجه در اینجا است که تصویر هیچ شخصیت زنده‌ای در اسکناس‌ها وجود نداشت؛ تمامی اسکناس‌ها به شخصیت‌هایی اختصاص یافته‌اند که دیگر در قید حیات نیستند. تنها استثنا می‌توانست ملکه الیزابت دوم باشد که در شهریورماه امسال درگذشت.

به علاوه، حدود ۲۰ درصد اسکناس‌ها به «اولین‌ها» اختصاص یافته است؛ نخستین رهبر، نخستین رئیس جمهور، نخستین فارغ‌التحصیل و همچنین مخترعان و مکتشفان. البته اولین‌ها به اشخاص محدود نمی‌شود و نهادها، اماکن، ساختمان‌ها و بناهای یادبود را نیز دربر می‌گیرد.

در برخی کشورها، حساسیت زیادی روی رایج‌ترین اسکناس وجود دارد. در بیشتر مواقع، سعی شده این اسکناس به تصویری اختصاص پیدا کند که بیشترین قربایت را با خود آگاه جمعی و روح ملی داشته باشد.

هائیلیال، فرمانده نظامی معروف کارتاژ باستان و چهره‌ای که اسکناس ۵ دیناری تونس به آن اختصاص یافته، ۱۸۳ سال قبل از میلاد درگذشت؛ بنابراین او قدیمی‌ترین فرد در این مجموعه از اسکناس‌هاست.

کره جنوبی به‌طور متوسط دارای قدیمی‌ترین شخصیت‌های تاریخی بود؛ بیشتر شخصیت‌هایی که تصویر آنها روی پول این کشور بازتاب یافته، متعلق به قرون ۱۳ و ۱۴ هستند.

نکته جالب توجه دیگر این است که در برخی کشورها پیرامون اینکه تصویر چه کسانی را می‌توان روی اسکناس‌ها درج کرد، قانون‌گذاری شده است. برای نمونه، وزارت خزانهداری ایالات متحده به صراحت اعلام کرده که از نظر قانونی تنها می‌توان از تصویر افراد متوفی روی اسکناس‌ها استفاده کرد. همین امر در مورد بانک مرکزی انگلستان و کانادا نیز صدق می‌کند (اگرچه هر دو برای ملکه و پادشاه استثنا قائل می‌شوند). کانادا یک گام فراتر نهاده است؛ «دست‌کم باید ۲۵ سال از درگذشت فردی که قرار است تصویر آن روی اسکناس‌ها درج شود، سپری شده باشد.» به علاوه، انگلستان، کانادا و استرالیا استفاده از شخصیت‌های خیالی را برای نمایش روی اسکناس منع کرده‌اند.

پایوند اسکناس و فوتبال

اگرچه نخستین چیزی که در رابطه با پایوند اسکناس و فوتبال به ذهن متبادر می‌شود، «کلایی شدن فوتبال» و پول و سرمایه عظیمی است که در این ورزش ردوبدل می‌شود، اما اساساً نقطه‌ای که فوتبال و اسکناس را به هم پیوند می‌دهد، مفهوم «برساخت هویت ملی، پرکردن شکاف‌های اجتماعی و کاهش گسل‌ها و تضادهاست»، بنابراین نقش فوتبال در جوامع مدرن، بسیار فراتر از یک ورزش بوده است.

«ژاک دریدا»، فیلسوف، نشانه‌شناس و هوادار پرشور فوتبال، در جایی گفته بود: «ورای خطوط زمین فوتبال، هیچ چیز وجود ندارد.» منظور دریدا این نبود که فوتبال برتر از اتفاقات زندگی است، بلکه شاید همه چیزهایی که خارج از استادیوم اتفاق می‌افتد - سیاست،

اقتصاد، یا حتی هنر و فرهنگ - به‌طور خودکار در درون آن منعکس می‌شود. زمین فوتبال یک جهان کوچک است.

با این حال، «فوتبال شدن فوتبال» مولود راه طولانی و دشواری است که این ورزش در طول بیش از یک قرن گذشته پیموده است؛ به‌ویژه در ابتدای پیدایش که بسیاری از کشورها دیدگاه مثبتی در مورد آن نداشتند. در واقع، تأکید افراطی روی ورزش‌های ملی - سنتی از جانب دولت‌هایی صورت گرفته که فوتبال را متعلق به کارگران، مهاجران، رنگین‌پوستان و اقلیت‌های قومی - زبانی می‌دانستند و حتی آن را برای هویت ملی مضر تلقی می‌کردند. برای مثال، «گابریل کوهن»، مورخ و نویسنده در کتاب «فوتبال علیه دولت» می‌نویسد: «فوتبال مورد حمله محافظه‌کاران قرار گرفته که آن را یک «ورزش لیبرال»، «ورزش دانشگاهی»، «ورزش کمونیستی» و «ورزش مهاجران» می‌دانستند.» «جک کمپ»، مدافع سابق بوفالو بیلز، در کنگره استدلال کرد که ایالات متحده نباید میزبان جام جهانی ۱۹۹۴ شود، زیرا فوتبال آمریکایی «سرمایه‌داری دموکراتیک» است، در حالی که فوتبال «اروپایی و سوسیالیستی» است.

از دهه آخر قرن بیستم، علاقه به فوتبال در سراسر جهان تقریباً به‌طور تصاعدی در حال رشد بوده است. در خط مقدم آن امپراتوری‌های لیگ برتر قرار دارند که با کمک تلویزیون‌های کابلی و بعداً ماهواره‌ای، شاخک‌های خود را چند سال پس از هزاره جدید در سراسر آفریقا و آسیا گسترش دادند. لیگ‌های اسپانیا، آلمان و ایتالیا به‌زودی در سراسر جهان هواداران پرشوری پیدا کردند.

با تغییر شکل سیاست به یک «برند»، باشگاه‌های فوتبال برتر اروپایی که قبلاً مانند شرکت‌ها اداره می‌شدند، متوجه شدند که به چیزی شبیه شرکت‌های چندملیتی تبدیل شده‌اند. فوتبال یا بهتر است بگوییم «تجربه فوتبال» به کالایی تبدیل شد که اکنون در سطح جهانی در مقیاسی بی‌سابقه به فروش می‌رسد.

برای اینکه فوتبال به‌طور یکنواخت برای مردم در گوشه و کنار جهان «مصرف‌پذیر» شود، این ورزش باید تا حد ممکن خنثی و فاقد هرگونه معنایی می‌بود که مانع تماشای بازی می‌شد. از این رو، استادیوم باید به گونه‌ای ساخته می‌شد که «خنثی» به نظر برسد و از هر عنصر خارجی که ممکن است به بازی معنایی فراتر از رویدادهای داخل زمین بدهد، محافظت شود؛ سیاست‌زدایی از فوتبال، از همین جا نشئت می‌گیرد. باید روایت آنتاگونیستی از تاریخ حذف شود و جای خود را به نوعی روایت خنثی یا مغشوش بدهد. بازی برزیل و پرتغال، بازی الجزایر و فرانسه و امثالهم فاقد ارجاعات تاریخی می‌بود. با وجود این، هرازگاهی این راهبرد به ضد خود بدل می‌شود. در خاورمیانه و شمال آفریقا، در جریان بهار عربی، از استادیوم‌ها به مثابه ابزاری برای رساندن پیام‌های خود استفاده می‌کردند.

بنابراین ما قوانینی داریم که از نمایش پیام‌های سیاسی یا ایدئولوژیک در ورزشگاه‌ها جلوگیری می‌کند؛ بدین نحو که هر پیامی را که برای یک رویداد ورزشی مناسب نیست، به‌ویژه پیام‌هایی که ماهیت سیاسی، ایدئولوژیک، مذهبی، توهین‌آمیز یا تحریک‌آمیز دارند، ممنوع می‌کند. البته فیفا در قبال نسل‌کشی، نقض گسترده حقوق بشر، حذف نظام‌مند قومی - مذهبی - زبانی یا حتی محروم‌ساختن بخش‌هایی از جمعیت یک کشور، موضعی اتخاذ نمی‌کند؛ مگر اینکه با فشار و اجماع جهانی مواجه شود. ♦

پیروزی به هر قیمتی

فوتبال بدون شک پرطرفدارترین ورزش در آرژانتین است، درست مانند باقی کشورهای آمریکای جنوبی. با این حال، آرژانتین از این جهت متمایز است که فوتبال و سیاست در طول تاریخ به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط بوده‌اند؛ پیوندی پرتلاطم که همچنان به قوت خود باقی است. فوتبال، چه منتقدان بخواهند و چه نخواهند، امتداد سیاست است. فوتبال بخشی از سیستم سیاسی است و اغلب اتفاق می‌افتد که یک موضوع فوتبالی به سرعت سیاسی شود.



◀ امتداد سیاست

در دوران ریاست‌جمهوری «خوان پرون» مداخله دولت در فوتبال به اوج خود رسید. سیاست‌های پرون عمدتاً جهت گسترش جذابیت و تقویت زیرساخت‌های ورزش بود و فوتبال به اولویت اصلی تبدیل شد. پرون مشتاق بود که تصویری مثبت از کشورش به عنوان یک تبلیغات سیاسی ارائه دهد؛ از این رو به دنبال ارتقای اهمیت فوتبال برای دستیابی به این هدف بود.

پرون فوتبال را برای پیشبرد تصویری از غرور و وحدت ملی لازم می‌دید. حزب او شعارهایی مانند «پرون ورزشکار حرفه‌ای» و «پرون حامی فوتبال» را برای پرورش وجهه او به عنوان یک هوادار دواآتشه فوتبال ابداع کرد.

پرون زیرک بود، او پتانسیل فوتبال را وسیله‌ای برای پیشرفت سیاسی می‌دانست. حضور در مسابقات فوتبال در بوئنوس آیرس در دوران تصدی او به عنوان رئیس‌جمهور به بالاترین حد خود رسید و پرون متوجه شد که استادیوم فوتبال عرصه مناسبی است که می‌تواند به وسیله آن آرمان‌های خود را برای تحرک اجتماعی و ملی‌گرایی ترویج دهد. مثال رژیم پرون منعکس‌کننده پیوندهای قوی بین فوتبال و سیاست در آرژانتین است، اما پس از پرون بود که این دو واقعاً شروع به هم‌پوشانی کردند. دولت پرون زمینه را برای دولت‌های آینده فراهم کرده بود تا از فوتبال به عنوان ابزاری سیاسی استفاده کنند، به ویژه حکومت نظامی آرژانتین به رهبری ژنرال «خورخه رافائل ویدلا» که جام جهانی ۱۹۷۸ به میزبانی آرژانتین را یک فرصت سیاسی بزرگ می‌دید. ویدلار هبری یک کودتای نظامی را بر عهده داشت که در مارس ۱۹۷۶ و به دنبال بحران اقتصادی سال قبل از آن، قدرت را قبضه کرد.

ویدلا از جام جهانی ۱۹۷۸ به عنوان یک تربیون عمومی استفاده کرد و اصرار داشت که گزارش‌های وحشیانه رژیم او چیزی جز یک «توطئه ضد آرژانتینی» نبود. او حتی «هنری کیسینجر» را به استادیوم برد و از تشویق بی‌وقفه جمعیت حسابی کیفور شد. خصوصاً او عاشق تشویق ایستاده بود، بنابراین به لیدرها حالی می‌کردند که زود به زود جمعیت را برای تشویق ایستاده





او به خط کنند. اما فرماندهان او پشت درهای بسته به شدیدترین شکل ممکن با فعالان برخورد می کردند. مزدوران او شبانه زندان ها را آتش می زدند و معترضان سیاسی را تشویق به فرار می کردند، اما به محض فرار آنها را به رگبار می بستند. به این شیوه او صدها نفر را قتل عام کرد.

در نگاهی به گذشته، مسابقات ۱۹۷۸ یک پیروزی در سطوح مختلف برای ویدلا بود. با پیروزی تیم، ویدلا به هدف اصلی خود در نشان دادن آرژانتین به عنوان یک کشور قدرتمند دست یافته بود؛ در عین حال او توجه را از فضای تیره اقتصادی و اقدامات هولناک حکومت نظامی خود منحرف کرده بود. از استقرار پرونیسم و استفاده از فوتبال به عنوان یک ابزار سیاسی، تا معاملات خشونت آمیز و خائنانه دیکتاتوری ژنرال ویدلا و در نهایت تاریخ بدنام صدها گروه بارابراوا (اولتراها) در فوتبال آرژانتین، آشکار است که فوتبال و سیاست در آرژانتین تاریخ پرفراز و نشیب اما کاملاً در هم تنیده ای دارند.

◀ تاریخچه پزوی آرژانتین

پزو واحد پول آرژانتین است که با نماد \$ قبل از مقدار مشخص می شود؛ درست مانند بسیاری از کشورها که از پزو یا دلار استفاده می کنند. هر پزو به ۱۰۰ سنتاوس تقسیم می شود.

پول آرژانتین از اواسط قرن بیستم تورم شدید همراه با دوره های ابرتورمی را تجربه کرده، در نتیجه در دوره های مختلف مجبور به چاپ پول های جدید یا حذف چند صفر از پول خود شده است. برای مثال، در سال ۱۹۷۰ اسکناس ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (۱۰ تریلیون) چاپ شد که تا سال ۱۹۹۲ رایج بود.

از اوایل قرن بیست و یکم، پزوی آرژانتین به شکل قابل توجهی دچار کاهش ارزش شد، به طوری که نرخ تورم سالانه به بیش از ۵۱ درصد در سال ۲۰۲۱ رسید. در زمان معرفی پزو در سال ۱۹۹۲، نرخ رسمی برابری دلار آمریکا ۱:۱ بود، سپس از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ به ۳:۱ رسید، در ادامه بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ از ۶:۱ به ۱۰:۱ کاهش یافت. در ژوئیه ۲۰۲۲ نیز نرخ رسمی برابری

با دلار آمریکا به ۱۳:۱ رسید.

در سال ۱۹۹۲ اسکناس های ۱،۰۵،۲۰،۵۰،۱۰۰ و ۵۰۰ پزویی معرفی شدند. در سال ۱۹۹۴ نیز اسکناس یک پزویی با سکه جایگزین شد. تا سال ۲۰۰۱، در همه اسکناس ها این یادداشت درج شده بود که «ارزش این اسکناس با ارزش دلاری آن برابر است»، اما از آنجایی که اکثر اسکناس های قدیمی جایگزین شده اند، به ندرت می توان اسکناس هایی را یافت که تاکنون تبدیل نشده باشند.

◀ اسکناس ۱۰۰ پزویی و بازتاب آرژانتین

در بین اسکناس های ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ پزویی، احتمالاً هیچ کدام به اندازه اسکناس ۱۰۰ پزویی منعکس کننده آرژانتین - به ویژه در یک دهه اخیر - نیست. در سایر پول ها، روی اسکناس به قهرمانان استقلال آرژانتین اختصاص یافته اند و پشت اسکناس به تنوع زیستی اشاره دارد. برای مثال، در اسکناس ۲۰۰ پزویی، چهره «مارتین میگل دی گومز»؛ در اسکناس ۵۰۰ پزویی، چهره «مانوئل بلگرانو» و در اسکناس ۱۰۰۰ پزویی، چهره «خوزه فرانسیسکو د سن مارتین موتوراس» (همگی از رهبران جنگ های استقلال آرژانتین) دیده می شود. با وجود این، اسکناس ۱۰۰ پزویی به زنان و حقوق آنها توجه کرده است. روی این اسکناس چهره «ماریا اوا دورتی د پرون» (۱۹۵۲-۱۹۱۹) که بیشتر با نام «اوا پرون» یا با نام مستعار «اویتا» شناخته می شود، به چشم می خورد. او سیاستمدار، هنرپیشه و بشردوست آرژانتینی بود که از ژوئن ۱۹۴۶ تا هنگام مرگ، جایگاه بانوی اول آرژانتین را در اختیار داشت.

او در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۴ با سرهنگ خوان پرون در جریان یک رویداد خیریه به نفع قربانیان زلزله در سن خوان آرژانتین ملاقات کرد. آنها، سال بعد ازدواج کردند. خوان پرون در ژوئن ۱۹۴۶ به عنوان رئیس جمهور آرژانتین انتخاب شد. در طول شش سال بعد، او پرون در اتحادیه های کارگری طرفدار پرونیست، هواداران بسیاری پیدا کرد. او همچنین وزارتخانه های کار و بهداشت را اداره کرد، بنیاد خیریه او پرون را تأسیس و اداره کرد، از حق رأی زنان در آرژانتین حمایت کرد و اولین حزب سیاسی زنان در مقیاس بزرگ، حزب زنان پرونیست را تأسیس کرد.

در سال ۱۹۵۲، او پرون در ۳۳ سالگی بر اثر سرطان دهانه رحم درگذشت. پیش از مرگش کنگره آرژانتین به او لقب رسمی «رهبر روحانی ملت» را اعطا کرده بود. زندگی او پرون موضوع کتابها، فیلم های سینمایی، نمایش ها و تئاترها و سریال های بسیاری در سراسر جهان، به ویژه در آمریکای لاتین بوده است. از زندگی او و همسرش تأثیری موزیکال به نام اویتا و فیلمی به همین نام با بازی مدونا و آنتونیو باندرا ساخته شده است.

«کریستینا آلوارز رودریگز» مدعی است که اویتا هرگز «خودآگاه جمعی» آرژانتینی ها را ترک نکرده است. «کریستینا فرناندز د کرشنر»، اولین زنی که به عنوان رئیس جمهور آرژانتین انتخاب شد، گفت که زنان هم نسل او به خاطر «عشق و مبارزه طلبی» به او مدیون هستند. قابل توجه است که پشت این اسکناس به اعطای حق رأی به زنان در آرژانتین در سال ۱۹۴۷ اختصاص یافته است. آرژانتین از این لحاظ اگرچه کشور نخست منطقه نبود، اما جزء کشورهای پیشتاز محسوب می شد.

◀ دست خدا

فوتبال برای آرژانتینی ها بسیار مهم است چیزی در حد نان شب. فوتبال به آن ها امکان داده تا احساس کنند در چیزی با اهمیت بسیار زیاد در بین بهترین های جهان جای دارند. از طریق فوتبال بود که آرژانتینی ها فکر می کردند مالویناس (فالکلند) را در سال ۱۹۸۶ به لطف دست خدای دیگو مارادونا، تسخیر کرده اند و امپراتوری بریتانیا را با فضاحت از آن جابجی رانده اند. اما پیوند سیاست و فوتبال برای آرژانتینی ها پیامدهای منفی قابل توجهی نیز داشته است. نیاز شدید و تقریباً هذیان آمیز به پیروزی بر لذت بازی غلبه کرده است. میل به پیروزی به هر قیمتی ارزش های شما را از بین می برد. تقسیم دنیا به دودسته برنده و بازنده بیماری است که پیوند فوتبال و سیاست به آن دامن می زند. تبدیل باشگاه ها به کشورهای کوچک هویتی را می سازد که هواداران آن را مجبور می کند تا به عنوان موضوعی برای مرگ و زندگی از آن دفاع کنند و این یعنی خشونت افسارگسیخته در سکو ها و حتی بیرون از استادیوم ها. شاید وقت آن فرا رسیده که آرژانتینی ها یک بار دیگر به بینش های فوتبالی شان در دهه ۱۹۸۰ بازگردند. ارزش های که ستایشگر فوتبال برای فوتبال بود و از کالایی شدن، دلال صفتی و تلاش برای پیوستن به باشگاه های ثروتمند اروپایی پرهیز می کرد

آرژانتین

- قاره: آمریکای جنوبی
- واحد پول: پزوی آرژانتین
- تعداد اسکناس های در گردش: ۴
- نماد: \$Arg
- کوچک ترین واحد: سنتاوس
- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری آرژانتین
- GDP: ۱/۱۹۵ تریلیون دلار (بیست و هشتمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۲۵/۸۲۲ دلار (شصت و پنجمین در جهان)



«اوپرون»، معروف به «اویتا»، فعال سیاسی و یکی از قدرتمندترین و محبوب‌ترین زنان کشور آرژانتین بود. او همسر دوم «خوان پرون»، رئیس‌جمهور آرژانتین بود که از سال ۱۹۴۶ تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۲ بانوی اول این کشور بود.



«مارتین میگوئل دی گومس»، رهبر نظامی محبوبی بود که در طول جنگ استقلال آرژانتین از شمال غربی آرژانتین در برابر ارتش سلطنتی اسپانیا دفاع کرد. دیگر چهره‌ای که روی این پول قرار دارد، «خوانا ازوردوی دی پادایلا» است که برای استقلال بولیوی جنگید. او در قاره آمریکای جنوبی چنان محبوب شد که آرژانتینی‌ها نیز احترام ویژه‌ای برای او قائل هستند.



۲۰۰ پزوویی جدید جنگ گائوچو را به تصویر کشیده که چریک‌های آرژانتینی به فرماندهی ژنرال مارتین گومس سوار بر اسب برای استقلال کشورشان در سال ۱۸۱۷ با ارتش سلطنتی وفادار به اسپانیا مبارزه می‌کنند.



پشت ۵۰۰ پزوویی جدید سربازان را در حال ادای احترام به پرچم آرژانتین در سال ۱۸۱۲ نشان می‌دهد.



«مانوئل بلگرانو»، سیاست‌مدار، حقوق‌دان، از رهبران نظامی جنگ‌های استقلال و خالق پرچم آرژانتین است. در کنار او چهره «ماریا رمیدیوس دل‌واله» مشهور به مادر میهن دیده می‌شود که او نیز از قهرمانان مشهور جنگ‌های استقلال آرژانتین است. «مانوئل بلگرانو» در سوم ژوئن ۱۷۷۰ در بوئنوس آیرس در خانه پدری خود به دنیا آمد. او در زمان انقلاب فرانسه در دانشگاهی در اسپانیا، با ایده‌های عصر روشنگری آشنا شد و پس از مدتی به ریو دلا پلاتا بازگشت و در آنجا سعی کرد برخی ایده‌های سیاسی و اقتصادی جدید را ترویج دهد، اما با مقاومت شدید «پنینسولار»های محلی مواجه شد. این طرد، او را به سمت گرایش به خودمختاری بیشتر وطنش از رژیم استعماری اسپانیا سوق داد. در ابتدا، او خواهان ترویج کارلوتیسم و حمایت از به سلطنت‌نشانیدن «کارلوتا خوانکینا» بود. پس از آن حامی انقلاب «می» شد و این انقلاب توانست «بالتاسار هیدالگو د سیسنروس» را در ۲۵ می ۱۸۱۰ از قدرت برکنار کند. «بلگرانو» پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان یکی از اعضای رای‌دهنده «پریمیرا خونت» که نظام جدید سیاسی منطقه بود، انتخاب شد.



پشت پول ۱۰۰ پیرویی؛ گسترش حق رأی به زنان در آرژانتین در سال ۱۹۴۷ به تصویر کشیده شده است.

انستیتو مالبران در بوئنوس آیرس آرژانتین.

چهره دکتر «رامون کاریلو» روی این پول نقش بسته که به عنوان اولین وزیر بهداشت آرژانتین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۴، شهرت یافت. همچنین تصویر اولین زن آرژانتینی که مدرک پزشکی دریافت کرد، «سیسیلیا گریرسون» هم روی این اسکناس نقش بسته است.



پشت ۱۰۰۰ پیرویی جدید سربازان آرژانتینی را در سال ۱۸۱۲ نشان می دهد که در حال عبور از رشته کوه های آند هستند. رشته کوه آند طولانی ترین رشته کوه جهان است.



«ماتئوراس» که با نام «خوزه د سن مارتین» یا آزادی خواه آرژانتین، شیلی و پرو شناخته می شود، ژنرال آرژانتینی و رهبر اصلی بخش های جنوبی و مرکزی آمریکای جنوبی برای استقلال از اسپانیا بود.



آلمان به روایت اسکناس ۱۰۰ مارکی

موسیقی کلاسیک با کوک غرور ملی



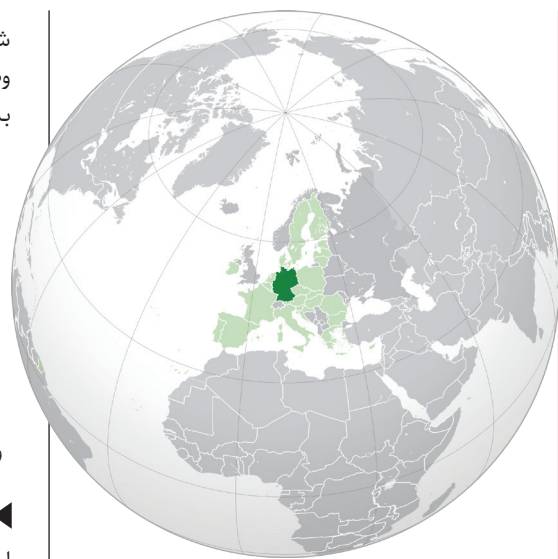
یکی از دلایل حساس بودن موضوع تعلق - ملی در فوتبال بین المللی این است که رقابت های ورزشی بین المللی مانند بازی های المپیک و جام جهانی فوتبال به یک «عدسی بزرگ نمایی» تبدیل شده است. رقابت بین ملت ها، با تمام عناصر نمایشی آن، مانند تکان دادن پرچم، خواندن سرود، ابراز احساسات، اشک ها و لبخندها، تشویق و اعتراض و برنده و بازنده «وسیله ای مؤثر و منحصر به فرد برای القای احساسات ملی» و دلبستگی به میهن است. همان طور که «آلن بایرنر» می گوید: «ورزش بین المللی شکلی از کنش نمادین است که وضعیت خود ملت را بیان می کند.» علاوه بر این، «اریک هابسبام» تأکید می کند: «ورزشکاران که نماینده ملت یا کشور خود در مسابقات ورزشی بین المللی هستند، بازتاب نمادین جامعه خود محسوب می شوند.» نمایش ساختگی ملی که رقابت فوتبال بین ملت ها آن را محقق می کند، یک واقعیت فانتزی اغواکننده است که به راحتی مرز ایجاد می کند و نظم می دهد و احساسی سرگرم کننده و کارناوالیک از با هم بودن پدید می آورد. این امر باعث می شود جامعه خیالی، «ما» ملت، حداقل برای مدتی احساس «واقعی» کند، البته به شرطی که تیم ملی فوتبال عملکرد خوبی داشته باشد، زیرا هویت نیازمند برانگیختن و شور و شغف تجربه موفقیت است.



◀ وقتی برنده می شویم آلمانی ام، وقتی می بازییم مهاجرم

سالاد که همه هویت ها در کنار یکدیگر امکان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند، هیچ گاه در اروپا و به ویژه آلمان، طرفدار نداشته است. وقتی «مسعود اوزیل» نامه خداحافظی خود از تیم ملی فوتبال آلمان را با این تیتر نوشت که «وقتی برنده

دست کم بعد از جنگ جهانی دوم، مهاجران جدی ترین مسئله آلمان بوده اند. تقریباً هیچ بحثی در سطح ملی وجود ندارد که یک سوپیه یا بعد آن به مسئله مهاجران بازنگردد. نخبگان سیاسی آلمان دوست دارند هویت مهاجران در هویت جامعه جدید ادغام شود. در واقع، هویت آلمانی مانند دیگ جوشان، سایر هویت های غریبه را در خود حل کند. الگوی ظرف



می شویم، من آلمانی هستم، اما وقتی می بازییم، من یک مهاجرم»، یک بار دیگر توجهات به مسئله نوع ادغام مهاجران جلب شد.

اوزیل در ادامه نامه خود می نویسد: «من هنوز در جامعه پذیرفته نشده‌ام. با من به عنوان «متفاوت» رفتار می شود.» این در حالی است که پیش از این، مقامات سیاسی آلمان به کرات اوزیل را ستایش کرده بودند. طرفه آنکه «آنگلا مرکل» بیش از پنج بار او را نماینده مهاجران موفق معرفی کرده بود. اما وایرال شدن عکس اوزیل در کنار اردوغان و سپس حذف از مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ باعث شد اوزیل از هر طرف آماج حملات قرار بگیرد. به باور بسیاری، هویت ترکیه‌ای او به مراتب غلیظ‌تر و شدیدتر از هویت آلمانی اوست. بنابراین صحبت از ادغام مهاجران - به ویژه ترک‌ها، عرب‌ها و سایر شرقی‌ها - محلی از اعراب ندارد. به ناگهان، اوزیل از یک مابمی آلمانی به گرگ خاکستری بدل شده بود؛ گرگی مهاجر و هویت‌خواه که نمی‌تواند از در آشتی با جامعه‌ای که او را پذیرفته، دریابد. نکته‌ای که بسیار روی آن تأکید می‌شد، این بود که اوزیل یک مهاجر نسل سوم است؛ این یعنی به هیچ‌وجه فرایند ادغام مهاجران موفق نبوده است.

تاریخچه مارک آلمان

دویچه مارک یا مارک آلمان واحد رسمی پول آلمان غربی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۰ و بعداً آلمان متحد از سال ۱۹۹۰ تا زمان پذیرش یورو در سال ۲۰۰۲ بود. یک مارک به ۱۰۰ فینینگ تقسیم می‌شد.

مارک برای اولین بار تحت اشغال متفقین در سال ۱۹۴۸ برای جایگزینی رایش مارک منتشر شد و از زمان تأسیس آن در سال بعد به عنوان واحد پول رسمی جمهوری فدرال آلمان محسوب می‌شد. در سال ۱۹۹۹، آلمان پول واحد اروپایی را پذیرفت و از سال ۲۰۰۲ دویچه مارک با یورو جایگزین شد. از این رو، سکه‌ها و اسکناس‌های دویچه مارک تا زمان پیوستن به یورو در اول ژانویه ۲۰۰۲ در گردش باقی ماندند. بانک فدرال آلمان تضمین کرده که تمام مارک‌های آلمانی به صورت نقدی می‌تواند به طور نامحدود به یورو تبدیل شود و

شخص می‌تواند این کار را شخصاً در هر شعبه این بانک در آلمان انجام دهد. وضعیت اقتصادی آلمان پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بسیار وخیم شد و نرخ تورم بسیار بالا رفت. در اوج تورم، بیش از ۳۰ کارخانه کاغذسازی و ۱۵۰ چاپخانه و دو هزار ماشین چاپ به طور شبانه‌روزی برای برآوردن نیاز به پول کار می‌کردند. نرخ تورم به قدری زیاد بود که مقدار پول در گردش از سرعت افزایش قیمت‌ها کمتر بود. اسکناس‌هایی که به مقدار فراوان و با مبلغ اسمی ده‌ها هزار مارک چاپ شده بود، قبل از اینکه از چاپخانه خارج شود، مجدداً زیر ماشین چاپ می‌رفت و مبلغ اسمی آن به ارقام میلیونی تبدیل می‌شد. سرانجام کار به جایی رسید که با یک دلار آمریکا می‌شد چهار تریلیون و ۲۰۰ میلیارد مارک آلمان خریداری کرد.

با این همه، تنها در عرض سه سال و در اثر تلاش‌های داخلی و اثرات مثبت صندوق مارشال، تورم کنترل شد و در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۵۰ آلمان مجدداً قدرت اقتصادی و مالی خود را تا اندازه زیادی احیا کرد.

اسکناس ۱۰۰ مارکی و بازتاب آلمان

احتمالاً در میان اسکناس‌های مختلف ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ مارکی، اسکناس ۱۰۰ مارکی بیشتر بازتاب‌دهنده آلمان و ناخودآگاه جمعی و روح ملی آن است. می‌گویند که آلمانی‌ها سه کار را هر روز و تا آخر حیات‌شان انجام می‌دهند؛ گوش دادن به باخ، دست دادن و احساس غرور و افتخار ملی. در واقع، این تنها یک جمله قصار یا ضرب‌المثل نیست، این «لایت کولتور» [Leitkultur] یا فرهنگ مسلط است. این فرهنگ، دارای عناصری است که دائماً در حال تولید و بازتولید در میان نسل‌های مختلف است. مهاجران اگر به دنبال کسب «موفقیت» و «ادغام» در جامعه آلمان هستند، باید این عناصر فرهنگی را بشناسند و آن را درونی کنند. اما قضیه به این سادگی‌ها نیست، چرا که معمولاً برخی عناصر هویتی خرده‌فرهنگ‌ها با فرهنگ مسلط در تضاد است.

در واقع، فرهنگ مسلط با این دو سؤال در پیوند است که «ما چه کسی هستیم و می‌خواهیم چه کسی باشیم؟» از فرهنگ مسلط می‌توان تحت عنوان «معیار حیاتی برای همزیستی» آلمانی‌ها و مهاجران یاد کرد. با وجود این، تجربه ادغام با این فرهنگ در چند دهه گذشته چندان موفقیت‌آمیز نبوده و با چالش‌های اساسی دست‌وپنجه نرم کرده است.

به باور آلمانی‌ها، مهاجران با عناصر «فرهنگ آلمانی» ارتباط معناداری پیدا نمی‌کنند؛ عناصری چون موسیقی کلاسیک، رقص، فلسفه، معماری، سبک زندگی، آیین پروتستان و مانند اینها. اما شاید موسیقی بیشتر از سایر عناصر این شکاف را برجسته کند. برای آلمانی‌ها موسیقی فراتر از ساز، هارمونی، شعر و آواز است؛ موسیقی روایتگر بینش‌ها و بیم‌و امیدهای نسل‌های مختلف است. در این میان، «کلارا شومان» جایگاه منحصر به فردی دارد؛ چرا که موسیقی او نماینده تام و تمام چیزی است که از آن با عنوان «روح آلمانی» نام می‌برند. چهره «کلارا یوزفینه شومان» با چشمانی معصوم و نگاهی نافذ در حال نگاه به گوشه‌ای نامعلوم روی اسکناس ۱۰۰ مارکی نقش بسته است. او مشهورترین موسیقی‌دان زن آلمانی به حساب می‌آید.

شومان (۱۸۱۹-۱۸۹۶) نوازنده پیانو، آهنگ‌ساز و معلم پیانو بود که به عنوان یکی از برجسته‌ترین پیانیست‌های دوره رمانتیک شناخته می‌شود. او در یک دوره ۶۱ ساله با برگزاری کنسرت‌های بسیار و رپرتوارهایی در قالب رستال‌های پیانو، موقعیت خود را با کارهای جدی به عنوان یک نوازنده چیره‌دست تثبیت کرد. شومان در طول فعالیت‌هایش آثاری برای پیانو سولو، کنسرتو پیانو، موسیقی مجلسی، قطعات کرال و ترانه آهنگ‌سازی کرد. دو تصویر دیگر این چهره را تکمیل می‌کند؛ تصویر پیانویی که کلارا با آن می‌نواخته و دیگری، نمای بیرونی از «کنسرواتوار دکتر هوخ» که کلارا در آنجا تدریس می‌کرد. علاوه بر این، ساختمان جدید کنسرواتوار نیز به نام کلارا شومان نام‌گذاری شده است.

شایسته نماینده بودن

به نظر می‌رسد یک مهاجر زمانی شایسته آن است که نماینده ملت (در زمین فوتبال) تلقی شود که به طور پی‌درپی ابراز وفاداری کند و همواره نشان دهد که جامعه جدید را به جامعه قبلی ترجیح می‌دهد یا دست‌کم علاقه بیشتری به آن دارد. در واقع، باید اثبات کند که جامعه قبلی چیزی جز «ریشه» نیست. جالب‌ترین مسئله در مورد اوزیل این است که تعلق ملی برای نسل‌های مختلف و مهاجران تا چه حد شکننده است، حتی برای بازیکنانی که به عنوان افراد کلیدی برای نمایندگی «ملت» انتخاب، پذیرفته و شناخته شده‌اند

آلمان

- قاره: اروپا
- واحد پول: یورو (قبلاً مارک)
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۷
- نماد: €
- کوچک‌ترین واحد: سنت
- بانک مرکزی: دویچه بانک
- GDP: ۳۱۷٫۵ تریلیون دلار (پنجمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۶۳٫۸۳۵ دلار (هجدهمین در جهان)



روی اسکناس ۵۰۰ مارکی، چهره «ماریا سیبیلامریان»، طبیعت‌شناس و تصویرگر علمی آلمانی را می‌بینیم. او یکی از اولین طبیعت‌شناسان اروپایی بود که مستقیماً حشرات را مشاهده می‌کرد.

پشت اسکناس ۵۰۰ مارکی گل قاصدک، زمین‌سنجان و یک پروانه دیده می‌شود.



ساختمان کتابخانه آلته بیپلیوتک در برلین، بنا به دستور فردریک کبیر از سال ۱۷۷۴ تا ۱۷۸۰ (بر اساس برنامه‌های گئورگ کریستین اونگر و گئورگ فردریش یومان به سبک باروک) ساخته شد.

«ویلهلم کارل گریم» و برادر کوچک‌تر «ژاکوب گریم» زبان‌شناسان، پژوهشگران و دانشوران آلمانی بودند.

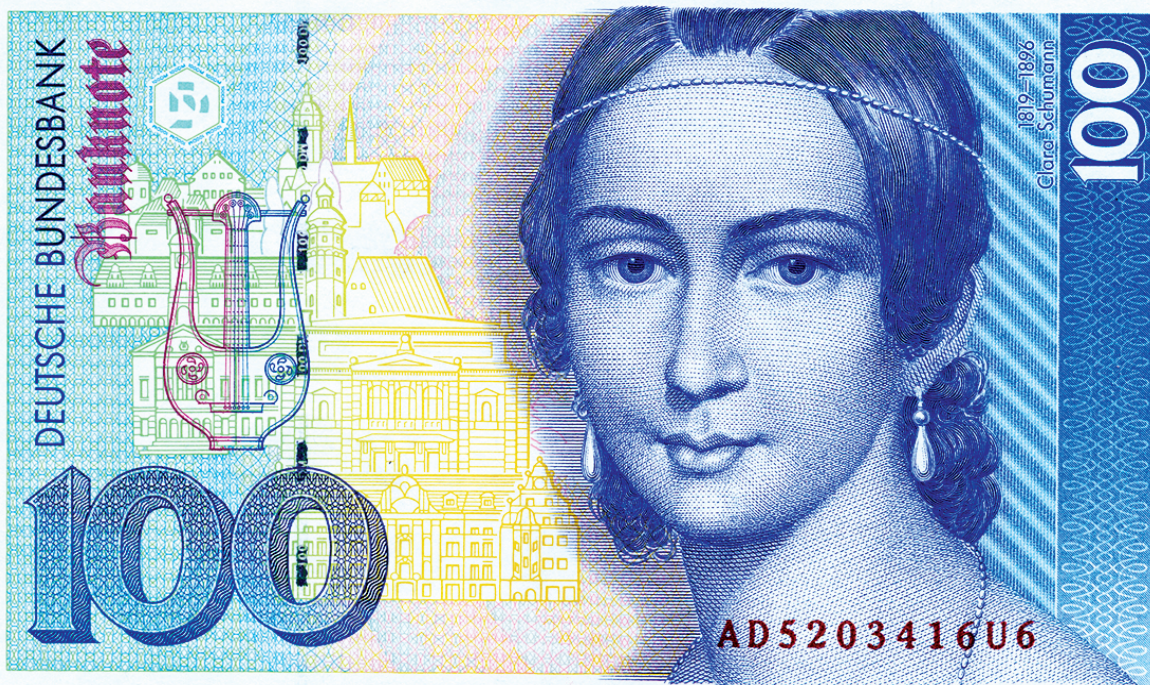
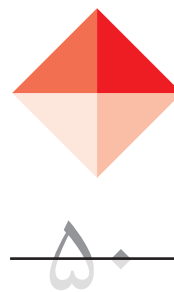
صاحب‌نقش ۱۰ مارکی، «یوهان کارلوس فریدریش گاوس» ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و فیزیک‌دان آلمانی است. به دلیل تحقیقات و دستاوردهای بی‌شمار گاوس، به او لقب «شاهزاده ریاضی‌دانان» را داده‌اند.

«سکستانت» یک ابزار ناوبری با بازتاب دوگانه می‌بینیم که فاصله زاویه‌ای بین دو جسم قابل مشاهده را اندازه‌گیری می‌کند. کاربرد اصلی سکستانت اندازه‌گیری زاویه بین یک شیء نجومی و افق برای اهداف ناوبری آسمانی است.



دروازه برلین که نقش آن را بر ۵ مارکی می‌بینیم، در طول عمر خود اغلب محلی برای رویدادهای مهم تاریخی بود و امروزه تنها به عنوان نمادی از تاریخ پرفرازونشیب اروپا شناخته می‌شود.

«بتینافون آرنینم» که چهره‌اش بر ۵ مارکی نقش بسته، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان آلمانی و از مشهورترین شخصیت‌های ادبی جنبش رمانتیک آلمان محسوب می‌شد.



روی اسکناس ۱۰۰ مارکی چهره «کلارا یوزفینه شومان»، پیانیست، آهنگ‌ساز و معلم پیانو آلمانی نقش بسته است. او به عنوان یکی از برجسته‌ترین پیانیست‌های دوران رمانتیک شناخته می‌شود.



واحد پولی این کشور در حال حاضر یورو است

روی ۵۰ مارکی چهره «یوهان بالتازار نویمان» را می بینیم، او که معمولاً با نام بالتازار نویمان شناخته می شود، یک معمار و مهندس توپخانه نظامی آلمانی بود.

پشت اسکناس ۵۰ مارکی نمایی از کاخ وورتسبورگ در مرکز شهر وورتسبورگ دیده می شود. پشت اسکناس ۲۰ مارکی، یک قلم با پر پرند می بینیم.



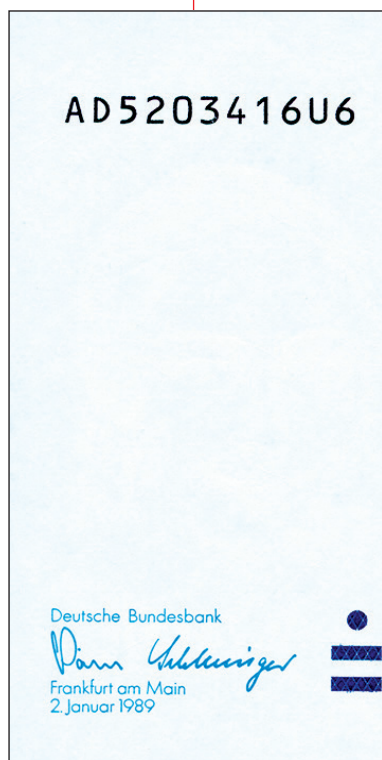
چهره «آنته فون درسته-هولسهوف» روی اسکناس ۲۰ مارکی نقش بسته است. او یک نویسنده، شاعر و آهنگ ساز اهل آلمان بود که در ژانویه ۱۷۹۷ متولد و در سال ۱۸۴۸ درگذشت.

پشت اسکناس ۲۰ مارکی هم عکس یک پیانو است.



روی ۲۰۰ مارکی چهره «پل ارلیش»، پزشک و دانشمند آلمانی برنده جایزه نوبل را می بینیم که در زمینه های هماتولوژی، ایمونولوژی و شیمی درمانی ضد میکروبی فعالیت می کرد. از جمله مهم ترین دستاوردهای او یافتن درمانی برای سیفلیس در سال ۱۹۰۹ و اختراع تکنیک پیش ساز رنگ آمیزی گرم بود.

پشت اسکناس ۲۰۰ مارکی هم ابزار کار پل ارلیش، یک «میکروسکوپ» است.



جهان



اروگوئه به روایت اسکناس ۲۰ پزویی

افسانه سرزمین پدری



۵۲

خوان زوریلادسن مارتین، شاعر ملی اروگوئه، این کشور را «سرزمین اشک‌های بی‌پایان مادران» نامیده بود. شگفتا که سال‌ها بعد از مرگ این شاعر، روزگاری فرا رسید که این نام براننده‌ترین نام برای این سرزمین بود. با این حال، مردم و سیاست‌مداران اروگوئه از دیکتاتوری نظامی عبور کرده‌اند و بسیار به آینده خوش بین هستند، به‌ویژه امیدوارند فوتبال - و به‌ویژه جام جهانی قطر - باعث وحدت ملی و موج جدیدی از امیدواری شود.



◀ سرزمین اشک‌های بی‌پایان مادران

بود. یکی از مادران پلاکاردی در دست داشت که روی آن نوشته شده بود: «میگل زولو: نه می‌بخشم، نه فراموش می‌کنم.» زولو از مأموران بدنام سازمان اطلاعات و امنیت بود که مخالفان سیاسی اروگوئه را قصابی می‌کرد. او به‌تنهایی ۱۹۴ نفر از مخالفان سیاسی را مثله کرده بود. در سال ۲۰۰۰، زولو توسط اتحادیه فوتبال اروگوئه به‌عنوان مدیر امنیت تیم ملی استخدام شد. دست‌کم از سال ۲۰۱۱ اتحادیه می‌دانست که زولو قبلاً یکی از اعضای دایره پنجم اداره اطلاعات و امنیت بوده، اما تا تظاهرات مادران داغدار در ۲۰ می ۲۰۱۸ هیچ کاری برای اخراج او انجام نداد.

«خون از رگ‌های آمریکای لاتین شتک زده به همه‌جا»؛ در یکی از حومه‌های سرسبز مونته‌ویدئو، در خیابانی که دیوارهای خانه‌ها به رنگ قرمز رنگ آمیزی شده‌اند، گریه‌های مادران فضا را چنان سنگین کرده که گویی امروز هیچ هوایی برای نفس کشیدن وجود ندارد. انگار هیولایی آمده و همه‌ها را مکیده است. تعداد این مادران داغدار به عدد پسران گم‌شده اروگوئه است. زمزمه انگیزشان و پلاکاردهایی که در دست دارند، از هر سلاحی قوی‌تر است. آنها به آرامی به راه می‌افتند.

همان‌طور که جمعیت به جلو می‌رود، رنگ قرمز جیغ به آرامی جای خود را به رنگ خاکستری می‌دهد. در تقاطع خیابان‌های مالدونادو و پاراگوئه، مادران متوقف می‌شوند؛ در مقابل مقر سابق اداره اطلاعات و امنیت اروگوئه، چند متر دورتر از اتاق‌هایی که در آن بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ این سرویس اطلاعاتی دیکتاتوری نظامی، پسران‌شان را شکنجه و به قتل رسانده

اروگوئه

- قاره: آمریکای جنوبی
- واحد پول: پزوئ اروگوئه و دلار ایالات متحده
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۷
- نماد: US\$
- کوچک‌ترین واحد: سنتسیمو
- بانک مرکزی: بانک مرکزی اروگوئه
- GDP: ۹۶/۸۱۰ میلیارد دلار (نودوششمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۲۷,۲۳۳ دلار (شصت و دومین در جهان)



«ادواردو گالیانو»، نویسنده اروگوئه‌ای، با تمسخر گفته بود: «اروگوئه تاریخ ندارد، در عوض فوتبال دارد». گالیانو به فراموشی و انحراف اشاره می‌کرد که رابطه یک ملت را با گذشته خود تعریف می‌کند. بسیاری از اروگوئه‌ای‌ها به جای مقابله با آسیب‌ها و ناامیدی دوران دیکتاتوری، استراتژی سرکوب عاطفی را اتخاذ کرده‌اند.

در همه‌پرسی سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۹، قانون معافیت از مجازات به تأیید رسید و از پیگرد قانونی علیه اعضای سابق حکومت نظامی صرف‌نظر شد. گالیانو در سال ۲۰۱۱ نوشت: «اروگوئه‌ای‌ها ترجیح می‌دهند اکنون گذشته را فراموش کنند تا به آن گوش دهند، آینده را بپذیرند تا اینکه دوباره آن را تصور کنند».

با این حال، این سرکوب حتی زندگی روزمره اروگوئه‌ای‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. همان‌طور که «ماریوبندی» روزنامه‌نگار، شاعر و نویسنده سرشناس اروگوئه‌ای می‌نویسد: «بسیاری از اروگوئه‌ای‌ها اکنون زندگی دوگانه‌ای دارند. در روز احساس ناامیدی را انکار می‌کنند، اما در شب، این احساسات مثل خوره به جان آنها می‌افتد».

ساده‌ترین راه برای یک ملت کوچک صلح‌دوست جهت رسیدن به افتخار چیست؟ البته چیزی جز فوتبال نیست. به قول گالیانو: «فوتبال موجب حواس‌پرتی از سیاست می‌شود، دست‌کم برای مدتی».

این سرمایه‌گذاری در فوتبال برای بازخريد تاريخ کثيف یک ملت، به فرهنگ آرمان‌گرایی در اطراف تیم ملی منجر شده است. همان‌طور که «سیاستین بونیلا»، جامعه‌شناس می‌نویسد: «تیم ملی فوتبال اروگوئه توسط بسیاری از مردم به عنوان نقطه مقابل فساد و بی‌اخلاقی دوران نظامی مطرح می‌شود. گذشته و آینده باشکوه فوتبال یک ملت به اروگوئه‌ای‌ها اجازه می‌دهد تا تاریخ سیاسی دردناکی را که در این بین قرار دارد، دور بزنند.»

پزوی اروگوئه

پزوی اروگوئه نام واحد پول اروگوئه از ابتدای تشکیل این کشور بوده است. این واحد پول در سال ۱۹۹۳ پذیرفته شد. اروگوئه در سال ۱۸۹۶ بر اساس استاندارد طلا به

ثبات پولی دست یافت. این وضعیت پس از جنگ جهانی اول پایان یافت. سپس دوره‌ای از نابسامانی این کشور را فراگرفت. مشکلات اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم باعث ایجاد تورم شد که پس از سال ۱۹۶۴ جدی شد و تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت. پزوی قدیمی در اول ژوئیه ۱۹۷۵ با پزوی جدید، با نرخ برابری یک پزوی جدید به ۱۰۰۰ پزوی قدیمی جایگزین شد. پزوی جدید نیز به ۱۰۰ سنتسیمو تقسیم شد. با وجود این، به دلیل تداوم تورم افسارگسیخته، پزوی اروگوئه در اول مارس ۱۹۹۳، دوباره با نرخ یک به ۱۰۰۰ پزوی قدیمی جایگزین پزوی جدید شد.

اروگوئه‌ای‌ها به کاهش مداوم ارزش پول خود عادت کردند. آنها اصلاح جالبی برای دوره‌های محدود افزایش ارزش پزو دارند: «atraso cambiario» که یعنی «بدو تا هنوز نرخ ارز سر جاییش است». در نتیجه بی‌ثباتی پزو، قیمت بیشتر اقلام بزرگ (املاک، خودرو و حتی حقوق مدیران) به دلار آمریکاست.

در طول حکومت نظامی، سیاست «نظام قفل شده خزنه» اجرا می‌شد که بر اساس آن نرخ ارز در یک سطح مشخص ثابت ایستاده و مداخله گر ارزی اجازه تغییر قیمتی به آن را نمی‌داد. در این دوره، جدولی از ارزش آتی دلار روزانه (با عنوان تبلیثا) توسط دولت منتشر می‌شد. در سال ۱۹۸۲، ارزش پول به طور ناگهانی کاهش یافت و هزاران شرکت و شخص را به ورشکستگی کشاند. در دهه ۱۹۹۰، سازوکار جدیدی برای ارائه قابلیت پیش‌بینی معرفی شد: این بار به شکل یک محدوده متغیر، با حاشیه‌های بالا و پایین که دولت در آن مداخله می‌کرد. در سال ۲۰۰۲، پس از یک بحران بانکی و در بحبوحه کسری بودجه عظیم، ارز مجدداً اجازه یافت شناور شود و تقریباً ۵۰ درصد از ارزش خود را در عرض چند هفته از دست داد و دوباره هزاران شرکت و فردی که بدهی دلاری داشتند، ورشکست شدند.

در سال ۲۰۰۴ پدیده‌ای کاملاً جدید معرفی شد: ارزش پول در برابر دلار آمریکاه به صورت اسمی افزایش یافت و به ۱:۳۰ پزو رسید. در سال ۲۰۰۸ این نسبت به ۱:۱۹ رسید و بیش از نیمی از ضرر خود را در طول این بحران جبران کرد. این ارزش‌گذاری مجدد اعتراضات بخش صنعتی را به همراه داشت که احساس می‌کردند رقابت‌پذیری خود را از دست داده‌اند، اما تا ژوئیه ۲۰۲۰، پزو به ۱:۴۰ رسید. دولت امیدوار است ارز شناور اقتصاد را «دلارزدایی» کند. به نظر نمی‌رسد اروگوئه سازوکاری پیدا کند که بر اساس آن نرخ ارز تا حدی قابل پیش‌بینی باشد و در عین حال به کشور اجازه دهد قیمت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کند که صادراتش رقابتی بماند.

اسکناس ۲۰ پزویی و بازتاب اروگوئه

در بین اسکناس‌های ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ پزویی، احتمالاً اسکناس ۲۰ پزویی، بیشتر نماد اروگوئه محسوب می‌شود. شاید دلیل این امر را باید در این جست‌وجو کرد که مفهوم «هویت ملی» همواره برای سیاست‌مداران اروگوئه حیاتی بوده است؛ در اینجا تفاوتی بین دیکتاتورهای نظامی و سیاست‌مداران دموکراتیک وجود ندارد.

«ماریو بارگاس یوسا» در جایی گفته بود که کشورهای آمریکای لاتین برای رسیدن به وحدت، به فوتبال و کمی ادبیات احتیاج دارند. شاید برای همین است که روی اسکناس ۲۰ پزویی به «خوان زوریلادسن مارتین» (۱۸۸۵-۱۹۳۱)، شاعر حماسه‌سرا و کاتولیک اروگوئه‌ای اختصاص یافته است. او به عنوان «شاعر ملی اروگوئه» یاد می‌شود. مشهورترین شعرهای او تبار و افسانه سرزمین پدری است. به علاوه، سرود درخت اواز اشعاری است که در سراسر آمریکای لاتین زمزمه می‌شود. خوان در مدارس مختلف یسوعی در سراسر آمریکای جنوبی (سانتیاگو، سانتافه و مونتویدئو) تحصیل کرد. اولین اثر او «یادداشت‌هایی بر یک سرود» است که به موضوعات تراژیک و میهن‌پرستی می‌پردازد. تأثیر «گوستاوو آدولفو بکر»، شاعر مشهور رمانتیک اسپانیایی در اشعار او مشهود است.

با وجود عدم علاقه خوان به مشاغل سیاسی، مدتی معاون فرماندار مونتویدئو بود و چندین دوره به عنوان سفیر اروگوئه در فرانسه، پرتغال، اسپانیا و واتیکان خدمت کرد. اما میراث او نه به مشاغل سیاسی یا حتی موضع‌گیری‌های پرسوز و گداز او، بلکه به شعرهای حماسی‌اش پیوند خورده است. پشت این اسکناس، ابیاتی از شعر حماسی «افسانه سرزمین پدری» خوان زوریلادسن مارتین به خط شاعر آمده است. این ابیات در پایین تصویر فرشته‌ای پروبال‌گشوده آمده است؛ فرشته‌ای که گویی بال‌های خود را بر تمامی سرزمین اروگوئه گشوده تا آن را از هرگونه خطر دور نگه دارد.

«افسانه سرزمین پدری» که در سال ۱۸۷۹ سروده شد، سهم بی‌بدیلی در پایه‌گذاری اروگوئه مدرن دارد. این شعر که در قالب ۴۱۳ بیت و در عرض یک هفته سروده شد، به عنوان یک شاهکار در نظر گرفته شد و بلافاصله محبوبیت بسیاری پیدا کرد که باعث شد خوان زوریلادسن مارتین عنوان شاعر سرزمین پدری را به خود اختصاص دهد. ♦



چهره «آلفردو واسکز آسودو» روی اسکناس ۵۰۰ پیرویی دیده می شود. او سیاستمدار محبوب کشور اروگوئه است که مؤسسه‌ای نیز به نام او در دهه ۸۰ میلادی تأسیس شده و دانشجویان علوم سیاسی در آن مؤسسه تحصیل می کنند.



پشت اسکناس ۵۰۰ پیرویی دانشگاه سراسری مونته‌ویدئو نقش بسته که بیش از ۱۳۰ هزار دانشجو دارد و بزرگ‌ترین دانشگاه این کشور محسوب می شود.

روی اسکناس ۱۰۰ پیرویی «آدواردو فابینی»، آهنگ‌ساز و موسیقیدان معروف این کشور نقش بسته است.

پشت ۱۰۰ پیرویی مجسمه «پان» به تصویر کشیده است. «پان» در اصطلاح یونانی خدایگان روستاییان است.



بر اسکناس ۵۰ پیرویی، چهره «خوزه پدرو وارا»، جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار اروگوئه‌ای نقش بسته است. خوزه در سال ۱۸۷۶ و پیش از اینکه رئیس آموزش و پرورش کشور اروگوئه شود، قانونی را برای اصلاح برخی قوانین مدارس نوشت که تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله ساعت ورود و خروج دانش‌آموزان و مدت زمان تحصیل که سروشکل قاعده‌مندی را برای مدارس این کشور طراحی کرد. همچنین او آمار دقیقی از جمعیت کشور منتشر کرد که در پایان نامه خود نیز آن را مورد استفاده قرار داد. او با استفاده از این داده‌ها میزان سواد و بی سوادی در کشور را مورد تحلیل قرار داده بود.



چهره «پدرو فیگاری» نقاش، وکیل، نویسنده و سیاستمدار اروگوئه‌ای بر اسکناس ۲۰۰ پزوپی نقش بسته است. او به‌عنوان یکی از نخستین نقاشان مدرن شناخته می‌شود.

پشت اسکناس ۲۰۰ پزوپی تصویری از یک رقص سنتی آمریکای لاتین با الهام از سنت‌های پیش از استعمار اسپانیا دیده می‌شود.



پشت ۲۰۰۰ پزوپی کتابخانه ملی اروگوئه را نشان می‌دهد که در مونته‌ویدئو قرار دارد. این کتابخانه در سال ۱۸۱۵ ساخته شد. در سال ۲۰۰۶ بیش از ۹۰۰،۰۰۰ کتاب و ۲۰،۰۰۰ نشریه در این کتابخانه قرار داده شد.



روی اسکناس ۲۰۰۰ پزوپی چهره «داماسو آنتونیو لارناگا» کشیش، طبیعت‌شناس و گیاهشناس اروگوئه‌ای است. او یکی از کسانی بود که مسئول تأسیس کتابخانه ملی اروگوئه و دانشگاه ملی اروگوئه در سال ۱۹۸۵ بود.

بنای یادبود خوزه پدرو وارا لا در مونته‌ویدئو اروگوئه قرار دارد. این مجسمه توسط «میکل پلا» (۱۸۶۶-۱۹۱۴)، مجسمه‌ساز اسپانیایی طراحی و در ۱۴ دسامبر ۱۹۱۸ پرده‌برداری شد.





اسپانیا به روایت اسکناس ۱۰۰۰ پزوتایی

چهره ژانوسی فوتبال



۵۶

در اسپانیا، فوتبال و سیاست جدایی ناپذیرند. از اواخر قرن نوزدهم که اکثر باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال شکل گرفتند، هواداران فوتبال از باشگاه‌های خود برای نمایش دیدگاه‌های سیاسی‌شان به مدد توجه رسانه‌ها به این ورزش استفاده کردند. به همین ترتیب، دولت که در مواقع مختلف تأثیر فوتبال بر مردم را دیده، از آن به عنوان ابزاری کلیدی در ایجاد تصاویر و برداشت‌های جدید از ملت، چه در داخل و چه در خارج، استفاده کرده است. در اسپانیا همیشه فوتبال مشخص کننده هویت سیاسی بوده است. برای تعیین اینکه آیا کسی طرفدار سیاست جناح راست یا چپ در اسپانیاست، می‌توان از آنها پرسید که دومین تیم مورد علاقه‌تان کدام است. اگر پاسخ «رئال مادرید» باشد، آنها راست‌گرا هستند و اگر پاسخ «اف‌سی بارسلونا» باشد، تقریباً به‌طور قطع چپ‌گرا هستند.



◀ فوتبال؛ ابزار فرانکو

«فرانسیسکو فرانکو»، دیکتاتور اسپانیا از ۱۹۷۵-۱۹۳۶، فوتبال را ابزاری فوق‌العاده می‌دانست که قادر بود توجه مثبت جهانی را به اسپانیا و سپس به خودش جلب کند. از آنجایی که جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۹ به پایان رسیده بود، این کشور از نظر اقتصادی و مالی در وضعیت وحشتناکی قرار داشت، اما ژنرال فرانکو احساس کرد که این ورزش می‌تواند به کشورش کمک کند تا در سطح جهانی دیده شود و هدفش استفاده از رئال مادرید برای تحقق این امر بود. جهان باید یک اسپانیای جدید، قدرتمند و متمرکز را می‌دید که مردمش حاضرند برای آن هر نوع فداکاری انجام دهند. جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا (لیگ قهرمانان اروپای فعلی) در سال ۱۹۵۶ توسط روزنامه فرانسوی «لکیپ» ایجاد شد و هدف آن اثبات بهترین تیم اروپا بود. رئال مادرید در سال‌های اولیه این رقابت‌ها تیم شماره ۱ بود و پنج بار متوالی با ژنرال فرانکو که به‌طور منظم

در استادیوم ۸۰ هزار نفری «لوس بلانکو» (سانتیاگو برنابئو کنونی) حضور می‌یافت، قهرمان شد. هنگامی که رئال مادرید گل می‌زد، سعی می‌کرد شادی نکند و به تبسمی اکتفا کند، اما خیلی اوقات موفق نمی‌شد و به شکل مضحکی همزمان هم می‌خندید، هم دست راستش را بلند می‌کرد. موفقیت بی‌سابقه رئال مادرید به عنوان سفیری ارزشمند برای این کشور عمل کرد و درخششی به آن بخشید که واقعیت‌های مبهم‌تر و حتی تلخ‌تر را پنهان می‌کرد. فرانکو دیده بود که می‌توان از فوتبال برای تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی در دوران سخت بهره

اسپانیا

- قاره: اروپا
- واحد پول: یورو (قبلاً پیروتا)
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۷
- نماد: €
- کوچک‌ترین واحد: سنت
- بانک مرکزی: بانک اسپانیا
- GDP: ۲۲۰ تریلیون دلار (شانزدهمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۴۶/۵۱۱ دلار (سی‌وهفتمین در جهان)

فوتبال توقع «وحدت» داشتند، نه «جدایی». از این رو، آنها همواره این بُعد از فوتبال را در سال‌های اخیر تبلیغ و تشویق کرده‌اند.

تاریخچه پیروتای اسپانیا

پیروتا واحد رسمی پول اسپانیا بین سال‌های ۱۸۶۸ تا ۲۰۰۲ بود که در نهایت با یورو جایگزین شد. نام این پول از peceta گرفته شده؛ شکل مختصر شده کاتالانی کلمه peça (به معنی سکه). کلمه پیروتا از اوایل سال ۱۷۳۷ شناخته شده بود و در میان عامه مردم به سکه‌ای به ارزش دورئال یا یک‌ونیم پیرو اشاره دارد. سکه‌های «پیروتا» در سال ۱۸۰۸ در بارسلون و تحت اشغال فرانسوی‌ها برای مدت کوتاهی منتشر شدند. در سال ۱۸۷۴، بانک اسپانیا اسکناس‌هایی ۲۵، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ پیروتایی را معرفی کرد. به جز اسکناس‌های ۲۵۰ پیروتایی که فقط در سال ۱۸۷۸ منتشر شد، اسکناس‌های چاپ شده توسط بانک مرکزی اسپانیا تا زمان جنگ داخلی تغییر نکرد؛ زمانی که هم جمهوری خواهان و هم ملی‌گرایان اسکناس‌های بانک اسپانیا را منتشر کردند. اولین اسکناس‌های بانک ملی اسپانیا در سال ۱۹۳۶ با عناوین ۵، ۱۰، ۲۵، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ پیروتایی منتشر شد. اسکناس‌های ۱ و ۲ پیروتایی در سال ۱۹۳۷ اضافه شدند. در سال ۱۹۷۸ اسکناس‌های ۵۰۰ پیروتایی معرفی شدند. در سال ۱۹۸۲ اسکناس ۱۰۰ پیروتایی با یک سکه جایگزین شد. سری نهایی اسکناس‌ها بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ معرفی شدند و تا زمان معرفی یورو به صورت قانونی باقی ماندند.

اسکناس ۱۰۰۰ پیروتایی و بازتاب اسپانیا

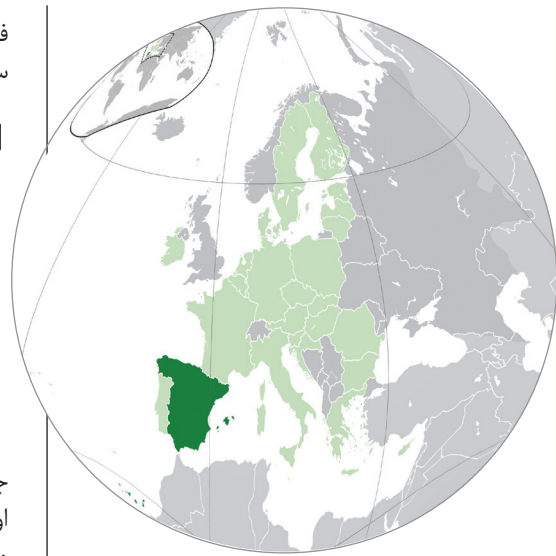
احتمالاً در بین اسکناس‌های مختلف پیروتا؛ ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۱۰/۰۰۰، اسکناس ۱۰۰۰ پیروتایی بهتر و بیشتر اسپانیا را بازتاب می‌دهد. بخش مهمی از هویت اسپانیایی، با عصر اکتشافات گره خورده است. اکتشافاتی که در نهایت به کشف قاره‌ای جدید، استقرار استعمار و توسعه اسپانیا انجامید. این کاشفان نه نماینده یک شهر، یا متعلق به یکی از قومیت‌ها و ملیت‌های داخل اسپانیا، بلکه نماینده هویتی واحد به نام اسپانیا بودند. در واقع، به طور غیرمستقیم این ایده تبلیغ می‌شد که دوران اوج اسپانیا، دوران حکمرانی هویت واحد این کشور بود.

در این اسکناس، چهره «فرانسیسکو پیزارو گنزalez» (۱۴۷۱-۱۵۴۱)، کشورگشای نامی به چشم می‌خورد. او گشاینده امپراتوری اینکا و پایه‌گذار شهر لیما، پایتخت کنونی کشور پرو است. او نخستین بار در سال ۱۵۰۲ به همراه ناوگانی بزرگ از کاستیل به هیسپانیولا گام نهاد. در سال ۱۵۱۳ همراه با گروهی دیگر به باریکه پاناما رفت و از نخستین اروپاییانی بود که کرانه‌های اقیانوس آرام را می‌دیدند. در آینده با موضع‌گیری‌های سیاسی اش توانست کلانتر شهر پاناما شود.

در طرف دیگر نیز چهره «هرنان کورتس» (۱۴۸۵-۱۵۴۷) کشورگشا و سردار اسپانیایی، فاتح امپراتوری آرتک در قاره آمریکا دیده می‌شود. کورتس با قوایی متشکل از تنها ۶۰۰ سرباز و تعدادی اسب در سواحل دریای کارائیب (ساحل شرقی مکزیک امروزی) لنگر انداخت. نیروهای اسپانیایی تحت فرمان او پس از بنیان نهادن شهر ساحلی وراکروز به سمت شمال و مرکز مکزیک حرکت کردند و در نوامبر ۱۵۱۹ به پایتخت آرتک‌ها، شهر تنوشیتیتلان رسیدند. هرچند در ابتدا با استقبال آرتک‌ها مواجه شدند، اما کمی بعد، جنگ‌هایی بین آرتک‌ها و نیروهایش رخ داد. کورتس، پادشاه آرتک‌ها را دستگیر کرد و برای آزادی‌اش از مردم خواست تسلیم شوند. تا آگوست ۱۵۲۱ تمام قلمرو وسیع و پرجمعیت امپراتوری آرتک به تصرفش درآمد. به این ترتیب مکزیک به مستعمره اسپانیا تبدیل شد و استقلال مکزیک تا سال ۱۸۱۰ محقق نشد.

امکان یک قرارداد اجتماعی جدید

فوتبال نیز به مثابه جهانی شدن چهره‌ای ژانوسی دارد؛ از یک سو می‌تواند ابزاری برای هویت‌بخشی و پرکردن شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی باشد و از دیگر سو باعث رادیکال شدن خرده‌هویت‌های قومی-زبانی و نژادی شود. در واقع، هم‌اکنون ابزار بسیاری از قوم-ملت‌ها تیم فوتبال محلی‌شان است. آنها با حضور در استادیوم و استفاده از نمادهای خود، از پرچم و سربند و بازوبند تا شعار و سرود گروهی، تلاش می‌کنند بیم‌ها و امیدهای اقلیت محبوب‌شان را بازنمایند. چندین دهه است که تیم بارسلونا و اتلتیک بلبائو در قلب اروپا از این شیوه برای انعکاس خواست‌های قومی خود استفاده می‌کنند. آینده اسپانیا بستگی بسیاری به امکان رسیدن به یک «قرارداد اجتماعی» جدید دارد. ♦

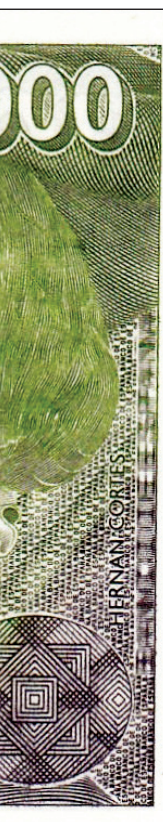


برد و تصویری از ملتی خوشبخت را منعکس کرد که شایسته بازگشت به عرصه بین‌المللی هستند. مادرید و اسپانیا به جای یک کشور سرکوبگر سیاسی و از نظر مالی نابسمان، تصویر یک تیم فوتبال بزرگ را بازتاب می‌دادند.

اما در مورد کاتالان یا باسک، وضعیت به چه شکل بود؟ در سال ۱۸۹۸، به دلیل مشکلات مالی این کشور، پورتوریکو و کوبا استقلال یافتند که نشان‌دهنده پایان سلطنت اسپانیا به عنوان یک قدرت بزرگ بود، زیرا این کشور آخرین قلمروهای فرادر یایی خود را واگذار کرد. این جرعه موجب جهش کاتالان‌ها و باسک‌ها برای استقلال شد؛ زیرا آنها همیشه از سایر اسپانیا احساس جدایی می‌کردند. آنها با داشتن تاریخ غنی فرهنگ، زبان و پرچم ملی خود، بر این باور بودند که تفاوتی با اسپانیا ندارند.

باشگاه بارسلونای کاتالونیا و اتلتیک بلبائوی باسک برای مردم محلی فقط باشگاه‌های فوتبال نیستند. این تیم‌ها مانند یک تیم ملی و به مثابه نماد اعتقادات این مردم عمل می‌کنند، اما خواسته‌های آنها برای استقلال به طور مداوم نادیده گرفته شد و هنگامی که فرانکو در سال ۱۹۳۶ به قدرت رسید، از قدرت خود استفاده کرد تا اطمینان حاصل کند که به این «ملت‌ها» هرگز حق تعیین سرنوشت داده نمی‌شود و این کار را با سرکوب شدید مردم محقق کرد. باشگاه‌های فوتبال نیز نقش مهمی در این مسئله ایفا کردند.

هیچ باشگاهی اجازه نداشت نامی غیراسپانیایی داشته باشد، بنابراین باشگاه باسک به باشگاه فوتبال بارسلونا تغییر نام داد و مجبور شد پرچم کاتالونیا را از لوگوی باشگاه حذف کند. در کاتالونیا و یوسکادی، زبان‌های مربوط به آنها ممنوع شد، هر کارمند دولتی که در حال صحبت کردن به آن زبان‌ها گرفتار می‌شد، در خطر اخراج آنی قرار می‌گرفت و سرود ملی‌شان ممنوع شد. شواهد و قرائن بسیاری در مورد چگونگی سوزاندن کتاب‌های نوشته شده به زبان کاتالان و یوسکرادر تلاش برای پاک کردن همه آثار و ویژگی‌های ملی آنها وجود دارد. اگرچه بعد از رژیم فرانکو، این حجم عظیم آزار و اذیت به پایان رسید، اما حاکمان جدید اسپانیا نیز از



روی اسکناس ۱۰۰۰ پزوتایی،
چهره «هرنان کورتس» به
تصویر کشیده شده است.
او یک فاتح اسپانیایی بود
که رهبری جنگی را بر عهده
داشت که باعث سقوط
امپراتوری «آرتک» شد.



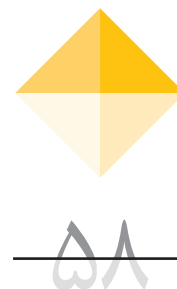
پشت این اسکناس درخت بلوط ال کاریایون در اویدو، صلیب و قطعه دست‌نویسی از رمان
کلارینز با عنوان لاریختنا را نشان می‌دهد.

روی ۲۰۰ پزوتایی، چهره «لئوپولدو انریکه گارسیا»، با نام مستعار کلارین، رمان‌نویس رئالیست
اسپانیایی به تصویر کشیده شده است. مقالات و حمایت او از لیبرالیسم، لئوناردو را به یک صدای
منتقد قدرتمند و بحث‌برانگیز تبدیل کرد.



پشت این اسکناس خانه موزه «روزالیو د کاسترو»
به تصویر کشیده شده که کاخ یکی از پادشاهان
اسپانیا بود. در حال حاضر مردم می‌توانند به‌عنوان
موزه از این کاخ دیدن کنند.

«ماریا روزالیا ریثا د کاسترو» که چهره او را
روی ۵۰۰ پزوتایی اسپانیا می‌بینیم، شاعر و
رمان‌نویسی اهل شهر گالیسیا بود. همچنین
نشان پادشاه اسپانیا سمت راست بالای این
اسکناس حک شده است.





واحد پولی این کشور در حال حاضر یورو است



پشت اسکناس ۱۰۰۰ پزوتایی، چهره «فرانسیسکو پیزارو گنزalez» یک فاتح اسپانیایی قرار دارد که بیشتر به خاطر لشکرکشی‌هایش که به فتح پرو توسط اسپانیایی‌ها منجر شد، شهرت داشت.

روی ۵۰۰۰ پزوتایی، چهره «کریستف کلمب» دریاورد اهل جنوا در ایتالیا قرار دارد طی یک مأموریت با کشتی به قاره آمریکا رسید.



پشت اسکناس ۵۰۰۰ پزوتایی، قطب‌نمایی به تصویر کشیده شده که در کنار این قطب‌نما، با حروف یونانی نام کریستف کلمب نقش بسته است.



پشت ۲۰۰۰ پزوتایی، نمای دروازه ورودی باغ گیاه‌شناسی سلطنتی مادرید را به تصویر کشیده است.

روی اسکناس ۲۰۰۰ پزوتایی اسپانیا نقش «خوزه سلستینو پروموتیس» کشیش، گیاه‌شناس و ریاضی‌دان اسپانیایی قرار دارد.





استرالیا به روایت اسکناس ۵۰ دلاری

کار کارستان اوناپیون



به احتمال زیاد اگر آتش سوزی ۲۰۲۰-۲۰۱۹ استرالیا اتفاق نمی افتاد، نوشتار حاضر به نکته ای تاریخی یا مرور شاخص های مطلوب توسعه در این کشور اختصاص پیدا می کرد، اما حالا همه چیز دچار تغییر شده است. این آتش سوزی مهیب در بخش های جنوب شرق استرالیا یعنی ایالت نیوساوت ولز، استرالیای جنوبی، ویکتوریا، کوئینزلند و استرالیای غربی به نقطه عطفی در طرز تلقی و بینش مردم و نخبگان استرالیایی پیرامون آینده این کشور بدل شد. وسعت این آتش سوزی تا تاریخ ششم ژانویه ۲۰۲۰، ۸٫۴ میلیون هکتار تخمین زده شده است؛ آتش سوزی ای که به مرگ بیش از یک میلیارد جاندار و انقراض بیش از ۳۰ گونه گیاهی و جانوری منتهی شد. بله! یک میلیارد جاندار. این رویداد آخرالزمانی، به علاوه برانگیختن خشم عمومی نسبت به سیاست های تغییرات آب و هوایی «اسکات موریسون»، نخست وزیر، نگاه بسیاری را در این کشور متوجه ابرچالش های آینده کرد. ابرچالش هایی که همواره در سال های اخیر کم اهمیت تلقی شده یا سعی شده فوریت و ضرورت آنها انکار شود.



ابرجالش های استرالیا

هر پنج سال یک بار، خزانه داری استرالیا گزارش آینده پژوهانه جالبی را منتشر می کند: «اقتصاد و بودجه در ۴۰ سال آینده چگونه خواهد بود؟» در این گزارش، به سه ابرچالش اشاره شده که موجب دگرگونی اساسی در استرالیا خواهند شد.

نقطه شروع تحلیل وزارت خزانه داری تغییرات آب و هوایی است؛ حرکتی جهانی که برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای شکل گرفته، به طوری که احتمالاً استرالیا به گذار از اقتصاد کربنی نیاز پیدا خواهد کرد؛ گذاری که بر اساس آن «برخی بخش ها باید با کاهش تقاضا برای صادرات سازگار شوند، در حالی که فرصت های جدیدی در بخش های دیگر به وجود می آید».

مسئله فقط کاهش شدیدی درآمدهای استرالیا از صادرات زغال سنگ و آلان جی نیست. گرمایش زمین نیز به شدت این کشور را درگیر بحران های زیست محیطی ویرانگر خواهد

کرد. استرالیا اکنون ۱٫۴ درجه سانتی گراد گرم تر از دمای متوسط جهانی در دوران پیش از صنعتی شدن است. در واقع، دمای بالا، میزان رطوبت پایین، بارش کم باران و بادهای شدید، یعنی آتش سوزی های تکرارشونده گسترده.

ابرجالش دوم با پیری جمعیت در ارتباط است. بین سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ و ۲۰۶۰ تا ۲۰۶۱، تعداد استرالیایی های ۶۵ ساله و بالاتر دوبرابر خواهد شد و به ۸٫۹ میلیون نفر می رسد. ابرچالش سوم به تهدیدات ژئوپلیتیکی چین بازمی گردد که با گذشت زمان مدام بر دامنه آنها افزوده خواهد شد. مقابله با این تهدیدات



نیازمند بازنگری اساسی در راهبردهای کلان امنیتی - نظامی است.

تاریخچه دلار استرالیا

دلار استرالیا (نشانه: \$، اختصار: AUD) واحد پول استرالیا و قلمروهای خارجی آن شامل جزیره کریمس، جزایر کوکوس (کیلینگ) و جزیره نورفلک است. این دلار همچنین به طور رسمی توسط سه کشور مستقل جزیره اقیانوس آرام به عنوان واحد پولی استفاده می شود؛ کیریباتی، نائورو و تووالو.

دلار استرالیا در ۱۴ فوریه ۱۹۶۶ برای جایگزینی پوند استرالیا با نرخ تبدیل دو دلار به یک پوند معرفی شد. در سال ۲۰۱۶، دلار استرالیا پنجمین ارز پر معامله در بازارهای مالی جهانی بود و ۶/۹ درصد از سهم روزانه جهان را به خود اختصاص داد. در همان سال، ۷۱/۱۲ میلیارد دلار استرالیا، یا ۲۹۳۲ دلار استرالیا به ازای هر نفر در این کشور در گردش بود.

قبل از پذیرش دلار فعلی استرالیا در سال ۱۹۶۶ واحد پول این کشور پوند استرالیا بود که مانند پوند استرلینگ انگلیس به ۲۰ شیلینگ و هر شیلینگ به ۱۲ پنی تقسیم می شد. پوند استرالیا در سال ۱۹۱۰ با نرخ برابری یک پوند = ۱ پوند انگلیس معرفی شد تا اینکه در سال ۱۹۳۱ ارزش آن به یک پوند = ۰/۸ پوند انگلیس یا ۱۶ شیلینگ کاهش یافت.

در سال ۱۹۰۲، کمیته ای منتخب از مجلس نمایندگان، به ریاست «جرج ادواردز»، توصیه کرد که استرالیا یک ارز اعشاری را بر اساس تقسیم یک پوند به ۱۰ فلورین و یک فلورین به ۱۰۰ سنت تصویب کند. در سال ۱۹۳۷، کمیسیون سلطنتی بانکداری که توسط دولت «جورج لیون» منصوب شدند، توصیه کرد که استرالیا «یک سیستم ضرب سکه اعشاری، بر اساس تقسیم پوند استرالیا به ۱۰۰ قسمت» اتخاذ کند.

پذیرش دلار

پوند استرالیا با دلار استرالیا در ۱۴ فوریه ۱۹۶۶ با نرخ تبدیل دو دلار استرالیا = یک پوند جایگزین شد. از آنجایی که استرالیا هنوز بخشی از منطقه استرلینگ

مبادلات ثابت بود، نرخ مبادله به پوند استرلینگ بر اساس نرخ یک دلار استرالیا = هشت شیلینگ بریتانیا (یا یک پوند انگلیس = ۲/۵۰ دلار استرالیا و به عبارتی یک پوند انگلیس = ۲/۸۰ دلار آمریکا) ثابت شد. در سال ۱۹۶۷، زمانی که پوند استرلینگ در برابر دلار آمریکا از ۲/۸۰ دلار آمریکا به ۲/۴۰ دلار آمریکا کاهش یافت، استرالیا عملاً منطقه استرلینگ را ترک کرد، اما تصمیم گرفت پیوند خود را با دلار آمریکا بر اساس یک دلار استرالیا = ۱/۱۲ دلار آمریکا حفظ کند (از این رو ارزش آن در مقابل پوند استرلینگ افزایش یافت).

اولین نسخه های کاغذی دلار استرالیا در سال ۱۹۶۶ منتشر شد. اسکناس های ۱، ۲، ۱۰ و ۲۰ دلاری معادل های دقیقی در اسکناس های پوند سابق داشتند. اسکناس ۵۵ دلاری در سال ۱۹۶۷، ۵۰ دلاری در سال ۱۹۷۳ و ۱۰۰ دلاری در سال ۱۹۸۴ منتشر شدند.

اسکناس ۵۰ دلاری و بازتاب استرالیا

در میان اسکناس های ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ دلاری، به نظر می رسد اسکناس ۵۰ دلاری بهتر و بیشتر تاریخ، فرهنگ و سیاست استرالیا را بازتاب می دهد. در واقع، این اسکناس شرح کشور شدن استرالیا و تلاش آن از رهگذر شاعران، نویسندگان و کنشگران پیشرو برای رسیدن به هویتی متمایز از امپراتوری بریتانیای کبیر را نشان می دهد.

روی این اسکناس «دیوید نگونایتپونی»، معروف به «دیوید اونیپون»، از بومیان استرالیا و متعلق به قوم نگارندری بود. او واعظ، مخترع و نویسنده بود. کار کارستان اونیپون و دلیل ماندگاری او در تاریخ استرالیا، شکستن بسیاری از کلیشه ها در مورد بومیان استرالیا و نزدیک کردن جوامع بومی به مردمان مهاجر در اوج بدفهمی ها و ناملایمات بود. اونیپون شخصیتی چندوجهی و همه فن حریف داشت. او پنج سال تلاش کرد تا یک ماشین حرکت دائمی درست کند. به گفته برخی منابع، او برای ۱۹ اختراع به طور موقت حق اختراع گرفت، اما قادر نبود هیچ یک از اختراعات خود را به طور کامل ثبت کند. بین سال های ۱۹۱۰ و ۱۹۴۴ او دستگاه های مختلفی مانند یک دستگاه ضد گرانشی، یک چرخ چندشعاعی و یک ماشین پشم چینی اختراع کرد. اختراعات دیگر شامل یک موتور گریز از مرکز و یک پیشران مکانیکی بود. اونیپون به لئوناردو داوینچی استرالیا مشهور شد.

اونیپون نخستین نویسنده بومی بود که در اوایل دهه ۱۹۲۰ توسط دانشگاه آدلاید مأمور شد کتابی در مورد افسانه های بومیان جمع آوری کند. از سال ۱۹۲۴ به بعد او مقالات متعددی در مورد بومیان برای روزنامه سیدنی دیلی تلگراف نوشت. او سه کتابچه کوتاه از داستان های بومیان را در سال های ۱۹۲۷، ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ منتشر کرد. اونیپون همچنین درگیر مسائل سیاسی پیرامون امور بومیان بود و از حامیان سرسخت خودمختاری آنها محسوب می شد.

پشت اسکناس ۵۰ دلاری استرالیا، چهره «ادیت دیرکسی کوان»، اصلاح طلب اجتماعی و فعال حقوق و رفاه زنان و کودکان استرالیایی به چشم می خورد. او بیشتر به عنوان اولین زن استرالیایی شناخته می شود که در مقام نماینده مجلس خدمت کرده است. در سال ۱۸۹۴، کوان یکی از بنیان گذاران باشگاه کاراکاتا، نخستین باشگاه اجتماعی زنان در استرالیا بود. او در جنبش حق رأی زنان نقشی برجسته ایفا کرد. کوان همچنین از مدافعان برجسته آموزش عمومی و حقوق کودکان (به ویژه آنهایی که از مادران مجرد متولد می شدند) بود. او در سال ۱۹۰۶ به تأسیس انجمن حمایت از کودکان کمک کرد که لابی های آن به ایجاد دادگاه کودکان در سال بعد منجر شد. کوان یکی از مؤسسان انجمن خدمات زنان در سال ۱۹۰۹ بود و در سال ۱۹۱۱ بانی تأسیس شعبه ایالتی شورای ملی زنان شد. کوان در سال ۱۹۱۵ قاضی دادگاه کودکان و در سال ۱۹۲۰ قاضی صلح شد. در سال ۱۹۲۱، کوان به عنوان عضو حزب ناسیونالیست در مجلس قانون گذاری استرالیای غربی انتخاب شد و به نخستین نماینده زن در پارلمان استرالیا بدل شد.

خیلی دور، خیلی نزدیک

همان طور که گفته شد، آینده استرالیا با سه ابرچالش تغییرات آب و هوایی، پیری جمعیت و تهدیدات ژئوپلیتیکی چین پیوند خورده است. مشکل کار اینجاست که ابرچالش اول و سوم، جدای عزم داخلی و اصلاحات اساسی، نیازمند همکاری جهانی، دست کم با متحدان این کشور است. اگر استرالیا موفق به حل این چالش ها شود، به یکی از قدرتهای جهانی بدل خواهد شد؛ در غیر این صورت افول کرده و جایگاهی مانند زلاندنو خواهد داشت

استرالیا

- قاره: اقیانوسیه
- واحد پول: دلار استرالیا
- تعداد اسکناس های در گردش: ۵
- نماد: \$A
- کوچک ترین واحد: سنت
- بانک مرکزی: بانک ذخایر استرالیا
- GDP: ۱۶۰۵ تریلیون دلار
- (هجدهمین در جهان)
- درآمد سرانه: ۵۷،۹۴۱ دلار
- (نوزدهمین در جهان)

جهان

۶۱



پشت اسکناس ۲۰ دلاری استرالیا، چهره کشیش «جان فلین» است. تأسیس اولین آمبولانس هوایی جهان به نام او ثبت شده است.

«ماری ریبی» مشهور به خواهر هیدوک که چهره او بر اسکناس ۲۰ دلاری نقش بسته، تاجر، مالک کشتی و تاجر انگلیسی‌الصل بود که به‌عنوان محکوم به استرالیا منتقل شد، اما در ادامه به نویسنده و تاجری موفق و مشهور بدل شد.



«اندرو بارتون بانجو پاترسون»، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده استرالیایی بود. او تصنیف‌ها و شعرهای زیادی درباره زندگی استرالیایی نوشت. چهره او را بر ۱۰ دلاری استرالیا می‌بینیم.

«ماری جین گیلور» نویسنده و روزنامه‌نگار استرالیایی بود که به دلیل مشارکت‌های پر بارش در ادبیات استرالیا و گفتمان ملی شناخته شده است. گیلور آثار شگرف خود را تا دوران پیری حفظ کرد و آخرین کتاب شعر خود را در سال ۱۹۵۴ در ۸۹ سالگی منتشر کرد. گیلور در ۹۷ سالگی درگذشت. او هم نثر و هم شعر می‌نوشت. گیلور در نواحی روستایی نیو ساوت ولز به دنیا آمد و دوران کودکی خود را در اطراف رودخانه ریورینا گذراند. گیلور در ۱۶ سالگی به‌عنوان معلم مدرسه کارش را آغاز کرد. او خود را با جنبش روبه‌رشد کارگری درگیر کرد و همچنین یکی از ارادتمندان به دیدگاه‌های سوسیالیسم بود.



ژنرال «سر جان موناخ» یکی از بهترین ژنرال‌های متفقین در جنگ جهانی اول و مشهورترین فرمانده تاریخ استرالیا بود. تصویر او را پشت اسکناس ۱۰۰ دلاری استرالیا می‌بینیم.



«دیم نلی ملبا» که چهره‌اش روی ۱۰۰ دلاری استرالیا نقش بسته، یکی از مشهورترین خوانندگان اواخر دوران ویکتوریا و اوایل قرن بیستم و اولین استرالیایی بود که به‌عنوان یک موسیقیدان کلاسیک به شهرت بین‌المللی دست یافت.



روی اسکناس ۵۰ دلاری چهره «دیوید اوناپین» را می‌بینیم. او از حامیان سرسخت خودمختاری در استرالیا و همچنین اولین نویسنده بومی بود که مأمور شد کتابی را در مورد بومیان کشور جمع‌آوری کند.



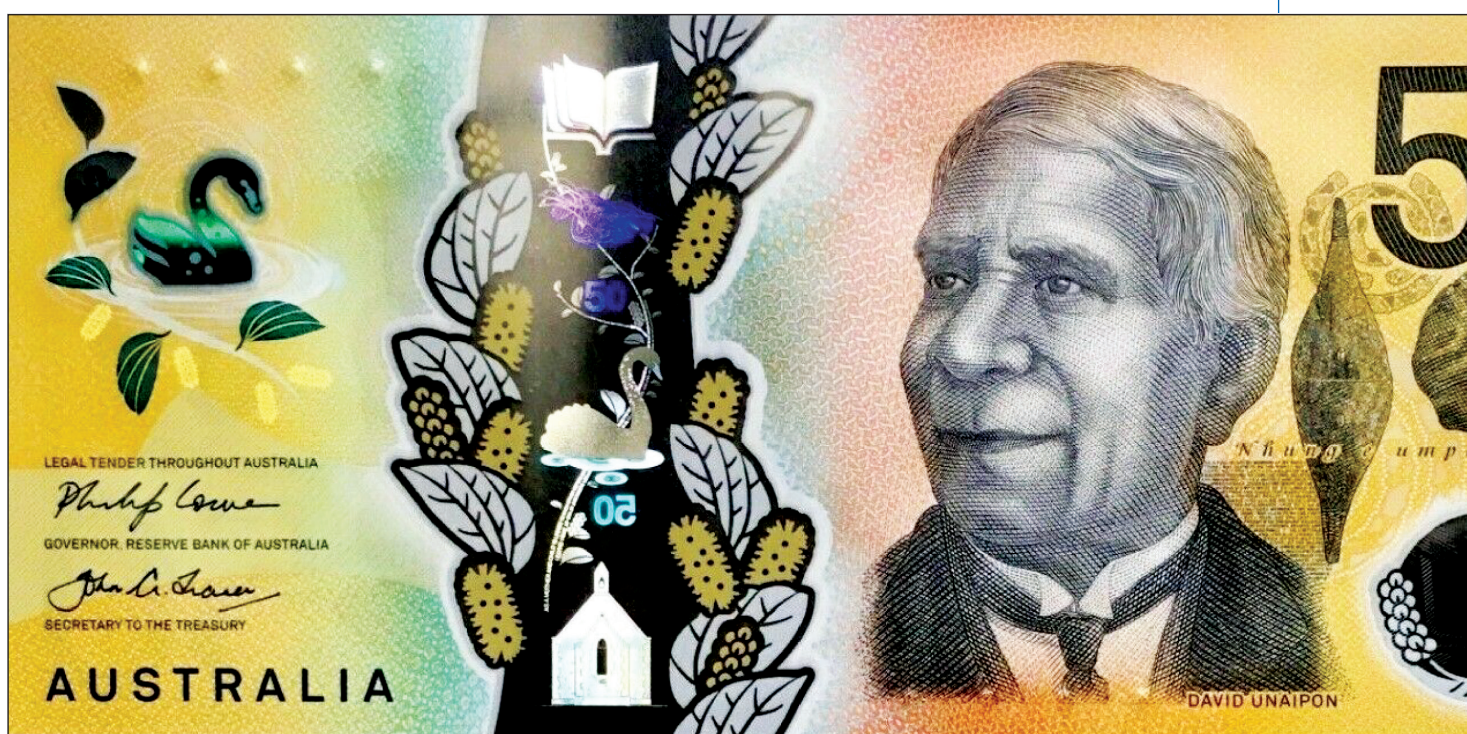


پشت ۵ دلاری، ساختمان پارلمان استرالیا، محل تشکیل جلسات پارلمان استرالیا و مقر قوه مقننه دولت استرالیا است. این بنا در کانبرا پایتخت این کشور قرار دارد و در ۹ می ۱۹۸۸ توسط الیزابت دوم ملکه استرالیا افتتاح شد. در طراحی این بنا از بومرنگ الهام گرفته شده است. ساختمان پارلمان دارای ۴۷۰۰ اتاق و فضاهای متنوع است. تالار بزرگ و خانه نمایندگان و نیز دفتر سناتورها بخش‌هایی از این سازه هستند. دفتر نخست‌وزیر استرالیا و سایر دفاتر وزارتی در قسمت نخست‌وزیری قرار گرفته است.



روی ۵ دلاری استرالیا، چهره، ملکه الیزابت دوم ملکه بریتانیا نقش بسته که آگوست ۲۰۲۲ در ۹۶ سالگی درگذشت.

«ادیت کوان» که چهره او را پشت ۵۰ دلاری استرالیا می‌بینیم، یک اصلاحگر اجتماعی استرالیایی بود که برای حقوق و رفاه زنان و کودکان، کار می‌کرد. او بیشتر به‌عنوان اولین زن استرالیایی شناخته می‌شود که به‌عنوان نماینده مجلس به مردم خدمت کرده است. کوان همچنین یکی از مدافعان اصلی آموزش عمومی و حقوق کودکان بود (به‌ویژه کسانی که از مادران مجرد متولد می‌شدند). او یکی از اولین زنانی بود که در یک هیئت آموزشی محلی خدمت کرد و در سال ۱۹۰۶ به تأسیس انجمن حمایت از کودکان کمک کرد که لایه‌های آن به ایجاد دادگاه کودکان در سال بعد منجر شد. کوان از بنیان‌گذاران انجمن خدمات زنان در سال ۱۹۰۹ بود و در سال ۱۹۱۱ به تأسیس شعبه ایالتی شورای ملی زنان کمک کرد.

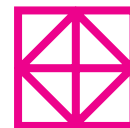




اکوادور به روایت اسکناس ۱۰۰۰ سوکره‌ای

رومیناوی؛ اسطوره واقعی

برای کسانی که ساکن آمریکای لاتین نیستند، اکوادور سرزمینی ناشناخته است که در نقشه جغرافیایی یا تخیلی جایی ندارد. خوب یا بد، تصاویر تکه‌تکه، کلیشه‌ها و فانتزی‌ها در مورد اکوادور بسیار محدود است. در میان افراد خارجی که کم‌وبیش با اکوادور آشنا هستند، این کشور عموماً به عنوان مکانی بکر و آرام تصور می‌شود که به راحتی می‌توان در آن به گشت‌وگذار پرداخت. به علاوه، این کشور هم از لحاظ قوم‌شناختی بسیار زیباست (به عنوان مثال، مردم بومی با لباس‌ها و پارچه‌های رنگارنگ) و هم از لحاظ تنوع بی‌مانند زیستی (آند، آمازون و گالاپاگوس). این تصاویر کولاز شده تا حدی ناشی از جهانی شدن است. اکوادور در دو دهه گذشته به عنوان یکی از مقاصد اصلی گردشگری مطرح شده و بافندگان و نوازندگان بومی اکنون برای بازاریابی کالاهای خود به اروپا و ایالات متحده سفر می‌کنند. همچنین اکوادوری‌ها یکی از گروه‌های مهاجر در ایالات متحده و اسپانیا هستند که سریع‌ترین رشد را دارند. برای رسانه‌های جریان اصلی، اکوادور یک تولیدکننده کوچک نفت محسوب می‌شود.



◀ مصائب بی‌پایان اقتصاد تک‌محصولی

اکوادور در نیمه اول دهه ۱۸۰۰ به استقلال دست یافت و در پایان این قرن، توسعه و ورود آن به اقتصاد جهانی -مانند بسیاری از اقتصادهای آمریکای لاتین- به واسطه صادرات «یک کالا» انجام شد. گسترش سطح زیر کشت کاکائو موجب توسعه دشت‌های ساحلی شد و تفاوت‌های منطقه‌ای را از یک سو، بین اقتصاد نواحی کوهستانی که تحت سلطه مالکان محافظه‌کار بود و از سوی دیگر، بین اقتصاد مزارع مبتنی بر صادرات که توسط نخبگان لیبرال کنترل می‌شد، تشدید کرد. این شکاف منطقه‌ای یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده چشم‌انداز اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرن بیستم اکوادور بوده است.

اقتصاد کاکائو در نخستین سال‌های دهه ۱۹۰۰ سقوط کرد و تا جنگ جهانی دوم، کشور را در بحران عمیق و دامنه‌داری فرو برد. نخبگان سیاسی قادر به اجماع نبودند و دولت مرکزی از اوایل دهه ۱۹۰۰ تا اواخر دهه ۱۹۴۰ بیش از ۲۰ بار دست‌به‌دست شد. این دوره همچنین شاهد افزایش سازمان‌های مردمی و توسعه سیاست توده‌ای مدرن مرتبط با پوپولیسم و لاسکو بود. لفاظی‌های پوپولیستی موجب تقابل بین مردمان بومی (سرخ‌پوست) و الیگارشی‌ها شد که به

نوبه خود به بسیج توده‌ای و ادغام اکوادوری‌ها در سیستم سیاسی کمک کرد. در واقع، دموکراسی در اکوادور عموماً سمت‌وسویی توده‌ای داشته، به همین خاطر بسیاری اوقات مورد سوءاستفاده نظامیان یا سیاستمداران جاه‌طلب قرار گرفته است.

دوره پس از جنگ نیز به همان اندازه پر آشوب بوده است. رونق موز در دهه ۱۹۵۰ آغازگر دوره‌ای از ثبات نسبی سیاسی بود، اما در نهایت وابستگی کشور به صادرات را تشدید کرد؛ فرایندی که در طول رونق نفت در دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. فضای سیاسی پس از جنگ آمریکای لاتین، تقریباً همه چیز به خود دیده است؛ از جمله عوام‌فریبی پوپولیستی، دیکتاتوری‌های نظامی، حذف شبه‌قانونی رؤسای جمهور منتخب دموکراتیک،



فساد سیاسی گسترده، ترور و کلاهی خوش نام، تورم افسارگسیخته، جنبش‌های قدرتمند بومی، تخریب جنگل‌های بارانی، شهرنشینی کنترل نشده و مهاجرت فزاینده به ایالات متحده و اروپا.

◀ بازگشت بومی

وضعیت بومیان از همه تراژیک‌تر بود؛ جوامع شان تکه‌تکه، سرزمین‌هایشان ویران و فرهنگ‌شان به حاشیه رانده شد و مورد تمسخر قرار گرفت. اما دهه ۱۹۹۰، اوج رستاخیز بومیان بود که تلاش می‌کردند با مقاومت مدنی به حقوق پایمال شده خود دست یابند. در اثر این تلاش‌ها، وضعیت آنها در حال حاضر، قابل مقایسه با گذشته نیست. با این همه، رفع تبعیض از این جامعه همچنان به سال‌ها زمان احتیاج دارد. سلطه قومی در مناطق حاصلخیز نهادینه شد. مالکان بیشتر زمین‌ها را تحت کنترل خود داشتند و از هر حربه‌ای برای عدم اعطای حق رأی به دهقانان بومی به بهانه بی‌سوادی استفاده می‌کردند! اصلاحات ارضی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به این نهاد پایان داد و فضاهای سیاسی را ایجاد کرد که مشتاقانه توسط سازمان‌های بومی، آفریقایی تبارهای اکوادور و دهقانان پذیرفته شد. در واقع، ظهور جنبش‌های قومی بدون شک مهم‌ترین رویداد در اکوادور در طول دهه ۱۹۹۰ بود. در سال ۱۹۸۶، پس از یک دوره طولانی سازمان‌دهی، بومی‌ها سازمان قدرتمندی با عنوان کنفدراسیون بومیان اکوادور تأسیس کردند. این سازمان، در خط مقدم مخالفت با سیاست‌های تعدیل ساختاری بوده و مانع اجرای کامل سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول شده است. این سازمان همچنین مبلغ ادعاهای قومیتی مانند آموزش دوزبانه و تغییر هویت ملی از مستیزو به چندملیتی بوده است. اعتراضات بومیان حتی در برکناری سه رئیس‌جمهور منتخب از سمت خود نقش مهمی بر عهده داشته است؛ «ابدالابوکارام» در فوریه ۱۹۹۷، «خورخه جمیل مهوود» در ژانویه ۲۰۰۰ و «لوسیو گوتیرز» در آوریل ۲۰۰۵. این سازمان تا روزگار حاضر مهم‌ترین نهاد بومیان است و سهم مهمی در هماهنگی و توسعه آنها داشته است. با این همه، اعتراضات بومیان با سرکوب اندک دولتی مواجه

شده است. مقامات دولتی از جمله رؤسای جمهور با گرایش‌های ایدئولوژیک متفاوت وارد گفت‌وگوهای ملی شده‌اند و برخی ادعاهای بومیان را پذیرفته‌اند.

◀ سوکره اکوادور

سوکره واحد پول اکوادور بین سال‌های ۱۸۸۴ تا ۲۰۰۰ بود. سوکره به ۱۰ دسیمو و ۱۰۰ سنتاوس تقسیم می‌شد. سوکره برگرفته از نام «آنتونیو خوزه دوسوکره»، رهبر سیاسی آمریکای لاتین است. همان‌طور که پیش از این نیز گفتیم، در نتیجه بحران مالی ۱۹۹۹-۱۹۹۸، این ارز با دلار ایالات متحده جایگزین شد. پزوی اکوادور در ۲۲ مارس ۱۸۸۴ به سوکره تغییر نام داد و سپس تحت استاندارد نقره درآمد. کاهش قیمت بین‌المللی نقره در طول دهه ۱۸۹۰، اکوادور را بر آن داشت تا در سوم نوامبر ۱۸۹۸ به استاندارد طلا روی آورد و سوکره به ۲۲۴/۷۳۲ میلی گرم طلا (معادل دو شیلینگ استرلینگ) گره خورد. از سال ۱۹۸۳ نوسان شدید سوکره شروع شد و ارزش آن به‌صورت روزانه کاهش پیدا کرد، به گونه‌ای که تنها در هفته اول مارس ۱۹۹۵، ۱۷ درصد از ارزش آن کاسته شد و قیمت هر دلار به ۲۵ هزار سوکره رسید. سرانجام در ۹ ژانویه، «جمیل مهوود»، رئیس‌جمهور اعلام کرد که دلار آمریکا قرار است به‌عنوان واحد پول رسمی اکوادور به کار گرفته شود، البته دلار آمریکا پیش از اتخاذ این تصمیم در اکوادور استفاده غیررسمی گسترده‌ای داشته است. دلار آمریکا در ۱۳ مارس ۲۰۰۰ در اکوادور به ارز قانونی تبدیل شد، زیرا اسکناس‌های سوکره در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۰ به‌عنوان ارز قانونی متوقف شدند.

◀ اسکناس ۱۰۰۰ سوکره‌ای و بازتاب اکوادور

احتمالاً در بین اسکناس‌های مختلف سوکره؛ ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۵۰۰۰، ۱۰۰۰۰ و ۲۰۰۰۰، اسکناس ۱۰۰۰ سوکره‌ای بهتر و بیشتر ناخودآگاه جمعی و روح ملی اکوادوری‌ها را بازتاب می‌دهد. «امبرتو آکو»، فیلسوف و نشانه‌شناس شهیر ایتالیایی می‌گوید: «بدون حماسه و اشعار حماسی از ملت‌ها هیچ چیز نمی‌ماند. آنها مرتباً به حماسه‌ها رجوع می‌کنند، به‌ویژه در دوران آشوب و ناامنی، تا امید در دل‌شان زنده شود.» بی‌گمان، حماسه بر بیشتر تاریخ سایه افکنده، به‌خصوص حماسه‌های ملی. در بطن هر کدام از آنها روایتی اسطوره‌ای از زایش دوباره یک ملت دیده می‌شود. اگرچه رومیناوی شخصیتی واقعی است، اما در میان اکوادوری‌ها بسان اسطوره دیده می‌شود. او مانند همه قهرمانان اساطیری به‌ناگهان روزی از شهری ظهور می‌کند و با عمل خارق‌العاده خود در تاریخ جاودانه می‌شود. به‌ویژه آنکه رومیناوی از بومیان اکوادور است که حتی در زمان حاضر نیز دچار تبعیض هستند. دلیل همذات‌پنداری اکوادوری‌ها با رومیناوی این است که آنها سیمای سیاست‌مدار ایده‌آل را در او می‌بینند؛ قهرمانی فسادستیز و ضداستعمار که حتی به‌قیمت مرگ به دشمن باج نمی‌دهد و سرانجام کشور و مردمان آن را نجات داده و در جهان شهره عام و خاص می‌کند. رومیناوی در سال ۱۵۳۳ مقاومت علیه اسپانیایی‌ها را در قسمت شمالی امپراتوری اینکاها (اکوادور امروزی) رهبری کرد. طبق سنت، او دستور داد گنج شهر را پنهان کنند و شهر را بسوزانند تا از غارت توسط اسپانیایی‌ها جلوگیری شود. بر اساس روایت‌های تاریخی (و حماسی) او را دستگیر کردند و ذره‌ذره اعضای بدنش را بریدند، اما او هرگز محل گنج را فاش نکرد. می‌گویند جسدش ماه‌ها بر بالای درختی آویزان بود تا خوراک پرندگان شود. به این ترتیب او به قهرمانی ملی بدل شد و هر سال اول دسامبر به‌عنوان روز برگداشت او جشن گرفته می‌شود.

◀ راه دشوار آینده

اکوادور از ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالقوه مطلوبی برای توسعه برخوردار است. به‌علاوه، نسبت به بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین کمتر درگیر خشونت بوده است. در واقع، نیروهای مسلح این کشور هیچ‌گاه دست به کشتار هم‌وطنان خود نزده‌اند. حتی جاه‌طلب‌ترین دیکتاتورها هم نتوانسته‌اند از ارتش برای سرکوب مردم استفاده کنند. نابرابری و بی‌عدالتی عمیقاً در فرهنگ و اقتصاد اکوادور ریشه دوانده، اما در عین حال جهانی شدن باعث شده روند توسعه در این کشور آهنگ بهتری به خود بگیرد. مردم بومی، دهقانان، زنان، دانش‌آموزان، کارگران و دیگر مردمان، نظم قدیمی تر ارباب-رعیتی را برچیده‌اند و به‌نسبت همسایگان خود، سیستم سیاسی نسبتاً باز و پاسخگویی بنیان گذاشته‌اند. در واقع، اکوادور عمیقاً توسط مبارزات مردمی دموکراتیزه شده است. بازبودن نسبی نظام سیاسی و عدم تمایل نخبگان به سرکوب، فضای مساعدی را برای پیشرفت ایجاد کرده است. با این حال خطر نابودی نهادهای لیبرال دموکرات یک تهدید دائمی است. دموکراسی بدون برابری اجتماعی و در میان آشفتگی دائمی اقتصادی متزلزل است. ♦

اکوادور

- قاره: آمریکای جنوبی
- واحد پول: دلار آمریکا (قبلاً سوکره)
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۷
- نماد: \$
- کوچک‌ترین واحد: سنت
- بانک مرکزی: بانک مرکزی اکوادور
- GDP: ۲۰۲۰۴۴ میلیارد دلار (نامعلوم)
- درآمد سرانه: ۱۱۷۰۱ دلار (نامعلوم)



چهره «رومینای»، یکی از قهرمانان جنگ اینکاها با استعمارگران اسپانیایی دیده می‌شود. پس از مرگ امپراتور آتاوالپا، او در سال ۱۵۳۳ مقاومت علیه اسپانیایی‌ها را در قسمت شمالی امپراتوری اینکاها (اکوادور امروزی) رهبری کرد. طبق سنت، او دستور داد گنج شهر را پنهان کنند و شهر را بسوزانند تا از غارت توسط اسپانیایی‌ها جلوگیری شود. اگرچه اسیر و شکنجه شد، اما هرگز گنج را فاش نکرد. از سال ۱۹۸۵، اول دسامبر به‌عنوان روز بزرگداشت او جشن گرفته می‌شود.

چهره «خوان ماریا مونتالووی فیالوس»، نویسنده و مقاله‌نویس اکوادوری دیده می‌شود. او روح سرکش و ناآرامی داشت و در اظهارنظرهای سیاسی و مذهبی بی‌پروا بود، به این خاطر مغضوب سیاستمداران و کلیسای کاتولیک بود و بیشتر عمر خود را در تبعید در پاریس گذراند. مشهورترین اثر او دنباله‌ای است که بر دن کیشوت «میکل دوسروانتس» به نام «فصل‌های فراموش شده سروانتس» نوشت که پس از مرگ در سال ۱۸۹۵ منتشر شد. اوسرانجام بر اثر بیماری سل در پاریس درگذشت. جسد مومیایی شده او اکنون در مقبره‌ای در زادگاهش، آمباتو قرار دارد.



پشت اسکناس ۵۰۰۰ سوکره‌ای نمایی از تنوع زیستی بی‌نظیر اکوادور به چشم می‌خورد. اکوادور یکی از هفده کشور با تنوع بسیار زیاد در جهان محسوب می‌شود.

نشان رسمی اکوادور که در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۰ توسط کنگره تصویب شد، به چشم می‌خورد.



نشان رسمی اکوادور که در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۰ توسط کنگره تصویب شد، به چشم می‌خورد.

«سیمون بولیوار»، فرمانده انقلابی و سیاستمدار ونزوئلایی، رهبر انقلاب‌های آزادی‌بخش آمریکای لاتین از استعمار اسپانیا است.



نشان رسمی اکوادور

بنای تاریخی پاسیو لوس پروسرس (گذر قهرمانان) در شهر کاراکاس ونزوئلا، نزدیک فورت تیونا و آکادمی نظامی ارتش بولیوار دیده می‌شود.





پشت اسکناس ۱۰,۰۰۰ سوکره‌ای، تصویر میدان استقلال، میدان عمومی اصلی و مرکزی کیتو، دیده می‌شود. ویژگی اصلی این میدان، قرارگرفتن بنای یادبود قهرمانان استقلال در مرکز آن است. این میدان توسط کاخ کاروندلت، کلیسای جامع متروبولیتن، کاخ اسقف اعظم، کاخ شهرداری و هتل پلازا گراند احاطه شده است.

چهره «ویسنته روکافورتته»، یکی از چهره‌های تأثیرگذار در سیاست اکوادور و رئیس‌جمهور سابق این کشور دیده می‌شود. او در یک خانواده اشرافی در گویاکیل اکوادور به دنیا آمد و در جوانی برای تکمیل تحصیلاتش به مادرید فرستاده شد. او در سال ۱۸۰۷ به اکوادور بازگشت و متعهد شد که سرزمین خود را ابتدا از سلطه اسپانیا و سپس از جمهوری کلمبیا آزاد کند.



نشان رسمی اکوادور که در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۰ توسط کنگره تصویب شد، به چشم می‌خورد.



چهره «سیاستین د بلالکازار»، فاتح اسپانیایی اکوادور دیده می‌شود. دی بلالکازار به‌عنوان بنیان‌گذار شهرهای مهم استعماری اولیه در بخش شمال غربی آمریکای جنوبی شناخته می‌شود.



چهره «آنتونیو خوزه د سوکره»، معروف به «گرن ماریسکال د ایاکچو» دیده می‌شود. او رهبر استقلال ونزوئلا بود که به‌عنوان رئیس‌جمهور پرو و دومین رئیس‌جمهور بولیوی خدمت کرد. سوکره یکی از نزدیک‌ترین دوستان «سیمون بولیوار» بود. به دلیل تأثیر او بر امور ژئوپلیتیک آمریکای لاتین، تعدادی از اماکن مهم در این قاره اکنون نام سوکره را بر خود دارند.



نشان رسمی اکوادور که در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۰ توسط کنگره تصویب شد، به چشم می‌خورد. در پس‌زمینه این سپر بیضی‌شکل، کوه چیمپورازو قرار دارد، در حالی که رودخانه خروشان گویاس در دامنه آن جاری است. چیمپورازو همچنین بلندترین کوه اکوادور و بخشی از رشته‌کوه آند است. قایق بخار روی رودخانه نیز گویاس نام دارد. این کشتی در گویاکیل ساخته شد و اولین کشتی بخاری بود که هم در اکوادور و هم در کل آمریکای جنوبی ساخته شد.



آمریکا به روایت اسکناس دلاری

اسکناسی که به اندازه پای سیب آمریکایی است



وقتی هفت اسکناس دلار - یعنی ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ دلاری - را با وسواس کنار هم بچینیم و بادقت به تمام نمادهای و زوایای پیدا و پنهان آن بنگریم، احتمالاً هیچ کدام به اندازه اسکناس دلاری بازتاب تاریخ، سیاست و اقتصاد ایالات متحده نیست. در ایالات متحده، برای هر چیزی که بخواهند اصالت آمریکایی آن را اثبات کنند، از این ضرب المثل استفاده می کنند که «به اندازه پای سیب آمریکایی است»، بی گمان اسکناس دلاری نیز مصداق تام و تمام این ضرب المثل است و کمتر پولی مشابه آن می توان جست و جو کرد.



◀ ینگه دنیا و دگرگونی امر اقتصادی-اخلاقی

اسکناس دلاری بیش از هر چیز تجسم «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری» وبر است؛ جایی که گروه های انبوهی از مردم برای درگیر شدن با کار در جهانی عرفی، توسعه بنگاه ها و پرداختن به تجارت و تجمیع ثروت برای سرمایه گذاری برانگیخته شدند. پول و بازار هزاران سال است که وجود داشته، با این حال، به همان اندازه که پول در روزگار اخیر دارای موقعیت کانونی است، مردم در جوامع متفاوتی مانند یونان باستان، چین، اروپای قرون وسطی و حتی آمریکای مستعمره، رفاه ساکنان را بر حسب درآمدهای پولی یا بازده اقتصادی اندازه گیری نمی کردند. در اواسط قرن نوزدهم، ابتدا ایالات متحده و بعدها دیگر کشورهای صنعتی مانند انگلستان و آلمان از این الگوی تاریخی خارج شدند. پس از آن بود که تاجران و سیاست گذاران آمریکایی شروع به اندازه گیری پیشرفت بر حسب مبالغ دلاری کردند و رفاه اجتماعی را بر اساس ظرفیت مردم برای ایجاد درآمد محاسبه کردند. این تغییر اساسی، در طول زمان، نه تنها نحوه ارزیابی آمریکایی ها از سرمایه گذاری ها و کسب و کارها

را دچار دگرگونی کرد، بلکه جوامع، محیط شان و حتی خودشان را نیز تغییر داد. امروزه ممکن است سنجش رفاه به روش غیر پولی دشوار به نظر برسد، اما معیارهای دیگر - از تعداد زندانی ها تا امید به زندگی - در طول تاریخ تأثیرگذار بوده است. در واقع، تا دهه ۱۸۵۰، محبوب ترین و غالب ترین شکل سنجش اجتماعی مجموعه ای از شاخص ها بود که در آن زمان به عنوان «آمار اخلاقی» شناخته می شد و پدیده هایی مانند فحشا، حبس، سواد، جرم و جنایت، تحصیلات، جنون، فقر، امید به زندگی و بیماری را مورد سنجش قرار می داد. این آمارهای اخلاقی شدیداً پدرسالارانه به طور مستقیم بر وضعیت جسمی،

ایالات متحده آمریکا

- قاره: آمریکای شمالی
- واحد پول: دلار
- تعداد اسکناس‌های در گردش: ۷
- نماد: \$
- کوچک‌ترین واحد: سنت
- بانک مرکزی: فدرال رزرو
- GDP: ۲۵٫۰۳ تریلیون دلار (دومین در جهان)
- درآمد سرانه: ۷۵٫۱۷۹ دلار (هشتمین در جهان)

دندان مصنوعی گذاشته بود و تا مدت‌ها عادت داشت که آنها را محکم روی هم فشار بدهد. جرج واشنگتن شاید تأثیرگذارترین مرد تاریخ آمریکا باشد. او نه تنها میهن پرستان را به پیروزی بر بریتانیا، ابر قدرت نظامی آن زمان رساند، بلکه رئیس کنوانسیون قانون اساسی در فیلادلفیا و نخستین رئیس جمهور «ایالات متحده» بود. هیچ یک از نمایندگان جرئت نداشتند با درشتی با او سخن بگویند و کج رفتاری کنند. چهره «جرج واشنگتن» (۱۷۹۹-۱۷۳۲) در مرکز اسکناس ۱ دلاری قرار دارد و نشان می‌دهد که روح او هنوز روح راهنمای تاریخ آمریکاست. اگر اسکناس ۱ دلاری را از وسط تا کنید، در مرکز چشم راست واشنگتن دیده می‌شود، گویی همه آمریکایی‌ها را خطاب قرار می‌دهد که باید بر اساس دیدگاه، شخصیت و ایمان او هدایت شوند. واشنگتن به عنوان عضوی از کلیسای «خالص» انگلیکن، اعتقادنامه رسول را مرتباً تکرار می‌کرد: «من به خدا، پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و به عیسی مسیح، تنها پسر او، خداوند ما، ایمان دارم.»

◀ قاب امگا

قاب اطراف واشنگتن نماد امگا از الفبای یونانی است؛ نمادی از پایان چیزها (W). خود واشنگتن توسط کسی هدایت شد که گفت خداوند می‌گوید: «من آلفا و امگا هستم، آغاز و پایان» (مکاشفه ۸: ۱). این نماد، واشنگتن را با آینده‌ای که آمریکا برای آن تلاش می‌کند، پیوند می‌دهد. ایمان او و خدای او هنوز سرنوشت آمریکا را هدایت می‌کند.

◀ مهر وزارت خزانه‌داری

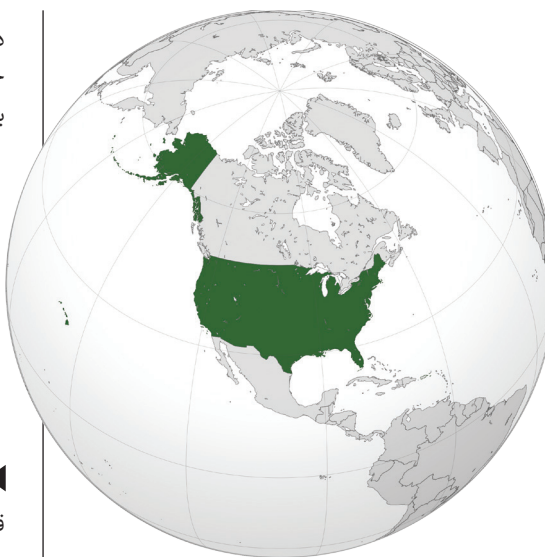
تراز و نماد عدالت و کلید نماد خدمت است. ۱۳ ستاره نمادهای ۱۳ مستعمره‌نشین هستند که روی مربعی که ظاهراً یک گونیای نجاری است، چیده شده است. نمادشناسی به ما می‌گوید که دولت امانت‌دار عمومی است و خادمان آن باید در انجام وظایف خود با نور حقیقت هدایت شوند.

◀ نشان بزرگ ایالات متحده آمریکا

دو دایره یا حلقه موجود روی اسکناس ۱ دلاری، نشان بزرگ آمریکاست. طراحی این نمادها در طول زمان دچار تحول شده‌اند، اما معنی آن اساساً بدون تغییر باقی مانده است. نماد عقاب به دلیل تمیزی و قدرت اسرارآمیز خود، به عنوان نماد خرد و آینده‌نگری انتخاب شده است. در ادبیات مسیحی، عقاب نماد بالاترین اقتدار یعنی اقتدار عیسی مسیح است (اعمال رسولان ۲: ۳۲). ۱۳ ستاره بالای سر عقاب در این نشان (و همین‌طور ۱۳ تیر در چنگال‌های چپ عقاب و نیز تعداد دانه‌های زیتون و برگ‌های شاخه زیتون) از سیزده ایالت اولیه آمریکا در زمان انقلاب آمریکا علیه استعمار بریتانیا حکایت دارد. عقاب در منقارش پارچه‌ای را نگه داشته که بر آن عبارت لاتین E Pluribus Unum نقش بسته است. این عبارت به معنای یک از بسیار است که از به وجود آمدن ایالات متحده از چندین ایالت به صورت یک کشور واحد حکایت دارد. بر خلاف امروز که بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند همه ادیان برابر هستند و هیچ مجموعه عقایدی از سایر باورها برتر نیست، در گذشته اصرار زیادی بر ادغام و هماهنگی فرهنگی - مذهبی وجود داشت. نظم جدید این ایده را تبلیغ می‌کند که آمریکا دیگر «دیگ جوشان» نیست که مردم باید در آن یکسان شوند (E Pluribus Unum)، بلکه یک «کاسه سالاد» است که در آن همه اجزا جدا جدا و با حفظ هویت خود در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

◀ ملت استثنایی

به طور کلی، اسکناس ۱ دلاری، بازتاب استثنائگرایی آمریکایی است. این باور روی اسکناس ۱ دلاری تجسد یافته که آمریکا «ارض موعود جدید» است. برخی از فرقه‌های مسیحی چون مورمن‌ها و برخی از پیوریتن‌ها، آمریکا را «اسرائیل یا ارض موعود جدید» می‌دانند و معتقدند عیسی مسیح در ایالات متحده ظهور می‌کند. در واقع، باور مستعمره‌نشینان اولیه بر این بود که آمریکا بار مقاصد رستگاری بخش خدا را در دوران جدید به دوش می‌کشد و به تنهایی از آزمون تاریخ سر بلند بیرون خواهد آمد. آمریکا برای خود آمریکایی‌ها مترادف مفهوم استثناست. دکترین استثنایی بودن آمریکا در جهان از همان آغاز کشف و تصرف این سرزمین و بعدها در جنگ‌های استقلال و پس از آن در نماد آمریکا به عنوان یک قدرت برتر، خود را به نمایش می‌گذارد. ریشه‌های استثنائگرایی آمریکایی به کتاب «عهد جدید» بازمی‌گردد که در آن لحظات بحرانی دارای معانی فرجام‌شناسانه می‌شود. به زبان استثنائگرایی آمریکایی، این بازیگر ایالات متحده است که به گفته «مادلین آلبرایت»: «ملتی استثنایی برای مواقع استثنایی است.» ♦



اجتماعی، روحی و روانی مردم آمریکا تمرکز داشت. چه خوب و چه بد، انسان‌ها را در مرکز بینش محاسباتی خود قرار دادند. واحد اندازه‌گیری آنها بدن و ذهن بود، نه دلار و سنت. با این حال، در اواسط قرن نوزدهم، شاخص‌های اقتصادی مبتنی بر پول شروع به برجسته‌تر شدن کردند و در نهایت جایگزین آمار اخلاقی به عنوان معیارهای اصلی رفاه آمریکا شدند. چه اتفاقی در اواسط قرن نوزدهم افتاد که به این گذار تاریخی بی‌سابقه منجر شد؟ پاسخ کوتاه و ساده است: سرمایه‌داری.

◀ فراتر از یک اسکناس

بسیاری از مردم جهان، این تصور نادرست را در مورد ایالات متحده دارند که این کشور از بدو تأسیس نظامی عرفی بوده است، اما مطالعه نمادهای روی اسکناس ۱ دلاری خلاف این باور رایج را ثابت می‌کند. اسکناس ۱ دلاری واحد اصلی پول ایالات متحده محسوب می‌شود. طراحی این اسکناس مملو از تصاویر نمادین است. نمادهای روی اسکناس ۱ دلاری ما را در مورد الهیات، فلسفه و ارزش‌های مستعمره‌نشینانی که در حال ساخت یک ملت جدید بودند، آگاه می‌کند. کلمه دلار از کلمه آلمانی Taler (تالر یا دالر) گرفته شده است؛ نامی که به سکه‌های آلمانی ساخته شده در سال ۱۵۱۹ اختصاص داده شده بود. این سکه به دلیل ضرب آن در یواخیم‌شتال - شهری در «بوهیمیا» ی آن زمان - به این اسم نام‌گذاری شد و در انگلیسی به معنای «دره سنت یواخیم» بود. دو میلیون از این سکه‌ها بین سال‌های ۱۵۲۰ تا ۱۵۲۸ ضرب شده‌اند. یک روی سکه مسیح مصلوب شده و روی دیگر تصویر مار آویزان شده از صلیب را نشان می‌دهد. در طرف شیر، علامت اختصاری «NU» و در طرف خط، عدد «۲۱» ذکر شده بود. علامت دلار (\$) نمادی از مار روی صلیب است.

◀ چهره جرج واشنگتن

چهره جرج واشنگتن به سفارش «مارتا واشنگتن» و توسط «گیلبرت استوارت»، هنرمند آمریکایی در سال ۱۷۹۶ کشیده شد. جالب اینجاست که اخم روی صورت جرج واشنگتن به این دلیل بود که به تازگی

جهان

۹۹

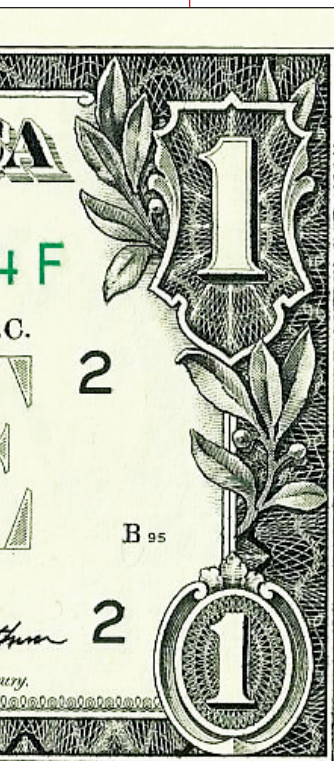
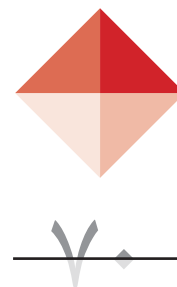
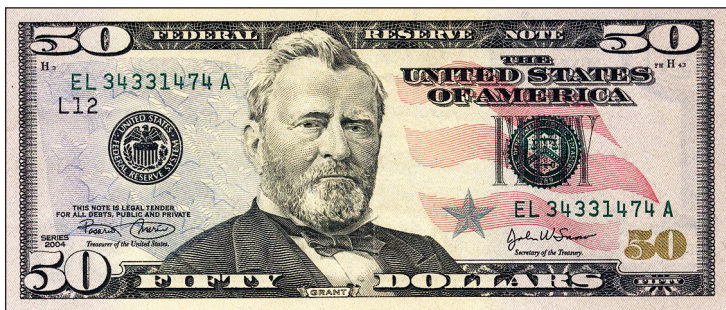


▲ «آندرو جکسون» وکیل، سرباز و دولت‌مرد آمریکایی بود که به‌عنوان هفتمین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا بین سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۷ میلادی مسئولیت ریاست‌جمهوری آمریکا را بر عهده داشت.



▲ پشت اسکناس ۲۰ دلاری ساختمان کاخ سفید، محل کار و اقامت‌گاه رسمی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را تصویر کرده است. کاخ سفید در پلاک ۱۶۰۰، خیابان پنسیلوانیا، واشنگتن دی‌سی واقع شده است.

چهره «یولیسز سایمن گرانت»،
هجدهمین رئیس‌جمهور آمریکا را
به تصویر کشیده شده که شامل مجلس
سنا و مجلس نمایندگان است.



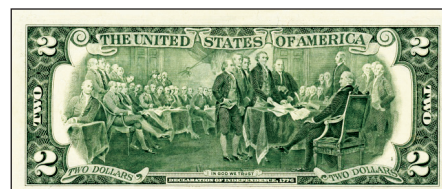
چهره «جرج واشنگتن»،
رهبر سیاسی، ژنرال
نظامی، دولت‌مرد
آمریکایی و اولین
رئیس‌جمهور ایالات
متحده روی ادلاری
آمریکاست. او یکی
از بنیان‌گذاران ایالات
متحده آمریکاست.
جرج واشنگتن در جنگ
فرانسه و هند آموزش
نظامی دید و فرماندهی
اولیه خود را در ویرجینیا
انجام داد.

▲ نشان بزرگ ایالات متحده آمریکا نشانی است که با آن مدارک و اسناد رسمی این کشور رسمیت پیدا می‌کند. این نشان نخستین بار در سال ۱۷۸۲ به کار رفت.

▼ روی ۱۰۰ دلاری چهره «بنجامین فرانکلین»، یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده آمریکا نقش بسته است. فرانکلین نویسنده، چاپخانه‌دار، طنزنویس، نظریه‌پرداز سیاسی، سیاست‌مدار، فراماسون، رئیس پست، دانشمند، مخترع، فیزیک‌دان، فعال مدنی، مرد سیاسی و دیپلمات بود.

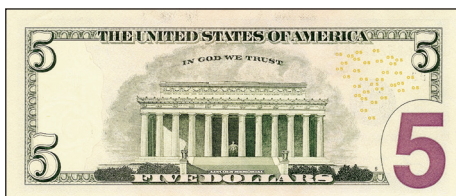


▲ پشت اسکناس ۱۰۰ دلاری آمریکا، ساختمان تالار استقلال، کانون توجهات در پارک ملی تاریخی استقلال واقع در فیلادلفیا، پنسیلوانیا را به تصویر کشیده است. عمده شهرت این تالار به سبب آن است که اعلامیه استقلال و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در این تالار مورد بحث و تصویب قرار گرفتند.



اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ به تصویب کنگره قاره‌ای رسید. این اعلامیه عمدتاً توسط توماس جفرسون نگاشته شده بود. همه‌ساله چهارم ژوئیه - سالروز تأیید متن و عبارت‌بندی اعلامیه توسط کنگره - به‌عنوان روز استقلال آمریکا جشن گرفته می‌شود.

«توماس جفرسون»، یکی از متفکران اصلی و بنیان‌گذاران آمریکا، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و سومین رئیس‌جمهور آمریکا طی دو دوره متوالی چهارساله از ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ میلادی بود. جفرسون با وجود عدم تمایل در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۷۹۶ آمریکا نامزد شد. البته «جان آدامز» پیروز این انتخابات شد.



یادبود لینکلن از بناهای مشهور شهر واشنگتن دی‌سی در آمریکاست. مقصود از این بنا بزرگداشت آبراهام لینکلن است.

«آبراهام لینکلن»، دولت‌مرد و وکیل آمریکایی بود که از سال ۱۸۶۱ تا زمان ترور او در سال ۱۸۶۵ به‌عنوان شانزدهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا خدمت می‌کرد. لینکلن کشور را در زمان جنگ داخلی آمریکا و بزرگ‌ترین بحران سیاسی کشور رهبری کرد.



ساختمان وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا را به تصویر کشیده که یکی از ۱۵ وزارتخانه دولت فدرال ایالات متحده آمریکاست. این وزارتخانه در سال ۱۷۸۹ طبق لایحه کنگره برای مدیریت سود مالی دولت تأسیس شد و توسط وزیر خزانه‌داری که عضوی از کابینه ایالات متحده آمریکاست، مدیریت می‌شود.

«الکساندر همیلتون»، دولت‌مرد آمریکایی و از پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا بود. او از مفسران اثرگذار قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و نیز مؤسس نظام مالی این کشور، حزب فدرالیست، گارد ساحلی ایالات متحده آمریکا و روزنامه نیویورک پست بود. همیلتون به‌عنوان نخستین وزیر خزانه‌داری، مؤلف سیاست‌های اقتصادی دولت جرج واشنگتن بود.



راززدایی از نهاد سلطنت

ظهور فوتبال به منزله یک ورزش متعلق به طبقه کارگران بریتانیایی، منعکس کننده آرزوهای آنها برای شمول اجتماعی توانمندسازی سیاسی، عدالت و انصاف است. در طول قرن بیستم، فوتبال به دلیل سهم ویژه‌ای که در ساختن دولت-ملت و طبقات اجتماعی داشت، جایگاه برجسته‌ای در توسعه وحدت و اجماع بریتانیا داشت. به طور دقیق‌تر، فوتبال بریتانیا را قادر ساخته تا یک منطق یکپارچه را در کنار هم نگه دارد، منطقی که در نهایت موجب به رسمیت شناختن طبقه کارگر به عنوان بخشی از ملت شد. آیین‌های فوتبال در اختراع سنت‌های معاصر در انگلستان سهم بسزایی داشتند. اتحاد مجدد افراد با موقعیت اجتماعی مشابه یا متفاوت در یک استادیوم یا در یک تیم، پیوندها و فاصله‌های اجتماعی را روشن می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد تا خود را درون یک «هویت واحد» بازتعریف کنند.



◀ شبکه ایمن در اضطراب و جنگ

در سنت بریتانیایی، فوتبال ارتباط تنگاتنگی با مسئله جایگاه طبقه کارگر در جامعه دارد. در حالی که ویژگی فرهنگی-اجتماعی ورزش‌های خاصی مانند تنیس و گلف، کارگران یدی را حذف می‌کرد، باشگاه‌های فوتبال به عنوان محصول جامعه‌پذیری طبقه کارگر و فرهنگ خیابانی مردانه ظاهر شدند و به نمادی از فرهنگ مستقل طبقه کارگر تبدیل شدند. به عنوان مثال، «وستهام یونایتد»، ریشه در اعتصاب کارگران در شرکت کشتی‌سازی تیمز داشت؛ زمانی که شرق لندن از یک رکود اقتصادی شدید رنج می‌برد. «آرنولد هیلز»، رئیس شرکت، پیشنهاد ایجاد یک باشگاه فوتبال برای کارکنان شرکت را به عنوان روشی برای بهبود روحیه آنها پذیرفت. بیشتر بازیکنان و هواداران، افراد طبقه کارگری بودند که روح اجتماعی باشگاه را ارزشمند می‌دانستند. این امر تا حدودی نشان دهنده نظم اجتماعی و همبستگی طبقاتی در پایان دهه ۱۸۹۰ بود؛ «فقر مردم عادی با یک سخاوت نسبت به دیگرانی مانند خود، با طیف وسیعی از وابستگی‌ها، بلندپروازی‌ها، ارزش‌ها و نگرانی‌ها توأم بود». هواداران باشگاه‌های فوتبال به عنوان شکلی از دموکراسی مشارکتی در نظر گرفته می‌شدند؛ بازیکنان به عنوان نمایندگان حامیان و ارزش‌ها و خرده فرهنگ‌هایشان تلقی می‌شدند. دستیابی فوتبال به چنین موفقیت بزرگی، به دلیل تجسم حس اجتماع در محافل مردمی بود. زندگی ورزشی باعث ایجاد انسجام طبقاتی در بین کارگران بریتانیایی شد: «طبقه کارگر صنعتی انگلیس نه از نظر سیاسی و نه از نظر فرهنگی همگن و یکدست نبود، اما عشق به فوتبال تقریباً بیش از هر چیز دیگری آنها را متحد کرد.»





با وجود این، پس از جنگ جهانی دوم، توهم دموکراسی مشارکتی از بین رفت، زیرا مدیران به دنبال جذب و ترویج بازی برای «مصرف کنندگان اوقات فراغت» طبقه متوسط و ثروتمند بودند. فوتبال به طور فزاینده‌ای کالایی، حرفه‌ای و «بورژوازی» شد. در نتیجه، افزایش پخش تلویزیونی، فوتبال حرفه‌ای را به کالایی بورژوازی تبدیل کرد و بیش از ۱۰ میلیون بیننده مهم‌ترین مسابقات دسته اول و دوم در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۹ مشاهده کردند.

علاوه بر این، فوتبال به عنوان یک ورزش «ملی» از وجودی موازی - اغلب درهم تنیده - برخوردار بوده است؛ یک شکل فرهنگی آن قدر محبوب و معنادار که بتوان آن را نماد بریتانیایی بودن و به طور کلی ملیت بریتانیا در نظر گرفت. در همین راستا «پاتریک میگنون» استدلال می‌کند که فوتبال از طریق فضایل آن به بخشی از فرهنگ بریتانیا تبدیل شد؛ حدود سال ۱۹۲۶، «بازی جوانمردانه» دیگر نه به عنوان یک فضیلت اشرافی، بلکه به مثابه یک ارزش اجتماعی انگلیسی ابداع شد.

به‌ویژه در طول جنگ جهانی دوم، فوتبال بریتانیا خود را از مفاهیم صراحتاً ایدئولوژیک جدا کرد و به عنوان یک بازی ملی مورد استقبال قرار گرفت و به یک شبکه ایمنی ارزشمند برای یک ملت در حال جنگ و یک جمعیت مضطرب تبدیل شد. جنگ جایگاه مهمی در روایت ملی داشت و مفهوم وحدت را ایجاد و حفظ کرد، همچنین ایده‌های بریتانیایی بودن را که علیه دشمنان، هم در خارج و هم در داخل تعریف شده بود، تقویت کرد.

تاریخچه پوند استرلینگ

پوند استرلینگ یا به اختصار پوند، واحد رسمی پول پادشاهی بریتانیا، قلمروها و سرزمین‌های فرادریایی مرتبط با آن یعنی ولز، اسکاتلند، ایرلند شمالی، جزایر گرنزی، جزیره من، جزایر فالکلند (مالویناس)، جبل الطارق، سنت هلن، قلمرو بریتانیا در اقیانوس هند، جزایر ویرجین بریتانیا، جزایر تورکس و کایکوس، آنگویلا، مونتسرات، برمودا، جزایر کیمن، جزایر

پیت کرن و در نهایت آکراتاری و داکیلیاست. پوند استرلینگ به طور معمول با نماد £ یا به طور رسمی‌تر با مخفف GBP نمایش داده می‌شود.

پوند استرلینگ که بر اساس اسناد معتبر، قدیمی‌ترین واحد پول در حال استفاده جهان است، در بخش عمده‌ای از تاریخ انگلستان و بعدها بریتانیا، در گردش بوده است. در حال حاضر این ارز پس از دلار آمریکا، یورو و ین ژاپن، چهارمین ارز پرمعامله در بازار ارز است.

پوند استرلینگ بخش جدایی‌ناپذیری از هویت انگلیسی-بریتانیایی است، اما ریشه‌های آن به اروپا بازمی‌گردد. نام آن از کلمه «لیبرا» استخراج شده که در زبان لاتین به معنای وزن یا تعادل است. از این ریشه عبارت «لیبرا پوندو» ساخته شد که به معنای یکای وزن پوند است. استفاده از کلمه «لیبرا» قرن‌هاست که در زبان رایج در قلمرو بریتانیا منسوخ شده، ولی حضور آن به اشکال مختلف در نشانه‌های مربوط با واحد پول ادامه یافت.

ارتباط نمادین این یکای پول با یکای وزن در بریتانیا تصادفی نیست، چون در اصل ارزش یک پوند معادل یک پوند (۴۵۳/۵ گرم) نقره بوده است. با الهام از روش تقسیم «لیبرا» در روم باستان به یکاهای کوچک‌تر یعنی «سولیدوس» و «دناریوس»، پوند یکای پول بریتانیا نیز به ۲۰ شیلینگ و ۲۴۰ پنی تقسیم می‌شد.

اولین بار سکه پوند در سال ۱۴۸۹ در دوران پادشاهی هنری هفتم به بازار آمد. در آن زمان به آن می‌گفتند سکه فرمانروا. سکه شیلینگ نیز اولین بار در سال ۱۵۰۴ ضرب شد. پول اسکناس به فاصله کوتاهی پس از تأسیس بانک مرکزی انگلستان در سال ۱۶۹۴ به گردش درآمد. سکه‌های طلا از سال ۱۵۶۰ به گردش درآمد و از سال ۱۶۷۲ نیز سکه‌های مسی به جمع پول‌های رایج افزوده شد. معیار تقسیم پوند به ۱۲ شیلینگ و هر شیلینگ به ۱۲ پنی تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت تا اینکه در این سال بریتانیا نیز در سیستم پولی خود تقسیم ۱۰ گانه را پذیرفت و به اجرا گذاشت.

اسکناس ۵ پوندی و بازتاب بریتانیا

احتمالاً در میان اسکناس‌های مختلف ۵، ۱۰، ۲۰ و ۵۰ پوندی، هیچ کدام به اندازه اسکناس ۵ پوندی بریتانیا را بازتاب نمی‌دهد. این اسکناس با سمبل‌های سیاست بریتانیا بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی «ملکه الیزابت دوم» و «وینستون چرچیل»، پیوند یافته است. این دو شخصیت، جدای از وجه نمادین‌شان، سیاست بریتانیا را در دهه‌های اخیر شکل داده‌اند.

اگرچه ملکه الیزابت زیاد مصاحبه نمی‌کرد و از ابراز نظرات سیاسی خود در ملاقات‌های عمومی اجتناب می‌ورزید، اما او نهاد سلطنت را از حالت «رمزوارگی» و مخفی بودن خارج کرد و آن را وارد زندگی روزمره بریتانیایی‌ها کرد؛ دقیقاً مثل قهوه ساعت هفت صبح و اخبار بامدادی BBC4. از این رو، در سال‌های اخیر، با بازآفرینی برند سلطنت توسط ملکه الیزابت، خانواده سلطنتی بیشتر به منزله سلبریتی دیده می‌شدند تا شخصیت‌های سیاسی. رویدادهایی چون مرگ پرنسس دایانا و ازدواج پرنس هری با مگان مارکل نیز کمک شایانی به تثبیت این چشم‌انداز کرد.

چهره پشت این اسکناس، به وینستون چرچیل اختصاص یافته است. اگرچه وینستون چرچیل با افسانه‌های بسیاری حول شخصیتش عجین شده و او را به نماد «مکاری» و «سیاست منفی» بدل کرده، اما تأثیرات او بر بریتانیای امروز غیرقابل انکار است. بیخود نیست که او در سال ۱۹۴۰ به عنوان مرد سال تایم انتخاب شد و در سال ۱۹۴۹ نیز از طرف این مجله به عنوان «مرد نیمه اول قرن بیستم» برگزیده شد.

فوتبال به مثابه مذهب مدرن

در طول قرن بیستم، فوتبال به عنوان ابزاری کلیدی برای یکپارچگی فرهنگی، ساخت هویت و انسجام اجتماعی عمل کرده است. از یک سو، زمین فوتبال محل ملاقات امیدهای مشترک «مردم عادی» و محل عبادت چیزی بوده که هابسبام آن را «دین سکولار» پرتوتاریای بریتانیا نامیده است. ساختار قدرتی که کارگران از طریق فوتبال ایجاد کردند نه تنها نشان‌دهنده سرخوردگی طولانی مدت آنها از نظام سیاسی بود، بلکه نشان‌دهنده همبستگی عمیق طبقاتی، سرسختی در مبارزات سیاسی و انتخاب مسیر دموکراتیک بود. از سوی دیگر، ملی شدن فوتبال با جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود، پیش درآمدی برای ادغام هویت کارگری بریتانیا و تثبیت یک بریتانیایی متکثر و فراگیر بوده است. ♦

انگستان

• قاره: اروپا

• واحد پول: پوند استرلینگ

• تعداد اسکناس‌های در گردش: ۶

• نماد: £

• کوچک‌ترین واحد: پنی

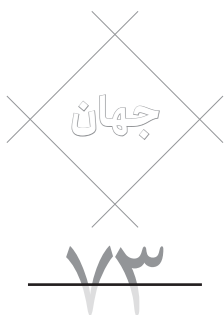
• بانک مرکزی: بانک انگلستان

• GDP: ۳٫۷۵۲ تریلیون دلار

(ششمین در جهان)

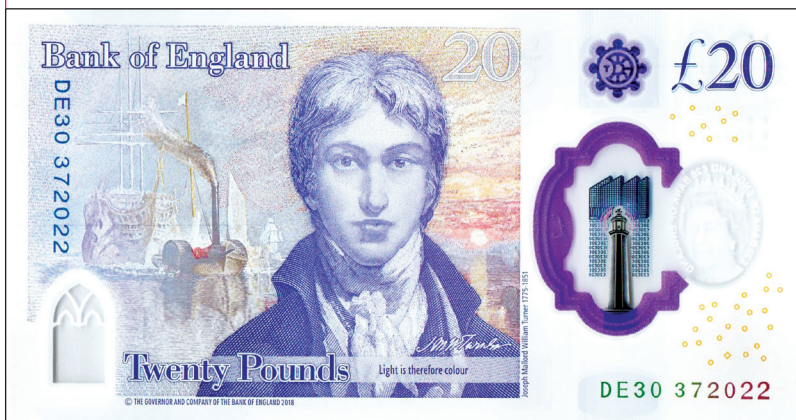
• درآمد سرانه: ۵۵٫۳۰۱ دلار

(بیست و ششمین در جهان)





پشت اسکناس ۱۰ پوندی چهره «جین آستین»، نویسنده قرون هجدهم و نوزدهم انگلیسی است که آثارش تأثیر گسترده‌ای بر ادبیات غرب گذاشت. شناخت او از زندگی زنان و مهارتش در نشان دادن زندگی، او را به یکی از مشهورترین رمان‌نویسان عصر خودش تبدیل کرده است.



روی تمام اسکناس‌های انگلیس چهره ملکه الیزابت نقش بسته است. او ۷۰ سال و ۲۱۴ روز به عنوان ملکه بریتانیا در قدرت حضور داشت. این طولانی‌ترین دوره ریاست در کشور انگلیس است. در دوره فرمانروایی او به عنوان یک ملکه مشروطه، تغییرات سیاسی عمده‌ای به وقوع پیوستند، از جمله تفویض قدرت به دولت‌های محلی در بریتانیا، انتقال حاکمیت ملی کانادا از بریتانیا به این کشور و استعمارزدایی از آفریقا.

پشت اسکناس ۲۰ پوندی، چهره «جوزف مالورد ویلیام ترنر» که در زمان خود با نام ویلیام ترنر شناخته می‌شد، نقش بسته است. او نقاش، چاپگر و آبرنگ‌نویس انگلیسی رمانتیک بود. او به خاطر رنگ‌آمیزی‌های رسا، مناظر تخیلی و نقاشی‌های دریایی آشفته و اغلب خشونت‌آمیزش شناخته می‌شود.



Sir Winston Churchill 1874-1965

پشت اسکناس ۵ پوندی
چهره «وینستون چرچیل»
نقش بسته و جمله‌ای از او
نقل شده که می‌گوید: «من
چیزی جز اشک، خون و
عرق ریختن برای ارائه‌دادن
ندارم». این جمله به
میمن‌پرستی او اشاره دارد.



«آلن ماتیسون تورینگ»، ریاضی‌دان، دانشمند کامپیوتر، منطق‌دان، رمزنگار، فیلسوف و زیست‌شناس نظری انگلیسی بود. تورینگ در توسعه علم کامپیوتر نظری بسیار تأثیرگذار بود.

جهان

۷۵

مجموعه آیدها و فنوز

برای سفارش اینترنتی این کتاب به وبسایت
فروشگاه انتشارات راه پرداخت مراجعه کنید
w2pshop.ir



انتشارات راه پرداخت

بعضی ایده‌ها بسیار ساده‌اند و دم‌دستی؛ اما اجرای آنها سخت است و دشوار. ایده‌هایی که چنان ساده‌اند که بسیاری تصور می‌کنند به فکر خودشان هم رسیده، ولی هیچ‌گاه نتوانستند یا نخواستند زمان بگذارند و آن را اجرا کنند. به همین دلیل ساده فرار از سختی راه، افراد کمی در جهان چیزهایی را که برایشان جالب است، در یک نظم مشخص جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند. کلکسیونرها ایده ساده‌ای را دنبال می‌کنند؛ جمع کردن مرتب و منظم همه آن چیزهایی که دوست‌شان دارند. این چیزها می‌توانند بی‌ارزش‌ترین اشیای عالم از نظر مادی باشند تا جواهراتی گران‌قیمت یا تابلوهای نقاشی ارزشمند. به عنوان نمونه تمبرارزش مادی چندانی ندارد، ولی وقتی یک کلکسیونر در یک نظم مشخص آنها را جمع می‌کند، این ترکیب دارای ارزش معنوی و احیاناً مادی فراتر از جمع ارزش تک‌تک آن تمبرها می‌شود. تمبر و بسیاری از چیزهای دیگر بخشی از زندگی روزمره ما را می‌سازند که در جریان هیجان و سرعت زندگی توجهی به آنها نمی‌کنیم که این می‌تواند زیباترین جلوه هنر باشد. هنر راستین با زندگی عجین می‌شود و ما هر روز از آن استفاده می‌کنیم. هنر راستین جایش گوشه موزه‌ها و زیر نور چراغ‌ها نیست. هنر راستین می‌تواند مجسمه‌ای باشد که در میدانی نصب شده و هر روز آن را می‌بینیم. شهر می‌تواند مصداق یک اثر هنری باشد، مانند ونیز و بارسلونا. به همین سیاق بسیاری از چیزهای زندگی ما می‌تواند مصداقی از یک اثر هنری باشد.

عصر تراکش

کتاب اسکناس
اولین بار به عنوان
شماره ویژه ماهنامه
عصر تراکش
منتشر شده است

ISBN 978-622-7705-95-8



۷۰۰ هزار تومان

انتشارات راه پرداخت

ناشر فناوری و نوآوری

way2pay.press